



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



سختان قلب سی

پاکستان کے سب سے بڑے اور سب سے مشہور

چاپ چھاپ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخنان قدسی، یا، سخن خدا با سه پیامبر اولی العزم...

نویسنده:

موسسه پیام امام هادی علیه السلام

ناشر چاپی:

موسسه پیام امام هادی (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|-----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | سخنان قدسی، یا سخن خدا با سه پیامبر اولی العزم... |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۶ | اشاره |
| ۱۰ | پیشگفتار |
| ۱۸ | مناجات خدا با موسی علیه السلام (یا موسی) |
| ۱۸ | اشاره |
| ۲۰ | مناجات خدا با موسی علیه السلام |
| ۴۸ | پندهای خدا به عیسی علیه السلام (یا عیسی) |
| ۴۸ | اشاره |
| ۴۹ | مواعظ الله تعالی لعیسی علیه السلام |
| ۵۰ | پندهای خدا به عیسی علیه السلام |
| ۹۴ | حدیث معراج (یا أحمد) |
| ۹۴ | اشاره |
| ۹۵ | حَدِيثُ لَيْلَةِ الْمِعْرَاجِ |
| ۹۶ | حَدِيثُ شَبِّ مِعْرَاجِ |
| ۱۴۷ | فهرست منابع |
| ۱۴۸ | درباره مرکز |

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: سخنان قدسی، یا، سخن خدا با سه پیامبر اولی العزم.../ تهیه و تنظیم موسسه پیام امام هادی علیه السلام.

مشخصات نشر: قم: پیام امام هادی (ع)، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری: ۱۴۲ ص.؛ ۱۱×۱۹/۵ س م.

شابک: ۶۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۹۰۰۶۹-۷-۴؛ ۶۰۰۰ ریال (چاپ دوم)؛ ۱۲۵۰۰ ریال (چاپ سوم)؛ ۲۷۵۰۰ ریال (چاپ پنجم)

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۲.

یادداشت: چاپ سوم: بهار ۱۳۸۸.

یادداشت: چاپ پنجم: ۱۳۹۲.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۴۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: سخن خدا با سه پیامبر اولی العظم

موضوع: احادیث قدسی

موضوع: احادیث خاص (معراج)

شناسه افزوده: موسسه امام هادی (ع)

رده بندی کنگره: BP۱۳۹/۵/س ۳ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۱-۲۵۵۸۷

ص: ۱

اشاره

اهداء:

به صاحب عزت و کرامت: سید الشهداء علیه السلام

□
به ولی الله الناصح: امام علی الهادی علیه السلام

□
به صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

ص: ۵

در روزگار غربت معنویت که مردم جهان با سرعت تمام به سوی مادیات و شهوات می تازند و از خود بیگانگان هیچ مسلک و مذهبی را جز در دایره خود کامگی، و انسان مداری برای بشر تجویز نمی کنند، عرضه پیامهای معنوی، گشودن روزنه ای است به ماورای این خود خواهی ها، و تلاشی است برای زدودن زنگار دنیازدگی از جان انسان فراموشکار بریده از آسمان و چسبیده به خاک، شاید که جوهره وجودی خود را که آسمانی است به یاد آورد و چشم دل به سوی آنچه نادیدنی است بگشاید.

چه بسا شعله ای و جرقه ای در دل تاریکی، راه را روشن نماید و باشد که نسیم رحمتی پرده غفلت را کنار زند و اشرف

مخلوقات را که امروز غریق دریای حیوانیت و پستی است به کشتی نجات و ساحل انسانیت رهنمون شود، و ارتباط قطع شده بین زمین و آسمان برقرار گردد.

«احادیث قدسی» نوعی از این پیامهای روحانی و هشدارهای معنوی است که خداوند مهربان در آنها با پیامبران خود به زبان پند و اندرز سخن گفته و ابواب حکمت و معرفت را به سوی ایشان و پیروانشان گشوده است.

و از آن جایی که این سخنان به ساحت قدس پروردگار ارتباط دارد، آنها را «حدیث قدسی» نامیده اند و در تعریف آن و فرقی با قرآن و احادیث دیگر جوهی گفته اند که در اینجا به یک تعریف بسنده می کنیم.

□
□
أما الحديث القدسی: فهو كلام الله تعالى غير المنزل على سبيل التحدى والتعجيز سواء نقله المعصوم عن الله بواسطة الملك أم نقله من الكتب السماوية الماضية. (۱) «حدیث قدسی، سخن خداوند متعال است که بر طریق اعجاز نازل نشده است چه معصوم آن را به واسطه فرشته یا از

ص: ۱۰

کتاب های آسمانی پیشین نقل کند».

این جزوه که پیش روی شما است دربرگیرنده سه حدیث قدسی خطاب به حضرت موسی، عیسی و پیامبر عظیم الشان اسلام با خطاب یا موسی، یا عیسی و یا أحمد است که با اعراب گذاری و ترجمه فارسی عرضه می شود. البته بخشی از این احادیث حاوی معانی بلند و دقیقی است که درک آن نیاز به استاد و تدبّر دارد، و ما فقط به ترجمه ساده آن بسنده کرده ایم.

این احادیث در کتاب های معتبری چون کافی ثقة الاسلام کلینی، امالی شیخ صدوق، ارشاد القلوب دیلمی و تحف العقول حرّانی رحمه الله آمده است و دیگر علما چون علامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی و محدث نوری رضوان الله علیهم از آنها نقل نموده اند و ما در آخر هر کدام از این سه حدیث به منابع آن به طور کامل اشاره خواهیم کرد.

در پایان از محققین مؤسسه که ما را در ترجمه و تألیف این کتاب شریف یاری کردند و همچنین از مساعدت ستاد عالی کانون های فرهنگی هنری مساجد تشکر و قدر دانی می شود.

مؤسسه امام هادی علیه السلام

ص: ۱۱

مناجات خدا با موسی علیه السلام (یا موسیٰ)

اشاره

ص: ۱۳

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى رَفَعَهُ، قَالَ: إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاجَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاتِهِ:

يَا مُوسَى لَا تُطِلْ (١) فِي الدُّنْيَا أَمَلَكَ فَيَقْسُوَ لِدَلِّكَ قَلْبَكَ، وَقَاسَى الْقَلْبَ مِنِّي بَعِيدٌ.

يَا مُوسَى كُنْ كَمَسِيرَتِي فِيكَ، فَإِنَّ مَسِيرَتِي أَنْ أُطَاعَ فَلَا أُعْصَى (٢)، فَأَمِثْ قَلْبَكَ بِالْخَشْيَةِ، وَكُنْ خَلَقَ الثِّيَابِ، جَدِيدَ الْقَلْبِ؛ تَخْفَى عَلَيَّ أَهْلِي الْأَرْضِ وَتُعْرَفُ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ، حِلْسَ الْبُيُوتِ، مَضِيحَ اللَّيْلِ، وَاقْنُتْ بَيْنَ يَدَيَّ قُنُوتَ الصَّابِرِينَ (٣)، وَصِحْ إِلَيَّ مِنْ كَثْرَةِ الذُّنُوبِ صِيحَ الْمُذْنِبِ الْهَارِبِ مِنْ عَدُوِّهِ،

ص: ١٤

-
- ١- (١) أثبتناه من البحار والتحف؛ وفي المصدر «لا يطول»؛ وفي الأربعين «لا تطول»..
 - ٢- (٢) - من «ياموسى كن» إلى «أعصى» ليس فى التحف..
 - ٣- (٣) من «حلس البيوت» إلى «الصابرين» ليس فى التحف..

علی بن ابراهیم از پدرش از عمرو بن عثمان از علی بن عیسیٰ در حدیثی که سند آن را به معصوم می‌رساند نقل می‌کند که:
خداوند تبارک و تعالی با موسیٰ همراه شد، و در مناجات خود به او فرمود:

ای موسی! در دنیا آرزویت دراز مگردان که بدین سبب دل تو سخت شود، و سنگ دل از من دور است.

ای موسی! آنگونه باش که نسبت به تو شادمان باشم، شادمانی من آنست که فرمانم برند و نافرمانی نشوم، و با ترس [از من، هوی و هوس] دل خود را بمیران و کهنه جامه و تازه دل باش؛ برای اهل زمین گمنام و برای آسمانیان شناخته شده باش، خانه نشین و چراغ شب باش، و در پیشگاه من چون شکیبایان فروتن باش و مانند گنهکاری که از دشمنش فرار می‌کند، از بسیاری گناهان به سوی من فریاد برآور

وَاسْتَعِزَّ بِى عَلَىٰ ذَٰلِكَ، فَإِنِّى نِعَمَ الْعَوْنِ، وَنِعَمَ الْمُسْتَعَانِ.

يَا مُوسَىٰ إِنِّى أَنَا اللَّهُ فَوْقَ الْعِبَادِ، وَالْعِبَادُ دُونِى، وَكُلُّ لى دَاخِرُونَ، فَاتَّهَمَ نَفْسَكَ عَلَىٰ نَفْسِكَ وَلَا تَأْتِمَنَّ وَلَدَكَ عَلَىٰ دِينِكَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ وَلَدَكَ مِثْلَكَ يُحِبُّ الصَّالِحِينَ.

يَا مُوسَىٰ اغْسِلْ وَاعْتَسِلْ، وَاقْتَرِبْ مِنْ عِبَادِى الصَّالِحِينَ.

يَا مُوسَىٰ كُنْ إِمَامَهُمْ فِى صَلَاتِهِمْ، وَإِمَامَهُمْ فِيمَا يَتَشَاجِرُونَ. وَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلْتُ عَلَيْكَ، فَقَدْ أَنْزَلْتُهُ حُكْمًا بَيْنًا، وَبُرْهَانًا بَيِّنًا، وَ نُورًا يَنْطِقُ بِمَا كَانَ فِى الْأَوَّلِينَ وَبِمَا هُوَ كَائِنٌ فِى الْآخِرِينَ.

أَوْصِيكَ يَا مُوسَىٰ وَصِيَّةَ الشَّفِيقِ الْمُشْفِقِ بَابْنِ الْبَتُولِ عِيسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ، صَاحِبِ الْأَتَانِ وَالْبُرْنِسِ وَالزَّيْتِ وَالزَّيْتُونِ وَالْمَحْرَابِ، وَمِنْ بَعْدِهِ بِصَاحِبِ الْجَمَلِ الْأَحْمَرِ، الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ، فَمَثَلُهُ فِى كِتَابِكَ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ مُهَيِّمٌ عَلَىٰ الْكُتُبِ كُلِّهَا،

و در این کار از من کمک بخواه که من یار و مددکار خوبی هستم.

ای موسی! منم خدای بالاتر از بندگان، و بندگان زیر دست منند، و همه در برابرم کوچکنند، در مورد خویش، به خود بدگمان باش، و بر دین خود فرزندت را [نیز] امین ندان، مگر اینکه فرزند تو مانند تو دوستدار درستکاران باشد.

ای موسی! شستشو کن و غسل نما، و به بندگان نیکوکارم نزدیک شو.

ای موسی! در نماز پیشوای آنان و در نزاع‌ها راهبر آنان باش. و میان آنان، با آنچه بر تو نازل کردم [یعنی تورات] داوری کن که من آنرا فرو فرستادم [به صورت] حکمی آشکار، و دلیلی روشن، و نوری که به آنچه در پیشینیان بود و در آیندگان خواهد بود سخن می‌گوید.

ای موسی! همچون دوستی مهربان تو را سفارش می‌کنم به فرزند بتول [آن بانوی از دنیا بریده به خدا پیوسته] عیسی بن مریم، صاحب الاغ و بُرنس (۱) و روغن زیتون، و زیتون (۲)، و محراب، و پس از آن [سفارش می‌کنم تو را] به صاحب شتر سرخ موی، آن پاک‌پاکیزه پاک نهاد [پیامبر اسلام]، نشانه او در کتاب تو اینست که او مؤمن و پاسدار همه کتابهای آسمانی است،

ص: ۱۷

۱- (۱) - نوعی کلاه دراز یا شنل مخصوص عابدان..

۲- (۲) این دو خوراک معمولی حضرت عیسی (ع) بوده است..

وَأَنَّهُ رَاجِعٌ سَاجِدٌ رَاغِبٌ رَاهِبٌ، إِخْوَانُهُ الْمَسَاكِينُ، وَأَنْصَارُهُ قَوْمٌ آخَرُونَ، وَيَكُونُ فِي زَمَانِهِ أَزْلٌ وَزَلْزَالٌ وَقَتْلٌ وَقِتْلٌ مِنَ الْمَيَالِ، اسْمُهُ أَحْمَدُ، مُحَمَّدٌ الْأَمِينُ مِنَ الْبَاقِينَ مِنْ تِلْكَ الْأَوْلِيَيْنِ الْمَاضِينَ، يُؤْمِنُ بِالْكِتَابِ كُلِّهَا، وَيُصَدِّقُ جَمِيعَ الْمُرْسَلِينَ، وَيَشْهَدُ بِالْإِخْلَاصِ لِجَمِيعِ النَّبِيِّينَ؛ أُمَّتُهُ مَرْحُومَةٌ مُبَارَكَةٌ مَا بَقُوا فِي الدِّينِ عَلَى حَقَائِقِهِ، لَهُمْ سَاعَاتٌ مُوقَّتَاتٌ يُؤَدُّونَ فِيهَا الصَّلَوَاتِ أَدَاءَ الْعِبَادِ إِلَى سَيِّدِهِ نَافِلَتَهُ، فِيهِ فَصَدَّقَ، وَمِنْهَا جُهُ فَاتَّبِعَ، فَإِنَّهُ أَخُوكَ.

يَا مُوسَى إِنَّهُ أُمَّتِي، وَهُوَ عَبْدٌ صِدْقِي، يُبَارِكُ لَهُ فِيمَا وَضَعَ يَدُهُ عَلَيْهِ، وَيُبَارِكُ عَلَيْهِ، كَمَا ذَلِكُ كَانَ فِي عِلْمِي، وَكَذَلِكَ خَلَقْتُهُ، بِهِ أَفْتَحُ السَّاعَةَ، وَبِأُمَّتِهِ أَخْتِمُ مَفَاتِيحَ الدُّنْيَا، فَمُرْ ظَلَمَةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ لَا يَدْرُسُوا اسْمَهُ، وَلَا يَحْدُلُوهُ، وَإِنَّهُمْ لَفَاعِلُونَ، وَحُجُّهُ لِي حَسَنَةٌ، فَأَنَا مَعَهُ وَأَنَا مِنْ حِزْبِهِ، وَهُوَ مِنْ حِزْبِي، وَحِزْبُهُمُ الْغَالِبُونَ، (فَتَمَّتْ كَلِمَاتِي

و او اهل رکوع و سجود و شوق و بیم از خداست، برادرانش بینوایان، ویاوراننش قومی دیگرند، و در زمانش فشار و گرفتاری و کشتار و تهیدستی خواهد بود، نام او احمد، محمّد امین است، از بازماندگان گروه پیشینیان [پیامبران گذشته].

به همه کتابها [ی آسمانی] ایمان دارد و همه پیامبران را تصدیق می کند، و با اخلاص به نبوت همه انبیاء شهادت می دهد؛ امت او تا بر حقایق دین پایدارند، مورد رحمت و برکت هستند، ساعات معینی دارند که در آن ساعات نماز خود را به جا آورند همانگونه که بنده ای وظیفه خود را نسبت به مولای خود انجام دهد، پس او را تصدیق کن و روش او را پیروی کن که او برادر تو است.

ای موسی! او درس ناخوانده و بنده مخلصی است، بر هرچه دست نهد مبارکش گردد و خود نیز مبارک [وخجسته] است.

در علم من اینچنین بوده است، و اینگونه او را آفریدم، با او قیامت را آغاز کنم و با امتش کلیدهای دنیا را مهر زنم [دنیا را به پایان رسانم]. پس به ستمکاران بنی اسرائیل فرمان ده که اسم او را محو نکنند، و او را وا نگذارند، [گرچه] آنان انجام خواهند داد، و دوست داشتن او به خاطر من حسنه است، پس من با او و از حزب او هستم، و او نیز از حزب من است، و حزب آنها پیروز است سخنانم پایان یافت

لَأُظْهِرَنَّ دِينَهُ عَلَى الْأَدْيَانِ كُلِّهَا، وَلَأَعْبُدَنَّ بِكُلِّ مَكَانٍ، وَلَأَنْزِلَنَّ عَلَيْهِ قُرْآنًا فُرْقَانًا، شِفَاءً لِمَا فِي الصُّدُورِ مِنْ نَفْسِ الشَّيْطَانِ.

فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا ابْنَ عِمْرَانَ، فَإِنِّي أُصَلِّي عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتِي. (١) يَا مُوسَى أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا إِلَهَكَ، لَا تَسْتَدِلَّ الْحَقِيرَ الْفَقِيرَ، وَلَا تَغْبِطِ الْعَنِيَّ بِشَيْءٍ يَسِيرٍ، وَكُنْ عِنْدَ ذِكْرِي خَاشِعًا، وَعِنْدَ تِلَاوَتِهِ بِرَحْمَتِي طَامِعًا، وَأَسْمِعْنِي لَذَاذَةَ التَّوْرَةِ بِصَوْتِ خَاشِعِ حَزِينٍ، اطمئنَّ عِنْدَ ذِكْرِي، وَذَكَرْ بِي مَنْ يَطْمِئُنُّ إِلَيَّ، وَاعْبُدْنِي، وَلَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا، وَتَحَرَّ مَسْرَتِي، إِنِّي أَنَا السَّيِّدُ الْكَبِيرُ، إِنِّي خَلَقْتُكَ مِنْ نُطْفَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ، مِنْ طِينِهِ أَخْرَجْتُهَا مِنْ أَرْضِ ذَلِيلِهِ مَمْشُوجِهِ، فَكَانَتْ بَشَرًا، فَأَنَا صَانِعُهَا خَلْقًا، فَتَبَارَكَ وَجْهِي، وَتَقَدَّسَ صَنِيعِي، لَيْسَ كَمِثْلِي شَيْءٌ، وَأَنَا الْحَيُّ الدَّائِمُ الَّذِي لَا أَزُولُ.

ص: ٢٠

١- (١) ما بين القوسين ليس في التحف..

[قضای من حتمی شد] که حتماً دین او را بر تمامی دین ها پیروز گردانم، و در هر مکان پرستش شوم، و بر او قرآنی فرو فرستم که جدا کننده [میان حق و باطل]، و درمان سینه ها از وسوسه شیطان باشد.

پس ای فرزند عمران! بر او درود فرست، که من و فرشتگانم بر او درود می فرستیم.

ای موسی! تو بنده من و من خدای تو هستم، شخص حقیر و بی نوا را خوار نشمار، و به چیز کمی که توانگر دارد غبطه مخور، و هنگام یاد من فروتن، و هنگام خواندن ذکرم بر رحمت من چشم داشته باش، و لذت [قرائت] تورات را با صدایی خاشع و اندوهناک به گوش من برسان، هنگام یاد من آرامش داشته باش، و مرا به یاد آنان که به من آرامش خاطر دارند بینداز، و مرا پرست، و چیزی را همتای من قرار نده، و خوشنودی مرا بجوی، که منم آن آقای بزرگ، من تو را از نطفه آبی پست آفریدم، از گلی که از زمین پست و درهم بیرون آوردم، آنگاه بشری [کامل] گردید. پس من او را آفریده ای ساختم، و مبارک است ذات من، و منزّه است ساخته من، مانند من چیزی نیست و منم همیشه زنده ای که نابود نمی شوم.

يَا مُوسَىٰ ۖ كُنْ إِذَا دَعَوْتَنِي خَائِفًا مُّشْفِقًا وَجَلًّا، (عَفْرٌ وَجْهَكَ لِي فِي التُّرَابِ، وَاسْجُدْ لِي بِمَكَارِمِ يَدَيْكَ، وَاقْنُتْ بَيْنَ يَدَيَّ فِي الْقِيَامِ) (١)، وَنَاجِنِي حِينَ تُنَاجِنِي بِخَشْيَةٍ مِنْ قَلْبٍ وَجَلٍ، وَاحِىَ بَتُّورَاتِي أَيَّامَ الْحَيَاةِ، وَعَلَّمَ الْجُهَّالَ مَحَامِدِي، وَذَكَرَهُمُ الْآلِيْنَ وَنِعْمَتِي، وَقُلْ لَهُمْ لَا يَتِمَادُونَ فِي غِيٍّ مَا هُمْ فِيهِ، فَإِنْ أَخَذِي أَلِيمٌ شَدِيدٌ.

يَا مُوسَىٰ إِذَا انْقَطَعَ حَبْلُكَ مِنِّي لَمْ يَتَّصِلْ بِجَبَلٍ غَيْرِي، فَاعْبُدْنِي وَقُمْ بَيْنَ يَدَيَّ مَقَامَ الْعَبْدِ الْحَقِيرِ الْفَقِيرِ، ذُمَّ نَفْسَكَ، فَهِيَ أَوْلَىٰ بِالذَّمِّ، وَلَا تَتَطَاوَلْ بِكِتَابِي عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَكَفَىٰ بِهَذَا وَاعِظًا لِقَلْبِكَ وَمُنِيرًا، وَهُوَ كَلَامُ رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ وَتَعَالَىٰ.

يَا مُوسَىٰ ۖ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي فَإِنِّي سَأَعْفِرُ لَكَ عَلَىٰ مَا كَانَ مِنْكَ، السَّمَاءُ تُسَبِّحُ لِي وَجَلًّا، وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ مَخَافَتِي مُشْفِقُونَ، وَالْأَرْضُ تُسَبِّحُ لِي طَمَعًا، وَكُلُّ الْخَلْقِ يُسَبِّحُونَ لِي دَاخِرُونَ.

ص: ٢٢

١- (١) من «وعفر وجهك» التي «في القيام» ليس في التحف..

ای موسی! وقت خواندن من ترسان و نرم دل و هراسان باش، برای من صورت خود را بر خاک بگذار، و با گرمی ترین اعضای بدن خود برایم سجده کن، و هنگام ایستادن در برابرم فروتن باش، و هنگام مناجات با ترس و قلبی لرزان با من مناجات کن، و سراسر عمر خود را با تورات من زنده باش، و اوصاف نیک مرا به نادانان بیاموز، و نعمت های باطن و ظاهر مرا به آنان یاد آور شو، به آنان بگو به گمراهی هائیکه در آن فرو رفته اند ادامه ندهند، که مؤاخذه من دردناک و سخت است.

ای موسی! هنگامی که ریسمان پیوند تو با من قطع شود به ریسمان دیگری نخواهد پیوست، پس مرا پرستش کن و در پیشگاه من همانند بنده ناچیز بینوا بایست، و خود را نکوهش کن که نفس تو به نکوهش سزاوارتر است، و با کتاب من بر بنی اسرائیل سرفرازی مکن، و این کتاب کافی است که اندرز دهنده و روشن کننده دلت باشد، و آن سخن پروردگار جهانیان است که بزرگ و بلند مرتبه است.

ای موسی! هر زمان مرا بخوانی و به من امید داشته باشی، من نیز تو را با گناهانت می آمرزم، آسمان از روی بیم مرا تسبیح می گوید، و فرشتگان از هراس من بیمناکند، و زمین از روی طمع مرا تنزیه کند، و همه آفریده ها متواضعانه مرا می ستایند.

ثُمَّ عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ الصَّلَاةِ، فَإِنَّهَا مَنِيٌّ بِمَكَانٍ، وَلَهَا عِنْدِي عَهْدٌ وَثِيقٌ، وَالْحَقُّ بِهَا مَا هُوَ مِنْهَا زَكَاةُ الْقُرْبَانِ مِنْ طَيِّبِ الْمَالِ وَالطَّعَامِ، فَإِنِّي لَا أَقْبَلُ إِلَّا الطَّيِّبَ يُرَادُ بِهِ وَجْهِي، وَأَقْرُنْ مَعَ ذَلِكَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ، فَإِنِّي أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، وَالرَّحْمُ - أَنَا خَلَقْتُهَا فَضْلاً مِنْ رَحْمَتِي، لِيَتَعِاطَفَ بِهَا الْعِبَادُ، وَلَهَا عِنْدِي سُلْطَانٌ فِي مَعَادِ الْآخِرَةِ، وَأَنَا قَاطِعٌ مَنْ قَطَعَهَا، وَوَاصِلٌ مَنْ وَصَلَهَا، وَكَذَلِكَ أَفْعَلُ بِمَنْ ضَيَّعَ أَمْرِي.

يَا مُوسَىٰ أَكْرَمَ السَّائِلِ إِذَا آتَاكَ بَرْدٌ جَمِيلٌ أَوْ إِعْطَاءٌ يَسِيرٌ، فَإِنَّهُ يَأْتِيكَ مَنْ لَيْسَ بِإِنْسٍ وَلَا جَانٍّ، مَلَائِكَةُ الرَّحْمَنِ يَتْلُونَكَ كَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ فِيمَا أَوْلَيْتَكَ، وَكَيْفَ مُوَأَسَاتُكَ فِيمَا حَوَّلْتَكَ، وَاحْشَعْ لِي بِالتَّضَرُّعِ، وَاهْتِفْ لِي بِوَلَوْلِهِ الْكِتَابُ،

سپس بر تو باد به نماز، نماز، که آن نزد من منزلتی بزرگ، و پیمانی محکم دارد، و به آن زکات مایهٔ تقرب که از نماز محسوب می شود را پیوند ده، زکاتی که از مال و خوراک پاکیزه باشد، که من جز پاکیزه ای را که برای رضای من باشد قبول نمی کنم، و با اینها صلهٔ رحم را همراه ساز، که منم خدای بخشایشگر مهربان، و خویشاوندی را من تفضلاً از رحمت خود آفریدم، تا بندگان با آن به یکدیگر مهر ورزند، و آن در روز قیامت نزد من فرمانروایی خواهد داشت، من از آنکس که پیوند خویشی را بریده می برم، و با آنکه پیوند کرده می پیوندم، و اینگونه با کسی که فرمان مرا تباه سازد رفتار خواهم کرد.

ای موسی! سائل را چون نزد تو آمد اکرام کن یا با خوشرویی بازگردان و یا با بخششی اندک، زیرا گاهی کسی پیش تو آید، که نه انسان است و نه جن، بلکه از فرشته های خدای رحمان است، تو را می آزمایند تا چگونه با آنچه به تو ارزانی داشته ام رفتار می کنی و با نعمتی که به تو داده ام با دیگران [همدردی و] مواسات می کنی؟

و با لابه به درگاه من نرم دل شو، و کتاب [تورات] را نالان و گریان برایم بخوان.

وَأَعْلَمَ أَنِّي أَدْعُوكَ دُعَاءَ السَّيِّدِ مَمْلُوكُهُ، لِيَبْلُغَ بِهِ شَرَفَ الْمَنَازِلِ، وَذَلِكَ مِنْ فَضْلِي عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الْأَوْلِيَيْنِ.

يَا مُوسَى لَا تَسِينِي عَلَيَّ كُلَّ حَالٍ، وَلَا تَفْرَحْ بِكَثْرَةِ الْمَالِ، فَإِنَّ نَسِيَانِي يُقْسِي الْقُلُوبَ، وَمَعَ كَثْرَةِ الْمَالِ كَثُرَ الذُّنُوبُ. الْأَرْضُ مُطِيعَةٌ، وَالسَّمَاءُ مُطِيعَةٌ، وَالْبِحَارُ مُطِيعَةٌ، وَعِصْيَانِي شِقَاءُ الثَّقَلَيْنِ، وَأَنَا الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، رَحْمَانُ كُلِّ زَمَانٍ.

آتَى بِالشَّدَةِ بَعِيدَ الرَّخَاءِ، وَبِالرَّخَاءِ بَعِيدَ الشَّدَةِ، وَبِالْمُلُوكِ بَعِيدَ الْمُلُوكِ، وَمُلْكِي دَائِمٌ قَائِمٌ لَا يَزُولُ، وَلَا يَخْفَى عَلَيَّ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَكَيْفَ يَخْفَى عَلَيَّ مَا مِنِّي مُبْتَدَأُهُ، وَكَيْفَ لَا يَكُونُ هُمُكَ فِيمَا عِنْدِي وَإِلَيَّ تَرْجِعُ لَا مَحَالَةَ.

يَا مُوسَى اجْعَلْنِي حَزْرَكَ، وَضَعْ عِنْدِي كَنْزَكَ مِنَ الصَّالِحَاتِ، وَخَفْنِي وَلَا تَخَفْ غَيْرِي، إِلَيَّ الْمَصِيرُ.

(يَا مُوسَى اِرْحَمْ مَنْ هُوَ أَسْفَلُ مِنْكَ فِي الْخَلْقِ، وَلَا تَحْسُدْ مَنْ هُوَ فَوْقَكَ، فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.

ویدان من تو را فرا می خوانم همانند آقایی که بنده خود را می خواند، تا او را به درجات بلند برساند، و این از فضل من بر تو و بر پدران پیشین توست.

ای موسی! در هر حال مرا فراموش مکن، و به دارایی فراوان خوشنود نشو، که فراموشی من دلها را سخت می کند، و همراه فراوانی مال فراوانی گناه است، زمین فرمانبردار است، و آسمان فرمانبردار است، و دریاها فرمانبردارند، و نافرمانی من تیره روزی جن و انس است، و من بخشاینده مهربانم، بخشاینده هر زمان، پس از سختی آسودگی آرم و پس از آسودگی سختی، و پادشاهان را پس از پادشاهان، در حالی که فرمانروایی من همیشگی و پاینده و بی زوال است، در زمین و آسمان چیزی بر من پنهان نیست، و چگونه آنچه پیدایشش از طرف من است از من پنهان بماند؟ و چگونه در آنچه نزد من است همت نگماری؟ با اینکه به ناچار به سوی من باز می گردی.

ای موسی! مرا پناه خود قرار ده، و گنج خود را - که کارهای نیک است - نزد من بگذار، و از من بترس، و از غیر من بیم نداشته باش، که بازگشت [همه] به سوی من است.

ای موسی! به کسی که در میان بندگان پائین تر از تو است رحم کن، و به کسی که برتر از تو است رشک مبر، که حسد نیکی ها را می خورد همانگونه که آتش هیزم را.

يَا مُوسَى إِنَّ ابْنَ آدَمَ تَوَاضَعَا فِي مَنْزِلِهِ لَيْنَالَا بِهَا مِنْ فَضْلِي وَرَحْمَتِي، فَقَرَّبَا قُرْبَانًا، وَلَا أَقْبَلُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ، فَكَانَ مِنْ شَأْنِهِمَا مَا قَدْ عَلِمْتَ، فَكَيْفَ تَتَّقُ بِالصَّاحِبِ بَعْدَ الْأَخِ وَالْوَزِيرِ؟!

يَا مُوسَى ضَعِ الْكِبْرَ، وَدَعْ الْفَخْرَ، وَادْكُرْ أَنَّكَ سَاكِنُ الْقَبْرِ، فَلْيَمْنَعْكَ ذَلِكَ مِنَ الشَّهَوَاتِ. (١) يَا مُوسَى عَجِّلِ التَّوْبَةَ، وَأَخِّرِ الذَّنْبَ، وَتَأَنَّ فِي الْمَكِّثِ بَيْنَ يَدَيَّ فِي الصَّلَاةِ، وَلَا تَرْجُحْ غَيْرِي، اتَّخِذْنِي جُنَّةً لِلشَّدَائِدِ (٢)، وَحِصْنًا لِمِلْمَاتِ الْأُمُورِ.

(يَا مُوسَى كَيْفَ تَخْشَعُ لِي خَلِيقَهُ لَا- تَعْرِفُ فَضْلِي عَلَيْهَا، وَكَيْفَ تَعْرِفُ فَضْلِي عَلَيْهَا وَهِيَ لَا تَنْظُرُ فِيهِ، وَكَيْفَ تَنْظُرُ فِيهِ وَهِيَ لَا تُؤْمِنُ بِهِ، وَكَيْفَ تُؤْمِنُ بِهِ وَهِيَ لَا- تَرْجُو ثَوَابًا، وَكَيْفَ تَرْجُو ثَوَابًا وَهِيَ قَدْ قَنَعَتْ بِالدُّنْيَا، وَاتَّخَذَتْهَا مِأْوًى، وَرَكَنَتْ إِلَيْهَا رُكُونُ الظَّالِمِينَ.) (٣)

ص: ٢٨

١- (١) من «يا موسى ارحم» التي «من الشهوات» ليس في التحف..

٢- (٢) بدل «اتخذني جنة للشدائد» في الجواهر السنية: «واجعلني جنة»..

٣- (٣) من «يا موسى كيف» التي «الظالمين» ليس في التحف..

ای موسی! دو فرزند آدم در مقامی فروتنی کردند تا بدان وسیله به فضل و رحمت من دست یابند، پس هر دو قربانی کردند، در حالیکه من جز از پارسایان نپذیرم، وقصه آن دو چنان شد که دانستی، پس چگونه به رفیق، پس از برادر و پشت و پناه اعتماد می کنی؟

ای موسی! کبر را فرو گذار، و فخر را رها کن، و یاد بیاور که تو در قبر جای خواهی گرفت، پس همین باید تو را از شهوت ها باز دارد.

ای موسی! توبه را پیش انداز، و گناه را پس افکن، و در ایستادن در پیشگاه من به نماز، آرام [وبی شتاب] باش، و به غیر از من امید مبند، مرا سپری در برابر سختی ها، و قلعه محکمی برای پیش آمدهای ناگوار قرار ده.

ای موسی! آفریده ای که فضل [و رحمت] مرا بر خود نمی شناسد، چگونه برای من خاشع گردد؟ و چگونه فضل [و رحمت] مرا بر خود بشناسد، در حالیکه در آن نمی نگردد، و چگونه در آن بنگردد در حالیکه به آن ایمان ندارد، و چگونه به آن ایمان آورد، در حالیکه پاداشی را امید ندارد، و چگونه پاداشی را امید داشته باشد در حالیکه به دنیا بسنده کرده است، و آن را جایگاه خویش گزیده است، و همچون ستمگران به آن دل بسته است.

يَا مُوسَىٰ نَافِسٌ فِي الْخَيْرِ أَهْلُهُ، فَإِنَّ الْخَيْرَ كَاسْمِهِ، وَدَعِ الشَّرَّ لِكُلِّ مَفْتُونٍ.

يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لِسَانَكَ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِكَ تَسْلَمَ، وَأَكْثِرْ ذِكْرِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ تَعْنَمَ، وَلَا تَتَّبِعِ الْخَطَايَا فَتَتَدَمَّ، فَإِنَّ الْخَطَايَا مَوْعِدُهَا النَّارُ.

يَا مُوسَىٰ أَطِبِ الْكَلَامَ لِأَهْلِ التَّزُوكِ لِلدُّنُوبِ، وَكُنْ لَهُمْ جَلِيسًا، وَاتَّخِذْهُمْ لِعَيْبِكَ إِخْوَانًا، وَجِدْ مَعَهُمْ يَجِدُونَ مَعَكَ.

(يَا مُوسَىٰ الْمَوْتُ يَأْتِيكَ لَا مَحَالَهٗ، فَتَزَوَّدْ زَادَ مَنْ هُوَ عَلِيٌّ مَا يَتَزَوَّدُ وَارِدٌ عَلَى الْيَقِينِ.) (١) يَا مُوسَىٰ مَا أُرِيدَ بِهِ وَجْهِي فَكَثِيرٌ قَلِيلُهُ، وَمَا أُرِيدَ بِهِ غَيْرِي فَقَلِيلٌ كَثِيرُهُ، وَإِنَّ أَصْلَحَ أَيَّامِكَ الَّذِي هُوَ أَمَامَكَ، فَانظُرْ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ فَأَعِدْ لَهُ الْجَوَابَ، فَإِنَّكَ مَوْقُوفٌ وَمَسْئُولٌ. وَخُذْ مَوْعِظَتَكَ مِنَ الدَّهْرِ وَأَهْلِهِ، فَإِنَّ الدَّهْرَ طَوِيلُهُ قَصِيرٌ، وَقَصِيرُهُ طَوِيلٌ، وَكُلُّ شَيْءٍ فَإِنْ، فَاعْمَلْ كَأَنَّكَ تَرَى ثَوَابِعَمَلِكَ، لَكِنِّي يَكُونُ أَطْمَعُ لَكَ فِي الْآخِرَةِ لَا مَحَالَهٗ، فَإِنَّ مَا بَقِيَ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا وَلَى مِنْهَا،

ص: ٣٠

١- (١) ما بين القوسين ليس في التحف..

ای موسی! در کار نیک از نیکوکاران پیشی بگیر که نیکی همچون نام خود نیک است، و پلیدی را برای شیفته آن واگذار.

ای موسی! زبانت را در پس دل خود قرار ده تا سالم بمانی، و در شب و روز بسیار به یاد من باش تا سود ببری، و از گناهان پیروی نکن که پشیمان شوی، زیرا قرارگاه گناهان آتش است.

ای موسی! با آنانکه ترک گناهان کنند خوش سخن، و همنشین آنان باش، و آنان را برای غیب [و اسرار] خود به برادری گیر، و با آنان بکوش تا با تو بکوشند.

ای موسی! ناگزیر مرگ به تو خواهد رسید، پس همچون کسی توشه بگیر که به یقین بر توشه خود درآید.

ای موسی! آنچه برای رضای من انجام گیرد اندک آن فراوان است، و آنچه برای غیر من انجام گیرد فراوان آن اندک است، و شایسته ترین روزهای تو روزی است که پیش رو داری، پس بنگر که چه روزی است؟ برای آن پاسخ آماده کن، زیرا تو را نگه دارند و از تو بازخواست کنند، و از روزگار و اهل آن پند خود را دریاب، که بلند روزگار کوتاه، و کوتاه آن بلند است، و هر چیزی فانی است، پس آنچه عمل کن که گویی پاداش آنرا می بینی، تا به ناچار طمع تو را به آخرت فزونی بخشد، زیرا آنچه از دنیا [ی تو] باقی است همانگونه خواهد بود که پشت کرده است،

وَكُلَّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَيَّ بِصِيرِهِ وَمِثَالٍ، فَكُنْ مُرْتَادًا لِنَفْسِكَ يَا ابْنَ عِمْرَانَ، لَعَلَّكَ تَفُوزُ غَدًا يَوْمَ السُّؤَالِ، فَهَنَّا لَكَ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ.

(يا موسى أَلْقِ كَفَيْكَ ذُلًّا بَيْنَ يَدَيَّ، كَفَعَلِ الْعَبْدِ الْمُسْتَضْرَحِ إِلَيَّ سَيِّدِهِ، فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ رُحِمْتَ، وَأَنَا أَكْرَمُ الْقَادِرِينَ.

يا موسى سَيْلِنِي مِنْ فَضْلِي وَرَحْمَتِي، فَإِنَّهُمَا بِيَدِي، لَا يَمْلِكُهُمَا أَحَدٌ غَيْرِي، وَأَنْظُرُ حِينَ تَسْأَلُنِي كَيْفَ رَغَبْتِكَ فِيمَا عِنْدِي، لِكُلِّ عَامِلٍ جَزَاءً، وَقَدْ يُجْزَى الْكُفُورُ بِمَا سَعَى. (١) يا موسى طِبْ نَفْسًا عَنِ الدُّنْيَا، وَأَنْطَوِ عَنْهَا، فَإِنَّهَا لَيْسَتْ لَكَ وَلَيْسَتْ لَهَا، مَا لَكَ وَلِدَارِ الظَّالِمِينَ إِلَّا لِعَامِلٍ فِيهَا بِالْخَيْرِ، فَإِنَّهَا لَهُ نِعَمَ الدَّارِ.

(يا موسى مَا أَمْرُكَ بِهِ فَاسْمَعْ (٢)، وَمَهْمَا أَرَاهُ فَاصْنَعْ، خُذْ حَقَائِقَ التَّوْرَةِ إِلَيَّ صَدْرِكَ، وَتَيَقَّظْ بِهَا فِي سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ،

ص: ٣٢

١- (١) من «ياموسى أَلْقِ» اللى «بما سعى» ليس فى التحف..

٢- (٢) - «فاصنع» الجواهر السنيه..

وهر عاملی از روی بصیرت و نمونه عملی کار می کند؛ پس ای فرزند عمران! برای خودت، خود در تلاش باش که امید می رود فردا - روز سؤال - رستگار شوی که آنجا بیهوده کاران زیان می بینند.

ای موسی! دو دست خود را با خواری در پیشگاه من بدار، همچون بنده ای که مولای خود را به داد خواهد، که تو چون اینگونه کردی مورد رحمت قرار می گیری، و من بخشنده ترین قدرتمندانم.

ای موسی! از فضل و رحمت من بخواه که ایندو بدست من است، و جز من کسی صاحب اختیار آنها نیست، و چون از من درخواست کنی بنگر که شوق تو به آنچه نزد من است چگونه است؟ برای هر عمل کننده پاداشی است، و گاه ناسپاس نیز پاداش تلاش خود را ببیند.

ای موسی! دلت را از [وابستگی به] دنیا پاک گردان، و خود را از آن بدور دار. که نه آن برای توست و نه تو برای آن، تو را با خانه ستمگران چه کار؟ مگر برای آنکس که در آن کار نیک کند که دنیا برای او خوب خانه ای است.

ای موسی! هرچه دستورت دادم بشنو، و آنچه را مصلحت دیدم انجام ده، حقایق تورات را در سینه خود گیر، و با آنها در ساعات شب و روز بیدار باش،

وَلَا تُمْكِنُ أُنْبَاءَ الدُّنْيَا مِنْ صَدْرِكَ، فَيَجْعَلُونَهُ وَكْرًا كَوَكْرِ الطَّيْرِ. (١) يَا مُوسَىٰ أُنْبَاءَ الدُّنْيَا وَأَهْلِهَا فَتَنِّ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ، فَكَلَّ مَرِيئًا لَهُ مَا هُوَ فِيهِ، وَالْمُؤْمِنُ مَنْ زَيَّنَتْ لَهُ الْآخِرَةَ، فَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا مَا يَفْتُرُ، قَدْ حَالَتْ شَهْوَتُهَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ لَدَّةِ الْعَيْشِ، فَأَذَلَّجَتْهُ بِالْأَسْجَارِ كَفِعْلِ الرََّاكِبِ السَّائِقِ إِلَىٰ غَايَتِهِ، يَظُلُّ كَثِيبًا وَيُؤْمِسِي حَزِينًا، فَطُوبَىٰ لَهُ لَوْ قَدْ كَشَفَ الْغِطَاءَ مَاذَا يُعَايِنُ مِنَ الشَّرُورِ.

(يَا مُوسَىٰ! الدُّنْيَا نُطْفَهُ، لَيْسَتْ بِثَوَابٍ لِلْمُؤْمِنِ، وَلَا نَقْمَةٍ مِنْ فَاجِرٍ، فَالْوَيْلُ الطَّوِيلُ لِمَنْ بَاعَ ثَوَابَ مَعَادِهِ بِلِقَاقِهِ لَمْ تَبْقَ، وَبِلِعْسِهِ لَمْ تَدُمْ، وَكَذَلِكَ فَكُنْ كَمَا أَمَرْتُكَ وَكُلُّ أَمْرٍ رَشَادٌ.) (٢) يَا مُوسَىٰ! إِذَا رَأَيْتَ الْغِنَىٰ مُقْبِلًا فَقُلْ ذَنْبٌ عَجَّلَتْ لِي عُقُوبَتُهُ،

ص: ٣٤

١- (١) ما بين القوسين ليس في التحف..

٢- (٢) ما بين القوسين ليس في التحف..

و فرزندانش دنیا را بر سینه [ودل] خود چیره مساز، که آنرا - همچون پرندگان - آشیانه خود گیرند.

ای موسی! فرزندانش دنیا و دنیائیان، برخی برای برخی دیگر وسیله آزمایشند، پس هر کس به هر چه مشغول است همان برایش آراسته شده، و مؤمن کسی است که آخرت برایش زینت یافته است، پس او پیوسته به آن می نگرد [و] سستی نمی کند، هوای آخرت میان او و لذت زندگی دنیا فاصله انداخته است، و او را در سحرها - مانند سواری که به سوی مقصد خویش می راند - به سیر [و شب زنده داری] کشانده است، روز اندوهگین، و شب غمین است، پس خوشا به حال او که چون پرده کنار رود، چه سروری خواهد دید.

ای موسی! دنیا آب پستی بیش نیست، و پاداش برای مؤمن و کیفر برای تبهکار نخواهد بود، پس تیره بختی طولانی برای کسی است که پاداش [پایدار] معاد خود را به لیسیدن ناپایدار، و گاززدنی بی دوام می فروشد، پس همانگونه که به تو دستور دادم باش، و همه دستورات من مایه رشد [و هدایت] است.

ای موسی! هنگامی که دیدی توانگری [به تو] رو آورد، [با خود] بگو: گناهی است که کیفر آن پیش افتاده است،

وَإِذَا رَأَيْتَ الْفَقْرَ مُقْبِلًا فَقُلْ مَرْحَبًا بِشِعَارِ الصَّالِحِينَ، وَلَا تَكُنْ جَبَّارًا ظَلُومًا، وَلَا تَكُنْ لِلظَّالِمِينَ قَرِينًا.

يَا مُوسَى! مَا عُمُرُ وَإِنْ طَالَ يُذَمُّ آخِرُهُ، وَمَا ضَرَّكَ مَا زُوِيَ عَنْكَ إِذَا حُمِدَتْ مَعْبَتُهُ.

يَا مُوسَى! صَرَخَ (١) الْكِتَابُ إِلَيْكَ صِرَاحًا (٢) بِمَا أَنْتَ إِلَيْهِ صَائِرٌ، فَكَيْفَ تَزُقُّدُ عَلَى هَذَا الْعُيُونِ، أَمْ كَيْفَ يَجِدُ قَوْمٌ لَذَّةَ الْعَيْشِ لَوْلَا التَّمَادِي فِي الْعَفْلِهِ، وَالِاتِّبَاعُ لِلشَّقْوَةِ، وَالتَّتَابُعُ لِلشَّهْوَةِ، وَمِنْ دُونِ هَذَا يَجْزَعُ الصِّدِّيقُونَ.

يَا مُوسَى! مُزِعِي أَيْدِي يَدْعُونِي عَلَى مَا كَانَ، بَعِيدَ أَنْ يُقْرَأَ لِي أَنِّي أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، مُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ، وَأَكْشِفُ السُّوءَ، وَأُيَدِّلُ الزَّمَانَ، وَآتِي بِالرِّخَاءِ، وَأَشْكُرُ الْيَسِيرَ، وَأُثِيبُ الْكَثِيرَ، وَأُغْنِي الْفَقِيرَ، وَأَنَا الدَّائِمُ الْعَزِيزُ الْقَدِيرُ.

فَمَنْ لَجَأَ إِلَيْكَ وَأَنْصَوَى إِلَيْكَ مِنَ الْخَاطِئِينَ فَقُلْ أَهْلًا وَسَهْلًا [بِأَرْحَبِ] (٣) الْفِنَاءِ بِفِنَاءِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ،

ص: ٣٦

١- (١) - «صرح» الجواهر السنيه والتحف..

٢- (٢) «صراحاً» الجواهر السنيه والتحف..

٣- (٣) - اثبتناه من التحف و هامش الكافي عن بعض النسخ. وفي المصدر «يا رحب»..

وهنگامی که دیدی ناداری روی آورد بگو خوشا به شعار نیکو کاران، وزورگو وستمگر و همنشین ستمگران مباش.

ای موسی! آن عمری که پایانش نکوهش آورد، هرچند دراز باشد عمر نیست، و آنچه به تو نرسیده است اگر سرانجامش ستوده باشد زیانت نرساند.

ای موسی! کتاب آسمانی بلند [وصریح] به تو می گوید:

که سرانجام کجا خواهی رفت. [پس] چگونه با این چشمها می خوابی، ویا چگونه مردمی لذت زندگی می برند، اگر نباشد پیوستگی غفلت، و پیروی شقاوت، و پی در پی بودن خواسته های نفسانی؟! و صدیقان با کنار گذاشتن این [غفلت، شقاوت و خواسته های نفسانی] است که جزع [وبی تابی] دارند.

ای موسی! بندگانم را فرمان ده برای هرچه باشد مرا بخوانند، پس از آنکه اعتراف کنند به اینکه من مهربانترین مهربانانم، واجابت کننده درماندگانم، ویدی [وسختی] را بردارم، وزمانه را دگرگون سازم، وگشایش آورم، واندک را سپاس گزارم، و فراوان را پاداش دهم و نادار را دارا کنم، و منم پاینده مقتدر توانا.

پس هر کس از گنهکاران به تو پناه [وروی] آورد به او بگو: به فراخ ترین آستان که آستان پروردگار جهانیان است خوش آمدی، و برای ایشان استغفار کن،

وَكَانَ لَهُمْ كَأْحَدِهِمْ، وَلَا تَسْتَطِلُّ عَلَيْهِمْ بِمَا أَنَا أَعْطَيْتُكَ فَضْلَهُ، وَقُلْ لَهُمْ فَلْيَسْأَلُونِي مِنْ فَضْلِي وَرَحْمَتِي، فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا أَحَدٌ غَيْرِي، وَأَنَا ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

طُوبَى لَكَ يَا مُوسَى كَهْفُ الْخَاطِئِينَ، وَجَلِيسُ الْمُضْطَرِّينَ، وَمُسْتَعْفِرُ الْمُذْنِبِينَ، إِنَّكَ مِنِّي بِالْمَكَانِ الرَّضِيِّ، فَادْعُنِي بِالْقَلْبِ النَّقِيِّ، وَاللِّسَانِ الصَّادِقِ، وَكُنْ كَمَا أَمَرْتُكَ، أَطْعِ أَمْرِي، وَلَا تَسْتَطِلْ عَلَيَّ عِبَادِي بِمَا لَيْسَ مِنْكَ مُبْتَدَأَهُ، وَتَقَرَّبْ إِلَيَّ فَإِنِّي مِنْكَ قَرِيبٌ، فَإِنِّي لَمْ أَسْأَلْكَ مَا يُؤْذِيكَ ثِقْلُهُ، وَلَا حَمْلُهُ؛ إِنَّمَا سَأَلْتُكَ أَنْ تَدْعُونَني فَأَجِيبَكَ، وَأَنْ تَسْأَلَنِي فَأَعْطِيكَ، وَأَنْ تَتَقَرَّبَ إِلَيَّ بِمَا مِنِّي أَخَذْتَ تَأْوِيلَهُ، وَعَلَيَّ تَمَامُ تَنْزِيلِهِ.

يَا مُوسَى! انْظُرْ إِلَى الْأَرْضِ، فَإِنَّهَا عَنْ قَرِيبٍ قَبْرُكَ، وَارْفَعْ عَيْنَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ، فَإِنَّ فَوْقَكَ فِيهَا مَلِكًا عَظِيمًا، وَابْكِ عَلَيَّ نَفْسِكَ مَا دُمْتَ فِي الدُّنْيَا، وَتَخَوَّفِ الْعَطَبَ وَالْمَهَالِكِ، وَلَا تَغْرَنَّكَ زِينَةُ الدُّنْيَا وَزَهْرَتُهَا، وَلَا تَرْضَ بِالظُّلْمِ، وَلَا تَكُنْ ظَالِمًا، فَإِنِّي لِلظَّالِمِ رَصِيدٌ حَتَّى أُدِيلَ مِنْهُ الْمَظْلُومَ.

و برای آنان همچون یکی از آنان باش، و به جهت فضل و رحمتی که به تو داشته ام بر آنان بزرگی مکن، و به ایشان بگو که از فضل و رحمت من بخواهند که اختیار آنرا جز من کسی ندارد، و منم صاحب فضلی بزرگ.

خوشا به حالت ای موسی! [که تو] پناه گنهکاران، و هم نشین بیچارگان، و آمرزش خواه گنهکاران هستی، تو در نزد من مقامی پسندیده داری، پس با دلی پاک، و زبانی راستگو مرا بخوان، و چنان باش که فرمانت دادم، دستورم را گردن بنه، و به سبب آنچه آغازش از تو نبوده بر بندگانم گردن فزازی مکن، و به من نزدیک شو، که من به تو نزدیکم، زیرا من از تو چیزی که سنگینی و تحملش تو را بیازارد نخواستم، فقط از تو خواستم مرا بخوانی تا تو را اجابت کنم، و از من بخواهی تا به تو بدهم، و با آنچه تأویل [و تفسیر] آنرا از من دریافتی و تنزیل کامل آن با من است به من نزدیک شوی.

ای موسی! به زمین بنگر، که آن به زودی قبر تو خواهد بود، و دیدگان خود را به آسمان بلند کن که در آنجا بالای سر تو فرمانروایی بزرگ است، و تا در دنیا هستی بر خویشان گریه کن، و از نابودی و مهلکه ها بترس، و زینت و خزّمی دنیا فریبت ندهد، و به ستم راضی مشو، و خود ستمگر مباش، که من در کمین ستمگرم تا ستم شده را بر او پیروز گردانم.

يَا مُوسَى! إِنَّ الْحَسَنَةَ عَشْرَةٌ أَضْعَافٍ، وَمِنَ السَّيِّئَةِ الْوَاحِدَةِ الْهَلَاكُ، لَا تُشْرِكْ بِي، لَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تُشْرِكَ بِي، قَارِبٌ، وَسَدُّ،
وَإِذْ دُعِيَ الطَّامِعُ الرَّاغِبُ فِيمَا عِنْدِي، النَّادِمُ عَلَيَّ مَا قَدَّمْتُ يَدَاهُ، فَإِنَّ سَوَادَ اللَّيْلِ يَمْحُوهُ النَّهَارُ، وَكَذَلِكَ السَّيِّئَةُ تَمْحُوهَا الْحَسَنَةُ،
وَعَشْوَةُ اللَّيْلِ تَأْتِي عَلَيَّ ضَوْءُ النَّهَارِ، وَكَذَلِكَ السَّيِّئَةُ تَأْتِي عَلَيَّ الْحَسَنَةُ الْجَلِيلَةُ فَتَسْوِدُهَا. (١)

ص: ٤٠

١- (١) الكافي ج ٨ ص ٤٢ ح ٨، عنه المجلسي في كتاب الأربعين ص ٤٤٨ الحديث التاسع والعشرون، والجواهر السنيه في الاحاديث القدسيه، الباب السابع، ص ٣١. وفي تحف العقول ص ٥٨٤ بتفاوت يسير. وفي البحار: ج ١٣ ص ٣٣٢ ح ١٣ عن التحف، وفي ج ٧٧ ص ٣١ ح ٧ عن الكافي. وفي تفسير الصافي: ج ٢ ص ٢٤٣، ونور الثقلين: ج ١ ص ٦٣٩ ح ٢٣٤، وج ٢ ص ٨٤ ح ٣٠٢، وج ٥ ص ٧٧ ح ٨٩، وص ٢١١ ح ٢٨، وص ٣١٥ ح ٢٢ قطعه. قال المجلسي رحمه الله حول سند الحديث: وهو إن كان مرفوعاً موقوفاً له فهو من حيث المتن رفيع موقوف «الاربعون ص ٤٥٣»..

ای موسی! کار نیک ده برابر بشمار آید، و از یک گناه هلاکت خیزد، برای من شریک قرار مده، بر تو روانیست که به من شرک ورزی، میانه رو و محکم کار باش، و همچون دعای کسی که شوق نعمت های نزد مرا دارد و از گناهان پیشین خود پشیمان است مرا بخوان، زیرا [روشنایی] روز سیاهی شب را می برد، همچنین کار نیک کار بد را نابود می کند، و تاریکی شب روشنایی روز را می پوشاند، و همچنین کار بد کار نیک بزرگ را پوشانده، سیاه می کند.

پندهای خدا به عیسیٰ علیه السلام (یا عیسیٰ)

اشاره

ص: ۴۳

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ، عَنْهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ: فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ
يَا عِيسَى! أَنَا رَبُّكَ وَرَبُّ آبَائِكَ، اسْمِي وَاحِدٌ، وَأَنَا الْأَحَدُ الْمَتَفَرِّدُ بِخَلْقِ كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْ صُنْعِي، وَكُلُّ (١) إِلَيَّ رَاجِعُونَ.
يَا عِيسَى! أَنْتَ الْمَسِيحُ بِأَمْرِي، وَأَنْتَ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي، وَأَنْتَ تُحْيِي الْمَوْتَى بِكَلَامِي، فَكُنْ إِلَيَّ رَاغِبًا، وَمِنِّي
رَاهِبًا،

ص: ٤٤

پندهای خدا به عیسیٰ علیه السلام

علی بن ابراهیم از پدرش از علی بن اسباط از ائمه معصوم علیهم السلام نقل کرده که: در پندهای خداوند به عیسی بن مریم علیه السلام آمده است:

ای عیسی! من پروردگار تو و پروردگار پدرانت هستم، نامم واحد [و یکتا] است، و من یگانه ای هستم که همه چیز را به تنهایی آفریدم، و هرچیز ساخته من است، و همه به سوی من باز می گردند.

ای عیسی! تو به فرمان من مسیح (۱) هستی، و تو به اذن من از گل همچون پرنده می آفرینی، و تو با کلام من مرده ها را زنده می کنی، پس به من مشتاق و از من بیمناک باش،

ص: ۴۵

۱- ((۱)) - مسیح: لقب حضرت عیسی علیه السلام بدان جهت که متبرک آفریده شده یا مأخوذ از عبری «ماشیاخ» به معنی منجی و نجات دهنده [است]. (معارف و معاریف: ۳۸۲/۹)..

وَلَنْ تَجِدَ مِنِّي مَلْجَأً إِلَّا إِلَيَّ.

يَا عِيسَى! اوصيك وصية الممتحن عليك بالرحمة حتى حقت لك مني الولايه بتحريك مني المسيره، فبوركت كبيراً وبوركك صغيراً حيث ما كنت، أشهد أنك عبدي ابن أمي، أنزلني (١) من نفسك كهملك، واجعل ذكري لمعادك، وتقرّب إليّ بالنوافل، وتوكل عليّ أكفك، ولا توكل عليّ (٢) غيري فأخذلك.

يَا عِيسَى! اضرب على البلاء، وارض بالقضاء، وكن كمسرتي فيك، فإن مسرتي أن اطاع فلا اعصي.

يَا عِيسَى! أحي ذكري بلسانك، وليكن ودي في قلبك.

يَا عِيسَى! تيقظ في ساعات الغفله، واحكم لي لطيف الحكمه.

يَا عِيسَى! كن راغباً راهباً، وأمت قلبك بالخشيه (٣).

ص: ٤٦

١- (١) - «يا عيسى! أنزلني» الأمالي والبحار..

٢- (٢) - في الأمالي والجواهر السنيه والبحار: «ولا تول» بدل «ولا توكل علي»..

٣- (٣) قال علي عليه السلام: أحي قلبك بالموعظه، وأمته بالزهاده. نهج البلاغه؛ ص ٣٩١ رقم ٣١ من وصيه لابنه الإمام الحسن عليه السلام..

و هرگز از من، پناهی جز من نخواهی یافت.

ای عیسی! مشفقانه تو را به رحمت [ومهربانی] سفارش می‌کنم تا با طلب شادمانیم شایسته ولایت من شوی، پس تو هر جا باشی، در بزرگی و کودکی مبارک هستی، گواهی می‌دهم که تو بنده من [و] فرزند کنیز من هستی، مرا پیش خود همچون هم‌متی که [به خود] داری قرار ده [و تمام همت تو من باشم].

و یاد مرا برای قیامت خود [توشه] بگذار، با نافلة‌ها به من تقرّب جوی، و بر من توکل کن تا تو را کفایت کنم، و بر غیر من توکل مکن که تو را رها کنم.

ای عیسی! بر بلا شکّیا باش، و به قضا [وقدر الهی] راضی باش، آن چنان باش که درباره تو خوش دارم، زیرا خوشی من این است که فرمانم برند و نافرمانیم نکنند.

ای عیسی! بازبان خود یاد مرا زنده بدار، و باید محبت من در دلت باشد.

ای عیسی! در لحظه‌های غفلت [وبی‌خبری] بیدار باش، و با دقائق حکمت درباره من داوری کن، [پیرامون من حکیمانه بیندیش و سخن بگو]

ای عیسی! مشتاق و بیمناک باش، و با ترس [از من هوا و هوس] دل خود را بمیران.

يَا عِيسَى رَاعِ اللَّيْلَ لِتَحْرَى مَسْرَتِي، وَاطْمَأْ نَهَارَكَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ عِنْدِي.

يَا عِيسَى! نَافِسٌ فِي الْخَيْرِ جُهْدَكَ، تُعْرِفُ بِالْخَيْرِ حَيْثُمَا تَوَجَّهْتَ.

يَا عِيسَى! اخْكُمُ فِي عِبَادِي بِنُصْحِي، وَقُمْ فِيهِمْ بِعَدْلِي، فَقَدْ أَنْزَلْتُ عَلَيْكَ شِفَاءً لِمَا فِي الصُّدُورِ مِنْ مَرَضِ الشَّيْطَانِ.

يَا عِيسَى! لَا تَكُنْ جَلِيسًا لِكُلِّ مَفْتُونٍ.

يَا عِيسَى! حَقًّا أَقُولُ مَا آمَنْتُ بِى خَلِيقَهُ إِلَّا خَشَعْتُ لِي، وَلَا خَشَعْتُ لِي إِلَّا رَجْتُ نَوَابِي، فَأَشْهَدُ أَنَّهَا آمَنَتْهُ مِنْ عِقَابِي، مَا لَمْ يُبَدَّلْ أَوْ تُغَيَّرَ سُنتِي.

يَا عِيسَى! ابْنُ الْبَكْرِ الْبُتُولِ! ابْنِكَ عَلَيَّ نَفْسِكَ بُكَاءٌ مِنْ وَدَّعِ الْأَهْلِ، وَقَلَى الدُّنْيَا وَتَرَكَهَا لِأَهْلِهَا، وَصَارَتْ رَغْبَتُهُ فِيمَا عِنْدَ إِلَهِهِ.

ای عیسی! برای بدست آوردن خرسندی من، شب را پاس دار، و برای روز نیاز خود نزد من، روزت را تشنه باش [وروزه بدار].
ای عیسی! در کار نیک با تمام توان خود رقابت کن [واز دیگران پیشی بگیر] تا هر جا رو آوری به خیر [ونیکی] شناخته شوی.
ای عیسی! در میان بندگانم با توجه به [پند و] خیرخواهی من حکم کن، و در میانشان عدل مرا بپادار، که من چیزی بر تو فرستادم که شفای سینه ها از مرض شیطان است.

ای عیسی! هم نشین هر فریفته به دنیا مشو.

ای عیسی! به حق می گویم؛ آفریده ای به من ایمان نیاورد مگر اینکه برای من نرمیدل [وخاشع] شد، و نرمدل نشد مگر اینکه پاداش مرا امید داشت، پس شهادت می دهم که چنین کس تا آنگاه که در سنت من تبدیل و تغییر ایجاد نکرده است از مجازات من ایمن است.

ای عیسی! ای فرزند آن دوشیزه از مردم بریده به خدا پیوسته! بر خویشتن گریه کن، گریستن کسی که با خانواده اش وداع کند، و دنیا را دشمن بدارد و آن را به اهلش واگذارد، و به آنچه نزد پروردگار اوست مشتاق شود.

يَا عِيسَى! كُنْ مَعَ ذَلِكِ تَلِينُ الْكَلَامِ، وَتُفْسِتِي السَّلَامَ، يَقْظَانِ إِذَا نَامَتْ عُيُونُ الْأُبْرَارِ، حَيْدِرًا لِلْمَعَادِ وَالرَّكَازِلِ الشَّدَادِ وَأَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، حَيْثُ لَا يَنْفَعُ أَهْلٌ وَلَا وَلَدٌ وَلَا مَالٌ.

يَا عِيسَى! اكْحُلْ عَيْنَكَ بِمِيلِ الْحُزْنِ إِذَا ضَحِكَ الْبَطَّالُونَ.

يَا عِيسَى! كُنْ حَاشِعًا صَابِرًا، فَطُوبَى لَكَ إِنْ نَالَكَ مَا وَعَدَ الصَّابِرُونَ.

يَا عِيسَى! رُخِّ مِنَ الدُّنْيَا يَوْمًا فَيَوْمًا، وَذُقْ [مَا] (١) قَدْ ذَهَبَ طَعْمُهُ، فَحَقًّا أَقُولُ مَا أَنْتَ إِلَّا بِسَاعَتِكَ وَيَوْمِكَ، فَرُخِّ مِنَ الدُّنْيَا بِبُلْغِهِ، وَلِيَكْفِكَ الْحَسِنُ الْجَسْبُ، فَقَدْ رَأَيْتَ إِلَيَّ مَا تَصِيرُ، وَمَكْتُوبٌ مَا أَخَذْتَ، وَكَيْفَ أَتَلَفْتَ.

يَا عِيسَى! إِنَّكَ مَسْئُولٌ، فَارْحَمِ الضَّعِيفَ كَرَحْمَتِي إِيَّاكَ، وَلا تَقْهَرِ الْيَتِيمَ.

يَا عِيسَى! ابْنِكَ عَلَيَّ نَفْسِكَ فِي الْخَلَوَاتِ، (٢) وَأَنْقُلْ قَدَمَيْكَ إِلَيَّ مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ، وَأَسْمِعْنِي لَدَاذِهِ نُطْقِكَ بِذِكْرِي،

ص: ٥٠

١- (١) - اثبتناه من الأمالى والبحار، وفي الجواهر السنيه «ألماً»، وفي المصدر «لماً»..

٢- (٢) «فى الصلوه» الأمالى والبحار..

ای عیسی! همراه این ها، نرم گفتار باش، و آشکارا سلام کن، هنگامی که چشم های افراد نیکوکار به خواب می رود، از ترس معاد وزلزله های سخت و هراس های روز قیامت، بیدار باش، آنجا که خانواده و فرزند و دارایی سودی نمی بخشند.

ای عیسی! هنگامی که بیهوده کاران می خندند، تو چشمان خویش را با میل حزن سرمه بکش.

ای عیسی! فروتن باش و شکیبایی پیشه کن، پس خوشا به حالت اگر آنچه به شکیبایان وعده داده اند به تو رسد.

ای عیسی! دنیا را روز به روز بگذران، و [تلخی] آنچه را مزه اش از دست رفته [و حسرت آن باقی مانده] است بپوش.

به حقیقت می گویم که تو [در اختیار خود] نداری مگر همین روز و همین ساعت را پس با مقدار کفاف، دنیا [ی خود] را بگذران.

و باید تو را لباس خشن و خوراک ناگوار بس باشد، که تو دانستی به چه سو روان خواهی شد، و نوشته شده است آنچه را بدست آوردی و چگونه برباد دادی.

ای عیسی! تو مورد [باز خواست و] سؤال هستی، پس همچون مهربانی من به تو به ناتوانان رحم کن و به یتیم درستی مکن.

ای عیسی! در خلوت ها [وتنهایی] بر خود گریه کن، و با پای خویش به سوی مکانهای مخصوص نماز گام بردار، و سخت را که با یاد من [مترنم و] لذت بخش شده، به گوش من برسان،

فَإِنَّ صَنِيعِي إِلَيْكَ حَسَنٌ.

يَا عِيسَى! كَمْ مِنْ أُمَّهٍ قَدْ أَهْلَكْتُهَا بِسَالِفِ ذُنُوبٍ قَدْ عَصَمْتُكَ مِنْهَا.

يَا عِيسَى! ارْزُقْ بِالضَّعِيفِ، وَارْفَعْ طَرْفَكَ الْكَلِيلَ إِلَى السَّمَاءِ، وَادْعُنِي فَإِنِّي مِنْكَ قَرِيبٌ، وَلَا تَدْعُنِي إِلَّا مُنْصَرِّعًا إِلَيَّ وَهَمُّكَ هَمُّ وَاحِدٍ، فَإِنَّكَ مَتَى تَدْعُنِي كَذَلِكَ أُجِيبُكَ.

يَا عِيسَى! إِنِّي لَمْ أَرْضَ بِالدُّنْيَا ثَوَابًا لِمَنْ كَانَ قَبْلَكَ، وَلَا عِقَابًا لِمَنْ اتَّقَمْتُ مِنْهُ.

يَا عِيسَى! إِنَّكَ تَفْنِي، وَ أَنَا أَبْقَى، وَمِنِّي رِزْقُكَ، وَعِنْدِي مِيقَاتُ أَجْلِكَ، وَإِلَيَّ إِيَابُكَ، وَعَلَى حِسَابِكَ، فَسَلِّبْنِي وَلَا تَسْأَلْ غَيْرِي، فَيَحْسُنْ مِنْكَ الدُّعَاءُ وَمِنِّي الإِجَابَةُ.

يَا عِيسَى! مَا أَكْثَرَ الْبَشَرَ، وَأَقَلَّ عَدَدَ مَنْ صَبَرَ، الْأَشْجَارُ كَثِيرَةٌ وَطَيِّبٌهَا قَلِيلٌ، فَلَا يُعْرَضُكَ حُسْنُ شَجَرِهِ حَتَّى تَذُوقَ ثَمَرَهَا.

يَا عِيسَى! لَا يُعْرَضُكَ الْمُتَمَرِّدُ عَلَيَّ بِالْعِضْيَانِ، يَأْكُلُ رِزْقِي وَيَعْبُدُ غَيْرِي، ثُمَّ يَدْعُونِي عِنْدَ الْكَرْبِ فَأُجِيبُهُ،

که رفتار من با تو نیک است.

ای عیسی! چه بسیار گروهها [واقوامی] را که به سبب گناهان پیشینشان هلاک کردم و تو را از آنها پاک نگه داشتم.

ای عیسی! با ناتوان مدارا کن، و چشم نارسای خود را به سوی آسمان بگشا و مرا بخوان که من به تو نزدیکم، و مرا جز با حالت تضرع مخوان و در آن حال همت تو یکی باشد، که اگر مرا اینگونه بخوانی، به تو پاسخ خواهم داد.

ای عیسی! من نمی پسندم که دنیا پاداش برای پیشینان، و عقاب برای [تبهکاران] مورد کیفرم باشد.

ای عیسی! تو فانی می شوی و من باقی خواهم ماند، و روزی تو از طرف من، و وقت مخصوص مرگ تو نزد من، و بازگشت تو به سوی من، و حسابرسی تو بر عهده من است، پس از من درخواست کن و جز از من نخواه که دعای نیکو از تو و پاسخ از من خواهد بود.

ای عیسی! آدمیان چه بسیار و شمار شکیبایان چه کم است، درختان، بسیار و خوب آنها اندک است، پس زیبایی درختی، پیش از آنکه میوه اش را بچشی تو را فریب ندهد.

ای عیسی! آنکس که با نافرمانی، بر من سرکش شده تو را نفریبید، روزی مرا می خورد و دیگری را عبادت می کند، و هنگام سختی مرا می خواند و پاسخش می گویم،

ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَيَّ مَا كَانَ عَلَيْهِ، فَعَلَيْ يَتَمَرَّدُ أَمْ بِسِخَطِي يَتَعَرَّضُ؟!، فَبِي حَلَفْتُ لَا أَخُذَنَّهُ أَخْذَهُ لَيْسَ لَهُ مِنْهَا مُنْجَى، وَلَا دُونِي مَلْجَأٌ، (أَيْنَ يَهْرُبُ مِنْ سَمَائِي وَأَرْضِي). (١) يَا عِيسَى! قُلْ لِظَلَمَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَدْعُونِي وَالشُّحْتُ تَحْتَ أَحْضَانِكُمْ وَالْأَصْنَامُ فِي بُيُوتِكُمْ، فَإِنِّي آلَيْتُ أَنْ أُجِيبَ مَنْ دَعَانِي، وَأَنْ أَجْعَلَ إِجَابَتِي إِيَّاهُمْ لَعْنًا عَلَيْهِمْ حَتَّى يَتَفَرَّقُوا.

يَا عِيسَى! كَمْ أُطِيلُ النَّظْرَ، وَأَحْسِنُ الطَّلَبَ، وَالْقَمُومَ فِي غَفْلَةٍ لِمَا يَرْجِعُونَ، تَخْرُجُ الْكَلِمَةُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ لِاتِّعْيَابِ قُلُوبِهِمْ، يَتَعَرَّضُونَ لِمَقْتِي، وَيَتَحَبَّبُونَ بِقُرْبِي (٢) إِلَى الْمُؤْمِنِينَ.

يَا عِيسَى! لِيَكُنْ لِسَانُكَ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَاحِدًا، وَكَذَلِكَ فَلْيَكُنْ قَلْبُكَ وَبَصِيرَتُكَ، وَاطْوِ قَلْبَكَ وَلِسَانَكَ عَنِ الْمُحَارِمِ، وَكُفَّ (٣) بَصَرَكَ عَمَّا لَأَخِيرَ فِيهِ، فَكَمْ مِنْ نَاطِرٍ نَظَرَهُ قَدْ زَرَعَتْ فِي قَلْبِهِ شَهْوَةً، وَوَرَدَتْ بِهِ مَوَارِدَ حِيَاضِ (٤) الْهَلَكَةِ.

ص: ٥٤

١- (١) ليس في الجواهر السنيه..

٢- (٢) ليس في الجواهر السنيه، وفي الأمالي والبحار، وبعض نسخ المصدر «بي»..

٣- (٣) - «وغضّ» الأمالي و الجواهر السنيه والبحار..

٤- (٤) ليس في الجواهر السنيه والبحار..

سپس بر همان شیوه باز می گردد، آیا بر من سرکشی می کند؟ یا خود را در معرض خشم من قرار می دهد؟! سوگند به خودم، چنان او را گرفتار کنم که راه رهایی و پناهگاهی جز من برایش نباشد، از آسمان وزمین من به کجا می گریزد؟

ای عیسی! به ستمگران بنی اسرائیل بگو: شما در حالی که مال حرام را زیر دامن خود دارید و بتها را در خانه هایتان، مرا نخوانید، که من قسم خورده ام کسی که مرا بخواند اجابت کنم، واجابتم نسبت به آنها لعن برایشان خواهد بود تا پراکنده شوند.

ای عیسی! تا چند [درباره ایشان] تأمل کنم، و [تا چه حد از آنان زیبا] و خوب بخوام، و حال آنکه این گروه در بی خبری به سر برند و [از اعمال زشت خود] باز نگردند، سخن از دهانشان بیرون آید [اما با] دلهای خویش آنرا در نیابند، خود را در معرض خشم من قرار دهند، و با مقرب نمایاندن خود به من، محبت مؤمنان را جلب کنند.

ای عیسی! زبان تو در پنهان و آشکار باید یکی باشد، و دل و چشم تو [نیز باید] همینگونه باشد، و دل و زبانت را از حرام بازدار، و چشمت را از آنچه خیری در آن نیست نگه دار، چه بسیار بیننده ای که یک نگاه او شهوتی را در دلش کاشت،

و او را به ورودی گودالهای نابودی درآورد.

يَا عِيسَى! كُنْ رَحِيمًا مَّتْرَحِمًا، وَكُنْ (١) كَمَا تَشَاءُ أَنْ يَكُونَ الْعِبَادُ لَكَ، وَأَكْثِرْ ذِكْرَكَ الْمَوْتِ (٢)، وَمُفَارَقَةَ الْأَهْلِينَ، وَلَا تَلُهُ فَإِنَّ اللَّهَ يُفْسِدُ صَاحِبَهُ، وَلَا تَعْفُلْ فَإِنَّ الْغَافِلَ مِنِّي بَعِيدٌ، وَادْكُرْنِي بِالصَّالِحَاتِ حَتَّى أَذْكُرَكَ.

يَا عِيسَى! تَبَّ إِلَيَّ بَعِيدَ الذَّنْبِ، وَذَكْرَ بِي الْأَوَّابِينَ، وَآمِنَ بِي، وَتَقَرَّبَ بِي إِلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَمُرْهُمْ يَدْعُونِي مَعَكَ، وَإِيَّاكَ وَدَعْوَةَ الْمَظْلُومِ، فَإِنِّي آلَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَنْ أَفْتَحَ لَهَا بَابًا مِنَ السَّمَاءِ بِالقَبُولِ، وَأَنْ أُجِيبَهُ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ.

يَا عِيسَى! اعْلَمْ أَنَّ صَاحِبَ السَّوِّ يُعَدَى (٣)، وَقَرِينَ السَّوِّ يُزْدَى، وَاعْلَمْ مَنْ تُقَارِنُ، وَاخْتَرِ لِنَفْسِكَ إِخْوَانًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.

يَا عِيسَى! تَبَّ إِلَيَّ فَإِنِّي لَا يَتَعَاظَمُنِي ذَنْبٌ أَنْ أَعْفِرَهُ، وَأَنَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، اْعْمَلْ (٤) لِنَفْسِكَ فِي مَهَلِهِ مِنْ أَجْلِكَ قَبْلَ أَنْ لَا يَعْمَلَ لَهَا غَيْرُكَ، وَاعْبُدْنِي لِيَوْمِ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ،

ص: ٥٦

١- (١) - بزیاده «للعباد» الأمالی والبحار..

٢- (٢) - بدل «ذکرک الموت» فی بقیه المصادر «ذکر الموت»..

٣- (٣) - «یغوی» الأمالی والبحار..

٤- (٤) - «یا عیسی! اعمل» الأمالی والبحار..

ای عیسی! مهربان و مهرورز باش، و آنگونه باش که می خواهی بندگان خدا برای تو باشند، و از مرگ، و فراق خویشان، فراوان یاد کن، و به کارهای بیهوده سرگرم نشو، که سرگرمی به بیهوده ها صاحب خود را تباه می سازد، و غافل مشو که غافل از من دور است، و مرا با انجام نیکیها یاد کن تا به یاد تو باشم.

ای عیسی! پس از گناه بسوی من توبه کن، و مرا به یاد توبه کنندگان آور، و به من ایمان آر، و بواسطه من به مؤمنان نزدیک شو، و به آنها دستور ده که بهمراه تو مرا بخوانند، و از نفرین مظلوم برحذر باش، که من به ذات خود قسم خورده ام که برای نفرین او دری از آسمان برای قبولی بگشایم، و نفرینش را هرچند پس از مدتی اجابت کنم.

ای عیسی! بدان یار بد [آدمی را] آلوده می کند، و همنشین بد [او را] از پا در می آورد، و بدان که با چه کس همنشین هستی، و [تنها] از [میان] مؤمنان، [یاران و] برادران خود را برگزین.

ای عیسی! به سوی من بازگرد [و توبه کن]، که هیچ گناهی [نزد من] برای بخشش بزرگ ننماید، و من مهربان ترین مهربانانم، در فرصتی که از عمر خود داری، برای خود کاری انجام ده، پیش از آنکه دیگران برایت نکنند، و برای روزی که همچون هزار سال شماسست مرا پرستش کن،

فِيهِ أَجْزَى بِالْحَسَنِهِ أَضْمَافَهَا، وَإِنَّ السَّيِّئَةَ تُوبِقُ صَاحِبَهَا، فَاْمَهْدُ لِنَفْسِكَ فِي مُهْلِهِ، وَنَافِسُ فِي الْعَمَلِ الصَّالِحِ، فَكَمْ مِنْ مَجْلِسٍ قَدْ نَهَضَ أَهْلُهُ وَهُمْ مُجَارُونَ مِنَ النَّارِ.

يَا عِيسَى! اَزْهَيْدْ فِي الْفَانِي الْمُنْقَطِعِ، وَطَأْ رُسُومَ مَنَازِلِ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ، فَادْعُهُمْ وَنَاجِهِمْ هَلْ تُحْسِنُ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ، وَخُذْ مَوْعِظَتَكَ مِنْهُمْ، وَاعْلَمْ أَنَّكَ سَتَلْحَقُهُمْ فِي اللَّاحِقِينَ.

(يَا عِيسَى! قُلْ لِمَنْ تَمَرَّدَ عَلَيَّ بِالْعِصْيَانِ وَعَمِلَ بِالْإِذْهَانِ لِيَتَوَقَّعَ عُقُوبَتِي، وَيَنْتَظِرَ إِهْلَاكِي إِيَّاهُ، سَيُضْطَلَمُ مَعَ الْهَالِكِينَ.

طُوبَى لَكَ يَا ابْنَ مَرْيَمَ، ثُمَّ طُوبَى لَكَ إِنْ أَخَذْتَ بِأَدَبِ إِلَهِكَ الَّذِي يَتَحَنَّنُ عَلَيْكَ تَرَحُّمًا، وَبَدَأَكَ بِالنَّعَمِ مِنْهُ تَكْرُمًا، وَكَانَ لَكَ فِي الشَّدَائِدِ.

لَا تَعْصِهِ يَا عِيسَى! فَإِنَّهُ لَا يَحِلُّ لَكَ عِصْيَانُهُ، قَدْ عَاهَدْتُ إِلَيْكَ كَمَا عَاهَدْتُ إِلَيَّ مِنْ كَانَ قَبْلَكَ، وَأَنَا عَلَيَّ ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ.)

(١)

ص: ٥٨

١- (١) من «يا عيسى! قل» الى «الشاهدين» ليس في بعض نسخ الأمالى..

که در آن [روز] در مقابل کار نیک چندین برابر پاداش دهم، و همانا گناه، گناهکار را نابود می کند، پس در فرصتی [که داری] برای خود [توشه ای] آماده کن، و در کار خوب [و عمل صالح] پیشی بگیر، که چه بسا نشستی که چون اهل آن برخیزند از آتش پناه یافته باشند.

ای عیسی! به چیزی که فانی و زوال پذیر است دل میند، و بر آثار منازل جامانده از پیشینیان خود پا گذار، پس آنان را صدا بزن و با آنان هم راز شو، آیا کسی از ایشان را می یابی؟ و پند خود را از آنان دریاب، و بدان که تو نیز در زمره دیگران به آنان خواهی پیوست.

ای عیسی! به کسی که با گناه بر من سرکشی کند، و با خدعه [و نیرنگ] رفتار کند، بگو که باید کیفر و هلاک کردن مرا انتظار کشد، و بزودی با هلاک شدگان ریشه کن خواهد شد.

خوشا به حالت! باز هم خوشا بحالت ای فرزند مریم! اگر ادب [و تربیت] خدایت را پذیری، آن خدایی که از روی مهربانی بر تو دلسوز است، و از روی کرم نعمت ها بر تو آغاز نمود، و در سختی ها یار تو بود.

ای عیسی! او را نافرمانی نکن که نافرمانیش بر تو روا نیست، من به تو سفارش کردم همانگونه که بر پیشینیان تو سفارش نمودم، و من از گواهان این سفارشم.

يَا عِيسَى! مَا أَكْرَمْتَ خَلِيقَهُ بِمِثْلِ دِينِي، وَلَا أَنْعَمْتَ عَلَيْهَا بِمِثْلِ رَحْمَتِي.

يَا عِيسَى! اغْسِلْ بِالْمَاءِ مِنْكَ مَا ظَهَرَ، وَدَاوِ بِالْحَسَنَاتِ مِنْكَ مَا بَطَنَ، فَإِنَّكَ إِلَيَّ رَاجِعٌ.

(يَا عِيسَى! أَعْطَيْتَكَ مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْكَ فَيُضَا مِنْ غَيْرِ تَكْدِيرٍ، وَطَلَبْتُ مِنْكَ قَرْضًا لِنَفْسِكَ فَبَخِلْتَ (١) بِهِ عَلَيْهَا لِتَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ.

يَا عِيسَى! تَزَيَّنْ بِالذِّينِ وَحُبِّ الْمَسَاكِينِ، وَامْسِ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا، وَصَلِّ عَلَى الْبَقَاعِ، فَكُلُّهَا طَاهِرٌ. (٢) يَا عِيسَى! شَمَّرْ، فَكُلُّ مَا هُوَ آتٍ قَرِيبٌ، وَاقْرَأْ كِتَابِي وَأَنْتَ طَاهِرٌ، وَأَسْمِعْنِي مِنْكَ صَوْتًا حَزِينًا.

(يَا عِيسَى! لَأَخِيرَ فِي لَذَاذِهِ لَأَتَدْوَمُ، وَعَيْشٍ مِنْ صَاحِبِهِ يَزُولُ.

ص: ٦٠

١- (١) - المقصود أمه عيسى..

٢- (٢) من «يا عيسى! أعطيتك» الى «طاهر» ليس في الأمالى..

ای عیسی! هیچ آفریده ای را چون دینم گرامی نداشتی و نعمتی بهتر از رحمت خود بر آفریدگانم ندادم.

ای عیسی! ظاهر خود را با آب شستشو ده و باطن خود را با نیکی ها درمان کن، که تو به سوی من باز می گردی.

ای عیسی! آنچه نعمت به تو دادم از روی فیض و بدون کدورت بخشیدم، و از تو به سود خودت، وامی خواستم که تو (۱) از دادن آن بخل ورزیدی تا در نتیجه از هلاک شدگان گردی.

ای عیسی! خود را با دین، و محبت مسکینان زینت ده، و بر روی زمین با فروتنی راه برو، و برجای جای زمین نماز گذار که همه آن ها پاک است.

ای عیسی! آماده باش که هر آنچه آمدنی است نزدیک است، و کتاب مرا در حال پاکی تلاوت کن، و صدای اندوهناکی [از نیایش خود] به گوش من برسان.

ای عیسی! در لذتی که پایدار نیست و زندگانی که از دست صاحبش می رود خیری نیست.

ص: ۶۱

يَا ابْنَ مَرْيَمَ! لَوْ رَأَتْ عَيْنُكَ مَا أَعَدَدْتُ لِأَوْلِيَائِي الصَّالِحِينَ ذَابَ قَلْبُكَ، وَزَهَقَتْ نَفْسُكَ شَوْقًا إِلَيْهِ، فَلَيْسَ كَدَارِ الْآخِرَةِ دَارٌ، تَجَاوَرَ فِيهَا الطَّيِّبُونَ، وَيَدْخُلُ عَلَيْهِمْ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ، وَهُمْ مِمَّا يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ أَهْوَالِهَا آمِنُونَ، دَارٌ لَا يَتَغَيَّرُ فِيهَا النِّعِيمُ، وَلَا يَزُولُ عَنْ أَهْلِهَا.

يَا ابْنَ مَرْيَمَ! نَافِسٌ فِيهَا مَعَ الْمُتَنَافِسِينَ، فَإِنَّهَا أُمَّتِيهِ الْمُتَمَتِّنِينَ (١)، حَسَنَةُ الْمُنْظَرِ.

طُوبَى لِمَكَ يَا ابْنَ مَرْيَمَ! إِنْ كُنْتَ لَهَا مِنَ الْعَامِلِينَ مَعَ آبَائِكَ آدَمَ وَإِبْرَاهِيمَ فِي جَنَاتٍ وَنَعِيمٍ لَا تَبْغِي بِهَا بَدَلًا وَلَا تَحْوِيلًا، كَذَلِكَ أَفْعَلُ بِالْمُتَّقِينَ.

يَا عِيسَى! اهْرُبْ إِلَيَّ مَعَ مَنْ يَهْرُبُ مِنْ نَارِ ذَاتِ لَهَبٍ، وَنَارِ ذَاتِ أَغْلَالٍ، وَأَنْكَالٍ لَا يَدْخُلُهَا رَوْحٌ وَلَا يَخْرُجُ مِنْهَا غَمٌّ أَيْدَاءً، قَطَعَ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ مَنْ يَنْجُو مِنْهَا يَفْرُ، وَلَنْ يَنْجُو مِنْهَا مَنْ كَانَ مِنَ الْهَيَالِكِينَ، هِيَ دَارُ الْجَبَّارِينَ وَالْعَتِيَاهِ الظَّالِمِينَ وَكُلُّ فُظٍّ غَلِيظٍ وَكُلُّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ.

ص: ٦٢

ای فرزند مریم! اگر آنچه را برای دوستان صالح خود آماده کرده ام به چشم می دیدی، دلت از شوق آب می شد، و روح از بدنت خارج می گشت، هیچ خانه ای مانند سرای آخرت نیست، که در آن پاکان همسایه یکدیگرند، و فرشتگان مقرب بر آنان وارد می شوند، این در حالی است که آنان از هراس آنچه در روز قیامت پیش آید در امانند، سرایی که نعمت ها در آن دگرگون نمی شود، و از صاحبش جدا نمی گردد.

ای فرزند مریم! در بدست آوردن آن خانه [خانه آخرت] با رقیبان به رقابت پرداز، که آن خانه، نهایت آرزوی آرزومندان، و خوش منظر است.

خوشا به حالت ای فرزند مریم! که از کوشندگان برای آن خانه باشی، که با پدران آدم و ابراهیم در بهشت ها و نعمت هایی قرار گیری که هیچ چیز را با آن مبادله نکنی و جابجایی آنرا نخواهی، این چنین با پرهیزگاران رفتار می کنم.

ای عیسی! تو نیز با آنان که از آتش پرشرار دوزخ می گریزند، به سوی من بگریز، آتشی که زنجیرها و کندها دارد، نه شادی در آن وارد شود، و نه هرگز غمی از آن بیرون رود، پاره هایی است همچون پاره های شب تار، هر که از آن نجات یابد رستگار شود، و آنکه از هلاک شدگان است هرگز نجات نیابد، آن جا خانه جباران و سرکشان ستمگر و هر درشت خوی سنگدل و هر خودپسند فخر فروش است.

يَا عِيسَى! بُسَّتِ الدَّارُ لِمَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا، وَبُسَّ الْقَرَارُ دَارَ الظَّالِمِينَ، إِنِّي أَحَدُكَ نَفْسَكَ، فَكُنْ بِي خَيْرًا.

يَا عِيسَى! كُنْ حَيْثُ مَا كُنْتَ مُرَاقِبًا لِي (١)، وَاشْهَدْ عَلَيَّ أَنِّي خَلَقْتُكَ وَأَنْتَ عَبْدِي، وَأَنْتَ صَوْرَتُكَ وَإِلَى الْأَرْضِ أَهْبَطْتُكَ (٢).

يَا عِيسَى! لَا يَصْلُحُ لِسَانَ فِي فَمٍ وَاحِدٍ، وَلَا قَلْبَانِ فِي صَدْرٍ وَاحِدٍ، وَكَذَلِكَ الْأَذْهَانُ.

يَا عِيسَى! لَا تَسْتَيْقِظَنَّ عَاصِيًا، وَلَا تَسْتَنْبِهَنَّ (٣) لَاهِيًا، وَأَفْطِمِ نَفْسَكَ عَنِ الشَّهَوَاتِ الْمُؤَبِقَاتِ، وَكُلُّ شَهْوَةٍ تُبَاعِدُكَ مِنِّي فَاهْجُرْهَا، وَاعْلَمْ أَنَّكَ مِنِّي بِمَكَانِ الرَّسُولِ الْأَمِينِ، فَكُنْ مِنِّي عَلَيَّ حَيْدَرٍ، وَاعْلَمْ أَنَّ دُنْيَاكَ مُؤَدِّيَتُكَ إِلَيَّ، وَأَنْتَ آخِذُكَ بِعِلْمِي، فَكُنْ ذَلِيلَ النَّفْسِ عِنْدَ ذِكْرِي، خَاشِعَ الْقَلْبِ حِينَ تَذْكُرُنِي، يَقْظَانًا عِنْدَ نَوْمِ الْغَافِلِينَ.

يَا عِيسَى! هَذِهِ نَصِيحَتِي إِيَّاكَ وَمَوْعِظَتِي لَكَ، فَخُذْهَا مِنِّي، وَإِنِّي رَبُّ الْعَالَمِينَ.

ص: ٦٤

١- (١) - بدل «مراقباً لي» في الجواهر السنية: «عليّ اقبالي»..

٢- (٢) «اعيدك» الجواهر السنية..

٣- (٣) - «لا تشبهن» الجواهر السنية..

ای عیسی! این خانه برای کسی که به آن اعتماد کند بد خانه ای است، و سرای ستمکاران بد جایگاهی است، من تو را از [هوای] خودت بر حذر می دارم، پس نسبت به من آگاه [وبینا] باش.

ای عیسی! هر کجا که هستی مراقب من باش، و شاهد باش که من تو را آفریدم و تو بنده من هستی، و من تو را بدین شکل در آورده و به زمین فرود آوردم.

ای عیسی! دو زبان در یک دهان، و دو دل در یک سینه نشاید، و همینگونه است خاطرها.

ای عیسی! بیداری گنهکار را مجوی، و آگاهی سرگرم به دنیا را مخواه، و خودت را از خواسته های هلاکت بار جدا کن، و از هر خواسته ای که تو را از من دور می کند، دوری گزین، و بدان که تو نزد من جایگاه پیامبری امین را دارا هستی، پس از من بر حذر باش و بدان [گذر] دنیایت تو را به من خواهد رساند، و من تو را بر اساس علم خویش بازخواست خواهم نمود، پس هنگام ذکر من فروتن، و هنگامی که مرا یاد می کنی نرم دل، و هنگام خواب غافلان بیدار باش.

ای عیسی! این خیرخواهی من برای تو و اندرزم به تو است، پس آنرا از من بگیر که من پروردگار جهانیانم.

يَا عِيسَى! إِذَا صَبَرَ عَيْدِي فِي جَنبِي كَانَ ثَوَابٌ عَمَلِهِ عَلَيَّ، وَكُنْتُ عِنْدَهُ حِينَ يَدْعُونِي، وَكَفَى بِي مُنْتَقِمًا مِمَّنْ عَصَانِي، أَيْنَ يَهْرُبُ
مِنِّي الظَّالِمُونَ؟

يَا عِيسَى! أَطِبَّ الْكَلَامَ، وَكُنْ حَيْثُمَا كُنْتُ عَالِمًا مُتَعَلِّمًا.

يَا عِيسَى! أَفْضُ بِالْحَسَنَاتِ إِلَيَّ حَتَّى يَكُونَ لَكَ ذِكْرُهَا عِنْدِي، وَتَمَسَّكَ بِوَصِيَّتِي، فَإِنَّ فِيهَا شِفَاءً لِلْقُلُوبِ. (١) يَا عِيسَى! لَا تَأْمَنْ -
إِذَا مَكَرَتْ - مَكْرِي، وَلَا تَنْسَ عِنْدَ خَلَوَاتِ الدُّنْيَا ذِكْرِي.

(يَا عِيسَى! حَاسِبْ (٢) نَفْسَكَ بِالرُّجُوعِ إِلَيَّ، حَتَّى تَتَجَزَّ ثَوَابَ مَا عَمَلَهُ الْعَامِلُونَ، أَوْلَيْكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ، وَأَنَا خَيْرُ الْمُؤْتِينَ.

يَا عِيسَى! كُنْتُ خَلْقًا بِكَلَامِي، وَلَمَدْتُكَ مَرْيَمَ بِأَمْرِي، الْمُرْسَلُ إِلَيْهَا رُوحِي جِبْرَائِيلُ الْأَمِينُ مِنْ مَلَائِكَتِي، حَتَّى قُمْتَ عَلَيَّ الْأَرْضِ
حَيًّا تَمْشِي، كُلُّ ذَلِكَ فِي سَابِقِ عِلْمِي.

ص: ٦٦

١- (١) من «يا عيسى! لا خير» التي «للقلوب» ليس في الأمالى، وبدله «قال وكان في ما وعظ الله عز وجل به عيسى بن مريم عليه
السلام أيضاً أن قال له:»..

٢- (٢) - «خلص» الجواهر السنيه..

ای عیسی! آنهنگام که بنده ام بخاطر من صبوری کند، پاداش کار او بر من است، و هنگامی که مرا می خواند، نزد او هستم، و من برای انتقام کشی از آنان که نافرمانیم کنند بس هستم، ستمکاران از من به کجا می گریزند؟

ای عیسی! خوش سخن باش، و هر کجا هستی عالم متعلم باش.

ای عیسی! نیکوهای فراوان بسوی من فرست تا یاد آنها - به سود تو - نزد من باشد، و به سفارش من چنگ زن که در آن شفای دلهاست.

ای عیسی! چون مکر کنی از مکر من ایمن مباش، و در تنهایی های دنیا یاد مرا فراموش مکن.

ای عیسی! با [یاد] بازگشت به سوی من از خود حسابرسی کن، تا پاداش عمل نیکوکاران را به قطع دریابی، پاداش آنان پرداخت خواهد شد، و من بهترین پرداخت کنندگانم.

ای عیسی! تو به کلام من آفریده شدی، مریم تو را به امر من زایید، روح خود - جبرئیل (امین فرشتگانم) - را به سوی او فرستادم، تا [این که تو به صورت موجود] زنده بر روی زمین بیا خواسته راه می روی، اینها در علم ازلی من بود.

يَا عِيسَى! زَكَرِيَّا بِمَنْزِلِهِ أَبِيكَ، وَكَفِيلُ أُمَّكَ إِذْ يَدْخُلُ عَلَيْهَا الْمِحْرَابَ فَيَجِدُ عِنْدَهَا رِزْقًا، وَنَظِيرُكَ يَحْيَى مِنْ خَلْقِي، وَهَبْتُهُ لَأُمَّهُ
بَعْدَ الْكِبَرِ مِنْ غَيْرِ قُوَّةٍ بِهَا، أَرَدْتُ بِعَدْلِكَ أَنْ يَظْهَرَ لَهَا سُلْطَانِي، وَيَظْهَرَ فِيكَ قُدْرَتِي، أَحَبُّكُمْ إِلَيَّ أَطْوَعُكُمْ لِي وَأَشَدُّكُمْ خَوْفًا
مَنِّي. (١) يَا عِيسَى! تَيْقِظُ وَلَا تَيْأَسُ مِنْ رَوْحِي، وَسَبِّحْنِي مَعَ مَنْ يُسَبِّحُنِي، وَبَطِّبِ الْكَلَامَ فَقَدَّسْنِي.

(يَا عِيسَى! كَيْفَ يَكْفُرُ الْعِبَادُ بِي وَنَوَاصِيَهُمْ فِي قَبْضَتِي، وَتَقْلُبُهُمْ فِي أَرْضِي، يَجْهَلُونَ نِعْمَتِي، وَيَتَوَلَّوْنَ عَدُوِّي، وَكَذَلِكَ يَهْلِكُ
الْكَافِرُونَ.) (٢) يَا عِيسَى! إِنَّ الدُّنْيَا سَجْنٌ مُتَتِنٌ الرِّيحِ، وَحَسَنٌ فِيهَا مَا قَدْ تَرَى مِمَّا قَدْ تَدَابَحَ عَلَيْهِ الْجَبَّارُونَ، وَإِيَّاكَ وَالدُّنْيَا، فَكُلُّ
نَعِيمِهَا يَزُولُ، وَمَا نَعِيمُهَا إِلَّا قَلِيلٌ.

(يَا عِيسَى! ابْغِني عِنْدَ وِسَادِكَ تَجِدُنِي، وَادْعِنِي وَأَنْتَ لِي مُحِبٌّ،

ص: ٦٨

١- (١) من «يا عيسى! حاسب» التي «خوفاً مني» ليس في الأماي..

٢- (٢) من «يا عيسى! كيف» التي «الكافرون» ليس في الأماي..

ای عیسی! زکریا همچون پدر تو و سرپرست مادر تو است؛ چون در محراب بر مریم وارد می شد نزد او غذا می یافت، و در میان مخلوقاتم یحیی هم مانند تو است، که او را به مادرش پس از پیری بدون داشتن نیرویی بخشیدم، خواستم با این کار سلطنتم برای او آشکار شود، و قدرتم در تو نمایان گردد.

محبوبترین شما در نزد من مطیع ترین شما و خائف ترین شما از من است.

ای عیسی! بیدار شو و از رحمت من ناامید مباش، و با تسبیح گویان تسبیح من بگویی، و با سخن خوش مرا تقدیس کن.

ای عیسی! بندگان چگونه به من کفر می ورزند و حال آنکه موی پیشانی آنها در مشت من، و جابجا شدن شان در زمین من است؟ نعمت های مرا نادیده، و دشمن مرا سرپرست خود می گیرند، و این چنین کافران نابود می گردند.

ای عیسی! دنیا، زندان بدبو است، و خوب در آن همانست که می بینی که ستمکاران یکدیگر را بر سر آن می کشند.

و از دنیا برحذر باش، که همه نعمتهایش از بین می رود، و نعمتهای آن جز اندکی نیست.

ای عیسی! مرا [هنگام خواب] نزد بالش خود طلب کن تا مرا بیابی، و در حالیکه دوستدارم هستی مرا بخوان،

فَإِنِّي أَسْمَعُ السَّامِعِينَ، أَسْتَجِيبُ لِلدَّاعِينَ إِذَا دَعَوْنِي.

يَا عِيسَى! خَفْنِي وَخَوْفَ بِي عِبَادِي لَعَلَّ الْمُذْنِبِينَ أَنْ يُمَسِّكُوا عَمَّا هُمْ عَامِلُونَ بِهِ، فَلَا يَهْلِكُوا إِلَّا وَهُمْ يَعْلَمُونَ.

يَا عِيسَى! ارْهَبْنِي رَهْبَتِكَ مِنَ السَّبْعِ وَالْمَوْتِ الَّذِي أَنْتَ لَاقِيهِ، فَكُلُّ هَذَا أَنَا خَلَقْتَهُ، فَإِنِّي يَا عِيسَى! إِنَّ الْمَلِكَ لِي وَبِيَدِي، وَأَنَا الْمَلِكُ، فَإِنْ تُطْعِنِي أَدْخَلْتُكَ جَنَّتِي فِي جِوَارِ الصَّالِحِينَ.

(يَا عِيسَى! إِنِّي إِذَا غَضِبْتُ عَلَيْكَ لَمْ يَنْفَعَكَ رِضًا مِنْ رَضِيَ عَنْكَ، وَإِنْ رَضَيْتُ عَنْكَ لَمْ يَضُرَّكَ غَضَبُ الْمُغْضِبِينَ.

يَا عِيسَى! اذْكُرْنِي فِي نَفْسِكَ أَذْكُرَكَ فِي نَفْسِي، وَاذْكُرْنِي فِي مَلِكِكَ أَذْكُرَكَ فِي مَلِكِ خَيْرٍ مِنْ مَلِكِ الْآدَمِيِّينَ). (٢) يَا عِيسَى! اذْعُنِي دُعَاءَ الْغَرِيقِ الْحَزِينِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُغِيثٌ.

ص: ٧٠

١- (١) من «يا عيسى! ابغني» التي «فارهبون» ليس في الأمالى..

٢- (٢) من «يا عيسى! إنني إذا غضبت» التي «الآدميين» ليس في الأمالى..

که من شنواترین شنوایانم، ودعای دعاکنندگان را که مرا می خوانند اجابت کنم.

ای عیسی! از من بترس و بندگانم را از من بترسان، بسا گنهکاران از آنچه مشغول آن هستند دست نگهدارند، و در نتیجه جز از روی آگاهی [واتمام حجت] هلاک نشوند.

ای عیسی! همانند ترسی که از درنده، و از مرگی که به آن خواهی رسید داری از من بترس، که همه اینها را من آفریده ام، پس فقط از من بترسید.

ای عیسی! سلطنت از آن من و بدست من است، و پادشاه من هستم، پس اگر از من فرمانبری تو را در بهشتم در کنار نیکوکاران وارد کنم.

ای عیسی! اگر من بر تو خشم گیرم، خرسندی آنکه از تو راضی است تو را سود نرساند، و اگر از تو خرسند شوم، خشم خشمگینان تو را زیان نرساند.

ای عیسی! مرا پیش خود یاد کن، تا تو را پیش خود یاد کنم، و مرا در جمع [مردم] خود یاد کن، تا تو را در جمع بهتر از آدمیان یاد کنم.

ای عیسی! همچون غرق شده [دلشکسته و] غمگینی که فریادرسی ندارد مرا بخوان.

يَا عِيسَى! لَاتُخْلِفْ بِي كَاذِبًا فَيَهْتَرَّ عَرْشِي غَضَبًا، الدُّنْيَا(١) قَصِيرَةٌ الْعُمْرِ، طَوِيلُهُ الْأَمَلِ، وَعِنْدِي دَارٌ خَيْرٌ مِمَّا تَجْمَعُونَ.

يَا عِيسَى! (٢) كَيْفَ أَنْتُمْ صَيَانِعُونَ إِذَا أَخْرَجْتُ لَكُمْ كِتَابًا يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَأَنْتُمْ تَسْهَدُونَ بِسِرَائِرِ قَدِّ كَتَمْتُمُوهَا، وَأَعْمَالٍ كُتِمَتْ بِهَا عَامِلِينَ.

يَا عِيسَى! قُلْ لظَلَمِهِ بَنِي إِسْرَائِيلَ غَسَيْتُمْ وُجُوهَكُمْ، وَدَنَسْتُمْ قُلُوبَكُمْ، أَبِي تَغْتَرُّونَ (٣)، أُمِّ عَلِيٍّ تَجْتَرُّونَ، تَطَيَّبُونَ بِالطَّيِّبِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا وَأَجْوَأَفُكُمْ عِنْدِي بِمَنْزِلَةِ الْجَيْفِ الْمُنْتَنَةِ، كَأَنَّكُمْ أَقْوَامٌ مَيُّونُونَ.

يَا عِيسَى! قُلْ لَهُمْ قَلُّوا أَظْفَارَكُمْ مِنْ كَسْبِ الْحَرَامِ، وَأَصَبْتُمُوا أَسْمَاعَكُمْ عَنْ ذِكْرِ الْخَنَا، وَأَقْبَلُوا عَلَيَّ بِقُلُوبِكُمْ، فَإِنِّي لَسْتُ أُرِيدُ صُورَكُمْ.

يَا عِيسَى! افْرَحْ بِالْحَسَنَةِ فَإِنَّهَا لِي رِضَى، وَابْكْ عَلَى السَّيِّئَةِ فَإِنَّهَا شَيْنٌ (٤)، وَمَا لَاتُحِبُّ أَنْ يُصْنَعَ بِكَ فَلَا تَصْنَعُهُ بِغَيْرِكَ،

ص: ٧٢

١- (١) - «يا عيسى! الدنيا» الأمالى والبحار..

٢- (٢) - بزباده «قل لظلمه بنى اسرائيل» الأمالى والجواهر السنيه..

٣- (٣) - «تفترون» الجواهر السنيه..

٤- (٤) - بدل «فإنها شين» فى الأمالى والجواهر السنيه والبحار «فإنها سخط»..

ای عیسی! به دروغ بر من قسم مخور که عرشم از خشم به لرزه در آید، دنیا عمری کوتاه، و آرزویی دراز دارد، و نزد من سرایی [جاودان] است بهتر از آنچه شما گرد می آورید.

ای عیسی! هنگامی که برایتان طوماری بیرون آورم که بدرستی سخن گوید چه خواهید کرد؟ و شما اعتراف خواهید کرد به رازهایی که می پوشانیدید، و کارهایی که انجام می دادید.

ای عیسی! به ستمگران بنی اسرائیل بگو صورتهای خود را شستید و دلهایتان را چرکین کردید، آیا به من غزه شده اید یا بر من گستاخی می کنید؟! خود را برای اهل دنیا پاکیزه جلوه می دهید در حالیکه درون شما نزد من همچون مرداری بدبوست، گویا شما مردمی مرده هستید.

ای عیسی! به آنها بگو: ناخنهای خود را از کسب حرام کوتاه کنید، و گوشه‌هایتان را از شنیدن دشنام بازدارید، و با دل‌های خود بسوی من رو آورید که من صورت ظاهر شما را نمی خواهم.

ای عیسی! به کار نیک شادمان شو که خشنودی من در آنست، و بر کار بد گریان باش که آن ننگ است، و آنچه دوست نداری با تو انجام دهند، با دیگران انجام نده،

وَإِنْ لَطَمَ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ فَأَعْطِهِ الْأَيْسَرَ (١) ، وَتَقَرَّبْ إِلَيَّ بِالْمَوَدَّةِ جُهِدَكَ، وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ.

يَا عِيسَى! ذَلِّ لِأَهْلِ الْحَسَنِ، وَشَارِكُهُمْ فِيهَا، وَكُنْ عَلَيْهِمْ شَهِيداً، وَقُلْ لِظَلَمَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَا أَخْدَانَ (٢) السَّوْءِ وَالْجُلَسَاءِ عَلَيْهِ، إِنْ لَمْ تَنْتَهُوا أَمْسَخُكُمْ قَرَدَةً وَخَنَازِيرَ. (٣) يَا عِيسَى! قُلْ لِظَلَمَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ الْحِكْمَةَ تَبْكِي فَرَقاً مِنِّي وَأَنْتُمْ بِالضَّحْكَ تَهْجُرُونَ، أَتَتُّكُمْ بَرَاءَتِي؟! أَمْ لَدَيْكُمْ أَمَانٌ مِنْ عَذَابِي؟! أَمْ تَعَرَّضُونَ لِعُقُوبَتِي؟! فَبِي حَلَفْتُ لَأَتْرُكَنَّكُمْ (٤) مَثَلًا لِلْغَابِرِينَ.

ثُمَّ أَوْصَيْكَ - يَا ابْنَ مَرْيَمَ الْبَكْرَ الْبُتُولِ - بِسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَحَبِيبِي، فَهُوَ أَحْمَدُ صَاحِبِ الْجَمَلِ الْأَحْمَرِ، وَالْوَجْهِ الْأَقْمَرِ، الْمُشْرِقِ بِالنُّورِ، الطَّاهِرِ الْقَلْبِ، الشَّدِيدِ الْبَأْسِ، الْحَيِّ الْمُتَكَرِّمِ،

ص: ٧٤

-
- ١- (١) - جاء ذلك في شريعة عيسى عليه السلام؛ لكن حكم الاسلام بهذا الخصوص هو: «القصاص؛ والعفو أفضل»..
 - ٢- (٢) - «اخوان» الجواهر السنيه..
 - ٣- (٣) من «يا عيسى! ذل» الى «خنازير» ليس في الامالى..
 - ٤- (٤) «لأجعلنكم» الجواهر السنيه..

واگر گونه راست را سیلی زدند گونه چپ را نیز در اختیار بگذار(۱)، تا توانی با محبت خالصانه به من نزدیک شو، و از نادانان روی گردان باش.

ای عیسی! برای نیکوکاران فروتن باش، و در کار نیک با آنان شریک شو، و بر آنها گواه باش، و به ستمکاران بنی اسرائیل بگو: ای دوستان وهم نشینان بدی، اگر دست برن دارید شما را به صورت بوزینه و خوک مسخ می کنم.

ای عیسی! به ستمکاران بنی اسرائیل بگو: حکمت از بیم من می گرید و شما خنده کنان یاوه می گوید؟! آیا برات آزادی من به شما رسیده است؟! یا امان نامه ای از کیفر من نزد خود دارید؟! یا خود را در معرض عقوبت من قرار می دهید؟! پس به ذات خود سوگند یاد می کنم که شما را عبرتی برای آیندگان قرار خواهم داد.

سپس ای فرزند مریم - آن دوشیزه از مردم بریده به خدا پیوسته - تو را به سرور پیامبران و حبیب خودم احمد، دارای شتر سرخ موی، و صورت ماه گون، [پیغمبر] نور افشان، پاک دل، دلیر، با حیای بزرگوار سفارش می کنم

ص: ۷۵

۱- (۱) - این از تعالیم شریعت حضرت مسیح است، ولی در شریعت اسلام حکم آن قصاص، و اگر عفو کند بهتر است..

فَإِنَّهُ رَحْمَةٌ لِلْعَالَمِينَ، وَ سَيِّدٌ وُلِدَ آدَمَ يَوْمَ يَلْقَانِي، أَكْرَمُ السَّابِقِينَ عَلَيَّ وَأَقْرَبُ الْمُرْسَلِينَ مِنِّي، الْعَرَبِيُّ الْأَمِينُ، (١) الدِّيَانُ بِيَدِي، الصَّابِرُ فِي ذَاتِي، الْمَجَاهِدُ الْمُشْرِكِينَ بِيَدِهِ (٢) عَنْ دِينِي، أَنْ تُخْبِرَ بِهِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَتَأْمُرَهُمْ أَنْ يُصَيِّدُوا بِهِ، وَأَنْ يُؤْمِنُوا بِهِ، وَأَنْ يَتَّبِعُوهُ (٣)، وَأَنْ يَنْصُرُوهُ.

قَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِلَهِي مَنْ هُوَ حَتَّى أَرْضِيَهُ فَلَكَ الرِّضَى.

قَالَ: هُوَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً، أَقْرَبُهُمْ مِنِّي مَنْزِلَةً، وَأَحْضَرُهُمْ (٤) شَفَاعَةً، طُوبَى لَهُ مِنْ نَبِيِّ وَطُوبَى لَأُمَّتِهِ إِنْ هُمْ لَقُونِي عَلَى سَبِيلِهِ يَحْمَدُهُ أَهْلُ الْأَرْضِ، وَيَسْتَغْفِرُ لَهُ أَهْلُ السَّمَاءِ.

أَمِينٌ مِيمُونَ، طَيِّبٌ مُطَيَّبٌ، خَيْرٌ (٥) الْبَاقِينَ عِنْدِي، يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، إِذَا خَرَجَ أَرْحَتِ السَّمَاءُ عَزَالِيهَا، وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ زَهْرَتَهَا، (حَتَّى يَرَوْا الْبَرَكَهَ) (٦)، وَأَبَارِكُ لَهُمْ فِيمَا وَضَعَ يَدُهُ عَلَيْهِ، كَثِيرٌ الْأَزْوَاجِ، قَلِيلُ الْأَوْلَادِ،

ص: ٧٦

١- (١) - «الأمي» الأمالى والجواهر السنيه والبحار..

٢- (٢) - «ببدنه» الأمالى والجواهر السنيه والبحار..

٣- (٣) «وأن يطيعوه» الجواهر السنيه..

٤- (٤) - «واوجبهم عندي» الأمالى والجواهر والبحار..

٥- (٥) - بزياده «الماضين و» الأمالى والبحار..

٦- (٦) - ليس فى الأمالى..

که او رحمت برای جهانیان، و سرور فرزندان آدم است، در روزی که مرا دیدار کند، گرامی ترین پیشینیان نزد من، و نزدیکترین پیامبران به من است، آن عربی امین، پایبند به دین من، شکیباً درباره من، مجاهد با مشرکان با دست خود در راه دین من، [آری تو را سفارش می کنم که] به بنی اسرائیل از این پیامبر خبر دهی، و فرمان دهی که او را تصدیق کنند، و به او ایمان آورند، و او را پیروی کنند و یاری رسانند.

عیسی عرض کرد: پروردگارم او کیست که او را خشنود کنم که خشنودی از آن توست.

فرمود: او محمد (ص) فرستاده خدا به سوی همه مردم است، که منزلتش از همگان به من نزدیک تر، و آماده ترین ایشان در شفاعت است.

خوشا به حال چنین پیامبری! و خوشا به حال امتش اگر [با پایداری] بر راه او مرا دیدار نمایند! زمینیان او را ستایش کنند، و آسمانیان برای او آمرزش خواهند. [او] درستکار، فرخنده، پاک و پاکیزه، و بهترین باقیمانندگان، نزد من است، او در آخر الزمان خواهد بود، چون ظهور کند آسمان برکات خویش را فرو می ریزد، و زمین شکوفه هایش را بیرون آورد، تا مردم برکت را ببینند، و برای مردم در آنچه او دست گذارد برکت آورم، او را همسران زیاد و اولاد کم است،

يَسْكُنُ بَكَهَ مَوْضِعَ أُسَاسِ إِبْرَاهِيمَ.

يَا عِيسَى! دِينُهُ الْحَنِيفِيُّ، وَقَبْلَتُهُ يَمَانِيَّةٌ (١)، وَهُوَ مِنْ حِزْبِي، وَأَنَا مَعَهُ، فَطُوبَى لِي لَهُ، ثُمَّ طُوبَى لِي لَهُ.

لَهُ الْكُوْتُرُ وَالْمَقَامُ الْأَكْبَرُ فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ، يَعِيشُ أَكْرَمَ مَنْ عَاشَ، وَيُقْبَضُ شَهِيداً.

لَهُ حَوْضٌ أَكْبَرُ مِنْ بَكَهَ إِلَى مَطْلَعِ الشَّمْسِ مِنْ رَحِيقِ مَخْتُومٍ فِيهِ آيَةٌ مِثْلُ نُجُومِ السَّمَاءِ، (وَأَكْوَابٌ مِثْلُ مَدَرِ الْأَرْضِ)، (٢) عَذْبٌ (٣) فِيهِ مِنْ كُلِّ شَرَابٍ وَطَعْمٍ كُلِّ ثَمَارٍ فِي الْجَنَّةِ؛ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ أَبَداً (٤).

(وَذَلِكَ مِنْ قَسِيْمِي لَهُ، وَتَفْضِيلِي إِيَّاهُ)، (٥) [أبعثه] (٦) عَلَى فَتْرِهِ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ، يُوَافِقُ سِرُّهُ عِلَاقَتَهُ، مَوْفُوهُ فِعْلُهُ، لَا يَأْمُرُ النَّاسَ إِلَّا بِمَا يَبْدُوهُمْ بِهِ، دِينُهُ الْجِهَادُ فِي عُسْرٍ وَيُسْرٍ،

ص: ٧٨

١- (١) - «مكيه» الأمالى والبحار. وإنما هي يمانيه لأن مكه من تهامه وتهامه من اليمن. انظر مرآه العقول ج ٢٥ ص ٣٣٤،
والنهايه ج ٥ ص ٣٠٠..

٢- (٢) - ليس فى الأمالى..

٣- (٣) «ماؤه عذب» الأمالى والجواهر السنيه والبحار..

٤- (٤) «بعدها أبداً» الأمالى والجواهر السنيه والبحار..

٥- (٥) - ما بين القوسين ليس فى الأمالى والبحار..

٦- (٦) اثبتناه من الأمالى والجواهر السنيه والبحار..

در مکه جایگاه بنای ابراهیم سکنی گزیند.

ای عیسی! دین او دین حنیف ابراهیم [یکتاپرستی] است، و قبله او مکه یمانی (۱) است، و او از گروه [و حزب] من و من با او هستم، پس خوشا به حال او! باز خوشا به حال او! کوثر [و خیر سرشار]، و برترین جایگاه بهشتهای جاوید از آن اوست.

گرامی ترین زندگی را می کند، و شهید از دنیا می رود، برای او حوضی است بزرگ تر از مکه تا محل طلوع آفتاب که پر از شراب [طهور دست نخورده و] سربسته است، در آن ظرف هایی [درخشان] همچون ستارگان آسمان، و جام هائی [زیبا] همچون [جام های ظریف و زیبای برخواسته از] گل خالص زمین است، شراب گوارایی که در آن از هر نوشیدنی و مزه هر میوه بهشتی وجود دارد، هر کس از آن یکبار بنوشد تا ابد تشنه نخواهد شد.

و این از بهره من به او، و برتری است که از جانب من دارد، او را پس از فاصله زمانی میان تو و او مبعوث خواهم کرد، و او کسی است که پنهان او با آشکارش، و گفتار او با کردارش برابر است، به مردم فرمانی نمی دهد مگر به چیزهایی که خود به آن آغاز می کند، در سختی و گشایش آئین او جهاد است،

ص: ۷۹

۱- (۱) - زیرا مکه از تهامه، و تهامه از سرزمین یمن محسوب می شود..

تَنقَادُ لَهُ الْبِلَادُ، وَيَخْضَعُ لَهُ صَاحِبُ الرُّومِ، عَلِيٌّ دِينَ إِبْرَاهِيمَ (١)، يُسَمَّى عِنْدَ الطَّعَامِ، وَيُفْشَى السَّلَامَ، وَيُصَلِّي وَالنَّاسُ نِيَامًا، لَهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسُ صِلَوَاتٍ مُتَوَالِيَاتٍ، (يُنَادِي إِلَى الصَّلَاةِ كِنْدَاءِ الْجَيْشِ بِالشُّعَارِ)، (٢) وَيَفْتَتِحُ بِالتَّكْبِيرِ، وَيَخْتِمُ بِالتَّسْلِيمِ، وَيَصِفُ قَدَمَيْهِ فِي الصَّلَاةِ كَمَا تَصِفُ الْمَلَائِكَةُ أَقْدَامَهَا، وَيَخْشَعُ لِي قَلْبُهُ وَرَأْسُهُ.

النُّورُ فِي صَدْرِهِ، وَالْحَقُّ عَلِيٌّ لِسَانِهِ، وَهُوَ عَلِيٌّ (٣) الْحَقُّ حَيْثُمَا كَانَ.

(أَضِيْلُهُ يَتِيْمٌ ضَالٌّ بُرْهِيَةٌ مِنْ زَمَانِهِ عَمَّا يُرَادُ بِهِ)، (٤) تَنَامُ عَيْنَاهُ وَلَمَّا يَنَامُ قَلْبُهُ، لَهُ الشَّفَاعَةُ وَعَلِيٌّ أُمَّتِهِ تَقُومُ السَّاعَةَ، وَيَدِي فَوْقَ أَيْدِيهِمْ (٥)، فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلِيٌّ نَفْسِهِ، وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ أُوفِيَتْ لَهُ بِالْجَنَّةِ.

ص: ٨٠

١- (١) - بدل «عليٌّ دين إبراهيم» في الأملی والجواهر السنيه والبحار: «عليّ دينه ودين أبيه إبراهيم»..

٢- (٢) - ليس في الأملی..

٣- (٣) - «مع» الأملی والبحار..

٤- (٤) - ليس في الأملی..

٥- (٥) - بزباده «إذا بايعوه»، الأملی والجواهر السنيه والبحار..

سرزمینها فرمانپذیر او می شوند، و پادشاه روم برای او سرتسلیم فرود می آورد، [او] بر روش ابراهیم علیه السلام است، هنگام غذا نام خدا می برد، و آشکارا سلام می کند، و در حالی که مردم در خوابند نماز می گذارد، او در هر روز پنج نماز پی در پی دارد، همچون ندای فراخوانی سپاه جنگی، برای نماز ندا می دهد، و آنرا با تکبیر شروع می کند، و با سلام به پایان می برد، گامهایش را در نماز همچون گامهای صفوف فرشتگان به نظم می آورد، و دل و سر او برای من خاشع [وافتاده] است.

نور در سینه او و حق بر زبان او جاری است، و او هر کجا که باشد بر حق است.

اصل او یتیم، و برهه ای از عمرش از مقصود خلقتش [نبوت] ناشناخته است، چشمان او به خواب می رود و دل او نمی خوابد، شفاعت از آن اوست، و قیامت بر اّمّت او برپا می گردد، و [چون اّمّتش با او بیعت کنند] دست من بر دست آنانست، پس هر که پیمان شکند بر زیان خویش پیمان شکسته است، و هر کس به آنچه بر آن عهد بسته وفا کند من نیز با بهشت [به وعده خود] برای او وفا می کنم.

فَمُرَّ ظِلْمَهُ بَيْنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا يَدْرُسُوا كُتُبَهُ، وَلَا يُحَرِّفُوا سُنَّتَهُ، وَأَنْ يُقْرَؤَهُ السَّلَامَ، فَإِنَّ لَهُ فِي الْمَقَامِ شَأْنًا مِنَ الشَّانِ.

يَا عِيسَى! كُلُّ مَا يُقَرِّبُكَ مِنِّي فَقَدْ دَلَّلْتُكَ عَلَيْهِ، وَكُلُّ مَا يُبَاعِدُكَ مِنِّي فَقَدْ نَهَيْتُكَ عَنْهُ، فَارْتَدَّ لِنَفْسِكَ.

يَا عِيسَى! إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ، وَإِنَّمَا اسْتَعْمَلْتُكَ فِيهَا (١)، فَجَانِبِ مِنْهَا مَا حَذَرْتُكَ، وَخُذْ مِنْهَا مَا أَعْطَيْتُكَ عَفْوًا.

يَا عِيسَى! انْظُرْ فِي عَمَلَاتِكَ نَظَرَ الْعَبِيدِ الْمِيذَنِبِ الْخَاطِئِ، وَلِمَا تَنْظُرُ فِي عَمَلِ غَيْرِكَ بِمَنْزِلَةِ الرَّبِّ، كُنْ فِيهَا زَاهِدًا، وَلَا تَرَعَبْ فِيهَا فَتَعْطَبَ.

يَا عِيسَى! اعْقِلْ، وَتَفَكَّرْ، وَانْظُرْ فِي نَوَاحِي الْأَرْضِ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ.

يَا عِيسَى! كُلُّ وَصْفِي (٢) لَكَ نَصِيحَةٌ، وَكُلُّ قَوْلِي لَكَ حَقٌّ، وَأَنَا الْحَقُّ الْمُبِينُ، فَحَقًّا أَقُولُ: لَئِنْ أَنْتَ عَصَيْتَنِي بَعْدَ أَنْ أُنبَأْتُكَ مَا لَكَ مِنْ دُونِي وَلِيِّي وَلَا نَصِيرٍ.

ص: ٨٢

١- (١) - بزياده «لتطيعني» الأمالى والجواهر السنيه والبحار..

٢- (٢) - «كل وصيتي» الأمالى والجواهر السنيه والبحار..

پس به ستمگران بنی اسرائیل فرمان ده که کتاب های او را محو نکنند، و روش او را تحریف نمایند، و به او سلام گویند، که او در مقام [و منزلت]، جایگاه ویژه ای دارد.

ای عیسی! هر آنچه تو را به من نزدیک سازد تو را بر آن رهنمون شدم، و هرچه تو را از من دور می ساخت تو را از آن باز داشتم، پس در اندیشه خویش باش.

ای عیسی! بدرستی که دنیا شیرین است و من تو را در آن به کار گماشتم [تا مرا بندگی کنی]، پس از آنچه از دنیا بیمت دادم دوری گزین، و از آنچه بی پرسش به تو بخشیدم بهره گیر.

ای عیسی! در کار خویش همچون نگاه بنده گنهگارِ خطاکار بنگر، و در کار دیگران همچون پروردگار ننگر، در دنیا زاهد باش و شیفته آن مباش که هلاک می شوی.

ای عیسی! عقل خود را به کار گیر و بیندیش، و در اطراف زمین بنگر که سرانجام ستمگران چگونه شد؟

ای عیسی! همه بیان من برای تو اندرز است، و همه گفتار من به تو حق است، و منم آن حق آشکار، پس بدرستی می گویم، پس از این گرازشم اگر نافرمانی من کنی، غیر من هیچ سرپرست و یاورى نخواهی داشت.

يَا عِيسَى! أَذَلَّ قَلْبَكَ بِالْخَشْيَةِ، وَانْظُرْ إِلَيَّ مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْكَ (١)، وَلَا تَنْظُرْ إِلَيَّ مَنْ هُوَ فَوْقَكَ، وَاعْلَمْ أَنَّ رَأْسَ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَذَنْبٍ هُوَ حُبُّ الدُّنْيَا، فَلَا تُحِبَّهَا، فَإِنِّي لَأُحِبُّهَا.

يَا عِيسَى! أَطَبَّ لِي قَلْبَكَ، وَأَكْثَرَ ذِكْرِي فِي الْخَلَوَاتِ، وَاعْلَمْ أَنَّ سُرُورِي أَنْ تُبْضِصَ إِلَيَّ، كُنْ فِي ذَلِكَ حَيًّا، وَلَا تَكُنْ مَيِّتًا.

يَا عِيسَى! لَأَتَشْرِكَ بِشَيْئًا، وَكُنْ مِنِّي عَلَيَّ حَذِرًا، وَلَا تَعْتَرَّ بِالصَّحَّةِ وَ [لا] (٢) تُعَبِّطُ نَفْسَكَ، فَإِنَّ الدُّنْيَا كَفَى زَائِلًا، وَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كَمًا أَدْبَرَ، فَتَنَافَسْ فِي الصَّالِحَاتِ جُهْدَكَ، وَكُنْ مَعَ الْحَقِّ حَيْثُمَا كَانَ، وَإِنْ قُطِعَتْ وَأُحْرِقَتْ بِالنَّارِ، فَلَا تَكْفُرْ بِي بَعِيدَ الْمَعْرِفَةِ، فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ، (فَإِنَّ الشَّيْءَ يَكُونُ مَعَ الشَّيْءِ). (٣) يَا عِيسَى! صَبَّ لِي الدُّمُوعَ مِنْ عَيْنَيْكَ، وَاحْشَعْ لِي بِقَلْبِكَ.

ص: ٨٤

١- (١) - بدل «أسفل منك» في الجواهر السنيه «دونك»..

٢- (٢) - من الأمالى والجواهر السنيه والبحار..

٣- (٣) ليس فى الأمالى..

ای عیسی! دل خود را با ترس من رام کن، و [در امور دنیوی] به پائین تر از خود بنگر، و به بالا-تر از خود نظر مدوز، و بدان اساس هر خطا و گناهی محبت دنیاست، پس آنرا دوست ندار که من نیز آنرا دوست نمی دارم.

ای عیسی! دل خود را برای من پاکیزه کن، و در تنهایی ها بسیار به یاد من باش، و بدان که شادمانیم به آنست که نزد من تملق [و خوش زبانی] کنی، در این کار زنده دل باش و مرده مباش.

ای عیسی! هیچ چیز را شریک من قرار نده، و از من برحذر باش، و به تندرستی خود مغرور مشو، و [در رقابت های دنیوی] خود را مورد رشک دیگران قرار مده، چرا که دنیا همچون سایه ای از میان رفتنی است، و آنچه از آن رو آورد همچون همانست که پشت کرده، پس با تمام توان خود در کارهای نیک به رقابت پرداز، و با حق هر جا که هست همراه باش، و پس از شناخت من، اگر قطعه قطعه شدی و با آتش سوزانده شدی به من کفر موز، پس حتماً از جاهلان مباش که هر چیز با چیز [نظیر خود] همراه است.

ای عیسی! برای من از دو چشمت اشکها بریز، و با دلت برایم فروتنی کن.

يَا عِيسَى! اسْتَغِثْ بِي (١) فِي حَالَاتِ الشَّدَّةِ، فَإِنِّي اغِيثُ الْمَكْرُوبِينَ، وَأَجِيبُ الْمُضْطَّرِّينَ، وَأَنَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (٢)

ص: ٨٤

١- (١) - بدل «استغث بي» في الأمالي والبحار: «استغفرني»..

٢- (٢) الكافي ج ٨ ص ١٣١ ح ١٠٣. عنه المجلسي رحمه الله في كتاب الأربعين ص ٤٦٢ الحديث الثلاثون، وفيه أمالي الصدوق ص ٣٠٧، المجلس ٧٨ ح ١ باسناده إلى علي بن أسباط عن علي بن أبي حمزة عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام مثله، وفي الجواهر السنية في الأحاديث القدسية: الباب العاشر ص ٩٧، وبحار الانوار ج ١٤ ص ٢٨٩ ح ١٤ عن الكافي والأمالي، وقال المجلسي في المرآة ج ٢٥ ص ٣١٣-٣١٤ الحديث حسن او موثق؛ وبعد ذكره سند الأمالي قال: فالخبر موثق علي الأظهر..

ای عیسی! در سختی‌ها از من فریادرسی خواه که من فریادرس گرفتارانم، ودرمانده‌ها را پاسخ گویم، و من مهربانترین مهربانانم.

ص: ۸۷

حديث معراج (يا أحمد)

اشاره

ص: ٨٩

قال العلامه المجلسي قدس سره: «رأيت في بعض الكتب لهذا الحديث سنداً هكذا: قال الإمام أبو عبد الله محمد بن علي البلخي، عن أحمد بن إسماعيل الجوهري، عن أبي محمد علي بن مظفر بن إلياس العبدى، عن أبي نصر أحمد بن عبد الله الواعظ، عن أبي الغنائم، عن أبي الحسن عبد الله بن الواحد بن محمد بن عقيل، عن أبي إسحاق إبراهيم بن حاتم الزاهد بالشام، عن إبراهيم بن محمد، عن عبد الله بن عبد الرحمن، عن أبي عبد الله عبد الحميد بن أحمد بن سعيد، عن أبي بشر، عن الحسن بن علي المقرئ، عن أبي مسلم محمد بن الحسن المقرئ، عن الإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام، عن أبيه، عن جدّه، عن علي بن أبي طالب عليهم السلام قال:

عَلَّامَهُ مَجْلِسِي قَدَسِ سِرِهِ دَر ذِيلِ حَدِيثِ مَعْرَاجٍ - پيرامون سند آن - آورده است:

در بعضی از کتابها برای این حدیث سندی دیدم به این طریق:

□
امام ابو عبدالله محمد بن علی بلخی، از احمد بن اسماعیل جوهری، از ابو محمد علی بن مظفر بن الیاس عبدی، از ابونصر احمد بن عبدالله واعظ، از ابوالغنائم، از ابوالحسن عبدالله بن واحد بن محمد بن عقیل، از ابوسحاق ابراهیم بن حاتم زاهد در شام، از ابراهیم بن محمد، از عبدالله بن عبدالرحمن، از ابو عبدالله عبدالحمید بن احمد بن سعید، از ابوبشر، از حسن بن علی مقری، از ابومسلم محمد بن حسن مقری، از امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، از پدر [بزرگوار] خود، از جد [بزرگوار] خود، از علی بن ابی طالب علیهم السلام نقل کرده که فرمود:

هذا ما سأل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ربّه ليله المعراج...»(١). وقال أيضاً: «وجدت في نسخه قديمه اخرى: قال الشيخ أبو عمرو عثمان بن محمد البلخي(٢): أخبرنا أبو بكر أحمد بن إسماعيل الجوهري قال: حدثنا أبو علي المطر بن إلياس بن سعد بن سليمان قال: أخبرنا أبو نصر أحمد بن عبد الله بن إسحاق الواعظ قال: أخبرنا أبو الغنائم الحسن بن حماد المقرئ قراءه بأهواز في آخر شهر رمضان سنة ثلاث وأربعين وأربعمائه قال: أخبرنا أبو مسلم محمد بن الحسن المقرئ قراءه عليه من أصله قال: حدثنا عبد الواحد بن محمد بن عقيل قال: أخبرنا أبو إسحاق إبراهيم بن حاتم الزاهد بالشام(٣) قال: حدثنا إبراهيم بن محمد بن أحمد(٤) قال حدثنا إسحاق بن بشر(٥) ، عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام، عن أبيه، عن جده، عن علي بن أبي طالب عليهم السلام...»(٦).

ص: ٩٢

-
- ١- (١) - البحار ج ٧٧ ص ٣٠..
 - ٢- (٢) - المتوفى ببلخ في جمادى الاولى سنة ٥٣٧. انظر سير اعلام النبلاء: ج ٢٠ ص ١٦٦ رقم ١٠١..
 - ٣- (٣) - انظر تاريخ مدينة دمشق: ج ٦ ص ٣٧٧-٣٧٨..
 - ٤- (٤) - هو ابو اسحاق التستري. انظر تاريخ مدينة دمشق: ص ٣٧٧-٣٧٨..
 - ٥- (٥) هو ابو حذيفه الكاهلي الخراساني، عُدّ من أصحاب الامام الصادق عليه السلام. انظر رجال النجاشي: ص ٧٢ رقم ١٧١، ورجال الطوسي: ص ١٤٩ رقم ١٣٨، وميزان الاعتدال: ج ١ ص ١٨٤ رقم ٧٣٩..
 - ٦- (٦) البحار ج ٧٧ ص ٣١..

این آن [حدیثی] است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از پروردگار خود در شب معراج درخواست کرد...».

باز علامه مجلسی رضی الله عنه فرموده است: در نسخه قدیم دیگری یافتیم که: شیخ أبو عمر و عثمان بن محمد بلخی، از ابوبکر احمد بن اسماعیل جوهری، از أبو علی مطر بن إلیاس بن سعد بن سلیمان، از أبونصر احمد بن عبد الله بن إسحاق واعظ - که در اهواز، در آخر ماه رمضان ۴۴۳ هجری قمری، به صورت قرائت - از ابوالغنائم حسن بن حماد مقری - که به صورت قرائت از اصل آن - از ابومسلم محمد بن حسن مقری، از عبدالواحد بن محمد بن عقیل، از ابواسحاق ابراهیم بن حاتم زاهد در شام، از ابراهیم بن محمد بن احمد، از اسحاق بن بشر، از [امام] جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، از پدر [بزرگوار] خود، از جد [بزرگوار] خود، از [امام] علی بن ابی طالب علیهم السلام، همانند این حدیث را نقل کرده است.

عَلَّامَه مَجْلِسِي رَضِي اللهُ عَنْهُ مَتْنِ حَدِيثِ رَا از كِتَابِ اِرْشَادِ الْقُلُوبِ دِيْلِمِي نَقْلِ كَرْدَه وَ فَرْمُودَه اَسْت: از امير مؤمنان عليه السلام روايت شده كه پيامبر صلي الله عليه و آله در شب معراج از پروردگار سبحان پرسيد:

پروردگارا: بهترين عمل کدام است؟

خدا - كه عزيز و با شكوه است - فرمود: نزد من هيچ چيز بهتر از توكل بر من، و رضا به آنچه قسمت كرده ام نيست.

أَي مُحَمَّد! مَحَبَّتِ مَنْ بَايَسْتَهُ كَسَانِي اَسْت كِه در راه من همدیگر را دوست می دارند، و مَحَبَّتِ مَنْ بَايَسْتَهُ كَسَانِي اَسْت كِه در راه من با هم مهربانی می کنند، و مَحَبَّتِ مَنْ بَايَسْتَهُ كَسَانِي اَسْت كِه در راه من با هم پیوند می یابند، و مَحَبَّتِ مَنْ بَايَسْتَهُ كَسَانِي اَسْت كِه بر من توكل می کنند، و برای مَحَبَّتِ مَنْ نِشَانِ [حَدِّ وَ حُدُودِ] و سرآمد و پایانی نیست، و هر زمان برای ایشان نِشَانِ [حَدِّي] برافرازم، نِشَانِ [حَدِّي دِيْكَر] را پائین آورم (۱)، آنان کسانی اند كه با دیدن من به آفریده ها می نگرند، و نیازمندیهای خود را به [در خانه] مخلوق نمی برند، شكَم هایشان سبکبار از خوراك حلال است، خوشبختی [و سعادت] ایشان در دنیا یاد من، و مَحَبَّتِ مَنْ، و خشنودی من از ایشان است.

ص: ۹۵

۱- (۱) - كِنَايَه از این كه با هدایت خود مرحله به مرحله تا بی نهایت به كمالشان می افزایم..

يا أحمدُ إن أحببت أن تكون أروع الناس فازهد في الدنيا وارغب في الآخرة.

فقال: يا إلهي كيف أزهد في الدنيا وأرغب في الآخرة؟

قال: خذ من الدنيا حِفًّا (١) من الطعام والشراب واللباس ولا تدخر لغد، ودُم على ذكرى.

فقال: يا رب وكيف أدوم على ذكرك؟

فقال: بالخلوة عن الناس، وبغضك الحلو والحامض، وفراغ (٢) بطنك وبيتك من الدنيا.

يا أحمد! فاحذر أن تكون مثل الصبي إذا نظر إلى الأخضر والأصفر أحبه، وإذا أعطى شيئاً من الحلو والحامض اعتز به.

فقال: يا رب دُلني على عمل أتقرب به إليك.

قال: اجعل ليلاً نهاراً، ونهارك ليلاً.

قال: يا رب كيف ذلك؟

قال: اجعل نومك صلاةً، وطعامك جوعاً.

ص: ٩٤

١- ((١)) - «حَفًّا» الإرشاد..

٢- ((٢)) «افراغ» الجواهر السنية..

ای احمد! اگر دوست داری که پارساترین مردم باشی، به دنیا بی میل و به آخرت مشتاق باش.

عرض کرد: معبودا! چگونه در دنیا زاهد، و به آخرت راغب باشم؟

فرمود: اندکی از خوراک و نوشیدنی و پوشاک دنیا را [برای امروز خود] بردار، و برای فردای خود نیندوز، و پیوسته به یاد من باش.

عرض کرد: پروردگارا! چگونه پیوسته به یاد تو باشم؟

فرمود: با خلوت [و دوری] از مردم [دنیا زده]، و ناخوش داشتن شیرین و ترش [دنیا]، و تهی ساختن شکم و خانه از [لذیذ و زیور] دنیا.

ای احمد! خود را دور بدار از این که همچون کودک باشی که چون به سبز و زرد بنگرد دوست بدارد، و چون چیزی از شیرین و ترش به او دهند فریب خورد.

عرض کرد: پروردگارا! مرا بر عملی که با آن به تو تقرّب جویم راهنمائی کن.

فرمود: شب خود را روز، و روز خود را شب قرار ده.

عرض کرد: پروردگارا! چگونه؟

فرمود: خواب خود را نماز قرار ده و خوراک خود را گرسنگی.

يا أحمدا! وعزتي وجلالي ما من عبد مؤمن ضمن لي بأربع خصال إلا أدخلته الجنة: يطوي لسانه فلا يفتحه إلا بما يعنيه، ويحفظ قلبه من الوسواس، ويحفظ علمي ونظري إليه، وتكون قره عينه الجوع.

يا أحمد! لو ذقت حلاوة الجوع والصمت والخلوة وما ورثوا منها.

قال: يا رب ما ميراث الجوع؟

قال: الحكمة، وحفظ القلب، والتقرب إلي، والحزن الدائم، وخفة المؤمن بين الناس، وقول الحق، ولا يبالي عاش يبسر أو بعسر.

يا أحمد! هل تدري بأي وقت يتقرب العبد إلى الله؟ قال: لا يا رب.

قال: إذا كان جائعاً أو ساجداً.

ای احمد! به عزّت و جلالم سوگند هیچ بنده مؤمنی چهار خوی [وخصلت] را برای من عهده دار نشود مگر آن که او را به بهشت درآورم: زبان خود را ببندد و نگشاید مگر به سخنی که مهمّش باشد، و قلب خود را از [حبّ دنیا و] وساوس نگهدارد، و مراقب آگاهی و دید من به خود باشد، و نور چشمش گرسنگی باشد.

ای احمد! ای کاش شیرینی گرسنگی و سکوت و تنهایی و آثاری را که از خود به ارث می نهند می چشیدی.

عرض کرد: پروردگارا! میراث [بازمانده از] گرسنگی چیست؟

فرمود: حکمت، نگهداری دل [از وساوس و خواطر]، نزدیکی به من، اندوه پیوسته، کم هزینگی میان مردم، گفتار حقّ، و اهمیت ندادن به این که با آسانی زندگی کند یا با سختی.

ای احمد! آیا می دانی بنده [خدا] چه زمانی به خدا نزدیک می شود؟

عرض کرد: پروردگارا! نه.

فرمود: زمانی که گرسنه باشد یا در سجده.

يا أحمدا! عَجِبْتُ مِنْ ثَلَاثِهِ عَبِيدٍ (١): عَبْدٌ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ وَهُوَ يَعْلَمُ إِلَى مَنْ يَرْفَعُ يَدَيْهِ وَقَدَامَ مَنْ هُوَ، وَهُوَ يَنْعَسُ، وَعَجِبْتُ مِنْ عَبْدٍ لَهُ قُوَّةٌ يَوْمَ مِنَ الْحَشِيشِ أَوْ غَيْرِهِ وَهُوَ يَهْتَمُّ لَعْدٍ، وَعَجِبْتُ مِنْ عَبْدٍ لَا يَدْرِي أَنِّي رَاضٍ عَنْهُ أَمْ سَاخِطٌ عَلَيْهِ وَهُوَ يَضْحَكُ.

يا أحمدا! إِنَّ فِي الْجَنَّةِ قَصْرًا مِنْ لَوْلُوهِ فَوْقَ لَوْلُوهِ وَدُرَّهِ فَوْقَ دُرِّهِ لَيْسَ فِيهَا قَصْمٌ وَلَا- وَصَيْلٌ، فِيهَا الْخَوَاصُّ أَنْظَرُ إِلَيْهِمْ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً وَأَكْلُهُمْ، كُلَّمَا نَظَرْتُ إِلَيْهِمْ أَزِيدُ فِي مُلْكِهِمْ سَبْعِينَ ضِعْفًا، وَإِذَا تَلَحَّذَ أَهْلُ الْجَنَّةِ بِالطَّعَامِ وَالشَّرَابِ تَلَحَّذُوا بِكَلَامِي وَذَكَرِي وَحَدِيثِي.

قال: يا رَبِّ ما عَلاماتُ اولئِكَ؟

قال: هُمْ فِي الدُّنْيَا مَسْجُونُونَ، قَدْ سَجَنُوا أَلْسِنَتَهُمْ مِنْ فُضُولِ الْكَلَامِ، وَبُطُونَهُمْ مِنْ فُضُولِ الطَّعَامِ.

يا أحمدا! إِنَّ الْمَحَبَّةَ لِلَّهِ هِيَ الْمَحَبَّةُ لِلْفُقَرَاءِ، وَالتَّقَرُّبُ إِلَيْهِمْ.

ص: ١٠٠

ای احمد! از سه کس در شگفتم: از بنده ای که با حالت خواب زدگی به نماز درآید در حالی که می داند دستان خود را به سوی چه کسی بالا می برد، و در پیشگاه چه کسی ایستاده است، و از بنده ای که روزی امروز خود را - هر چه باشد - دارد و با این حال غم فردا را می خورد، و از بنده ای که نمی داند آیا من از او خرسندم یا نه و در عین حال می خندد.

ای احمد! همانا در بهشت قصری است از مروارید روی مروارید، و از دُرّ روی دُرّ که بی هیچ شکستگی و پیوند [یکپارچه و زلال] است، و در آن خواصّ بندگان من زندگی می کنند، هر روز هفتاد بار به ایشان می نگرم و با ایشان سخن می گویم، هر زمان به ایشان بنگرم هفتاد برابر بر ملک [وقلمرو فرمانروایی] ایشان بیفزایم، و چون بهشتیان با خوردنی ها و نوشیدنی ها کامیاب شوند ایشان از کلام و یاد و سخن من لذّت برند.

عرض کرد: پروردگارا! نشانه های ایشان چیست؟

فرمود: ایشان در دنیا زندانی اند، زبان های خود را از سخنان بیهوده، و شکم های خود را از خوراک اضافی بسته اند.

ای احمد! محبت خدا همان محبت فقرا، و نزدیک شدن به ایشان است.

قال: يا رَبِّ وَمَنِ الْفُقَرَاءُ؟

قال: الَّذِينَ رَضُوا بِالْقَلِيلِ، وَصَبَرُوا عَلَى الْجُوعِ، وَشَكَرُوا عَلَى الرِّخَاءِ، وَلَمْ يَشْكُوا جُوعَهُمْ وَلَا ظَمَأَهُمْ، وَلَمْ يُكَذِّبُوا بِالسَّيِّئَاتِهِمْ، وَلَمْ يَغْضَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ، وَلَمْ يَعْتَمُوا عَلَى مَا فَاتَهُمْ، وَلَمْ يَفْرَحُوا بِمَا آتَاهُمْ.

يا أَحْمَدُ! مَحَبَّتِي لِلْفُقَرَاءِ، فَأُذِنِ الْفُقَرَاءَ وَقَرَّبِ مَجْلِسَهُمْ مِنْكَ أذُنَكَ، وَبَعْدِ الْأَغْنِيَاءِ، وَبَعْدِ مَجْلِسَهُمْ مِنْكَ فَإِنَّ الْفُقَرَاءَ أَحِبَّائِي.

يا أَحْمَدُ! لَا تَتَزَيَّنْ بِلَيِّنِ اللَّبَاسِ، وَطَيِّبِ الطَّعَامِ، وَلَيِّنِ الْوِطَاءِ، فَإِنَّ النَّفْسَ مَأْوَى كُلِّ شَرٍّ، وَهِيَ رَفِيقُ كُلِّ سُوءٍ، تَجُرُّهَا إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ، وَتَجُرُّكَ إِلَى مَعْصِيَةِ بَيْتِهِ، وَتُخَالِفُكَ فِي طَاعَتِهِ، وَتُطِيعُكَ فِي مَا تَكْرَهُ، وَتَطْفَعُ إِذَا شَبِعَتْ، وَتَشْكُو إِذَا جَاعَتْ، وَتَغْضَبُ إِذَا افْتَقَرَتْ، وَتَتَكَبَّرُ إِذَا اسْتَعْنَتْ، وَتَنْسَى إِذَا كَبُرَتْ، وَتَغْفُلُ إِذَا أَمِنَتْ، وَهِيَ قَرِينَةُ الشَّيْطَانِ،

ص: ١٠٢

عرض کرد: پروردگارا! فقرا چه کسانی اند؟

فرمود: آنانی که به اندک خرسندند، و برگرسنگی بردبارند، و بردولتمندی سپاسگزارند، و از گرسنگی و تشنگی خود شکوه ندارند، و با زبان خود دروغ نگویند، و بر پروردگار خود خصمناک نباشند، و بر آنچه از دستشان رفته غم نخورند، و به آنچه [از دنیا] به دستشان آمده شادمان نباشند.

ای احمد! محبت من محبت به فقرا است، پس به فقرا نزدیک شو، و آنان را نزد یک خود بنشان تا تو را نزدیک خود کنم، و ثروتمندان [و دنیامداران] را [از خود] دور بدار، و آنان را نزدیک خود منشان که فقرا حیبان می باشند.

ای احمد! با لباس نرم [ولطیف]، و خوراک [خوش و] گوارا، و زیرانداز نرم [ولطیف] خود را زینت مده، زیرا که نفس، پناه هر شرّ، و هم نشین هر بدی است، تو او را به طاعت خدا می کشانی، و او تو را به معصیت خدا می کشد، و در طاعت خدا نافرمانیت می کند و در آنچه ناخوشایند تو است پیرویت می کند، و چون سیر شود طغیان می کند، و چون گرسنه شود شکوه می کند، و چون نیازمند شود خصمناک می گردد، و چون بی نیاز شود کبر می ورزد، و چون بزرگ شود فراموش می کند، و چون در امان باشد غافل می شود، و نفس، همسر [و همنشین] شیطان است،

ص: ۱۰۳

وَمَثَلُ النَّفْسِ كَمَثَلِ النُّعَامَةِ تَأْكُلُ الْكَثِيرَ، وَإِذَا حُمِّلَ عَلَيْهَا لَا تَطِيرُ، وَمَثَلُ الدَّفْلِيِّ لَوْنُهُ حَسَنٌ وَطَعْمُهُ مُرٌّ.

يا أحمدا! أبغض الدنيا وأهلها، وأحب الآخرة وأهلها.

قال: يا رب ومن أهل الدنيا ومن أهل الآخرة؟

قال: أهل الدنيا من كثر أكله وضمه حكه ونومه وغضبه، قليل الرضى، لا يعتذر إلى من أساء إليه، ولا يقبل معذرة من اعتذر إليه، كسلان عند الطاعة، شجاع عند المعصية، أمله بعيد، وأجله قريب، لا يحاسب نفسه، قليل المنفعة، كثير الكلام، قليل الخوف، كثير الفرح عند الطعام، وإن أهل الدنيا لا يشكرون عند الرخاء، ولا يصبرون عند البلاء، كثير الناس عندهم قليل، يحمدون أنفسهم بما لا يفعلون، ويدعون بما ليس لهم، ويتكلمون بما يتمنون، ويدعون مساوي الناس، ويخفون حسناتهم.

ص: ١٠٤

وَمَثَلُ آن همچون شتر مرغ است که فراوان می خورد، و چون بر آن بار کنند پرواز نمی کند [و با چالاکی و شتاب نمی رود]، و نیز همچون دَفْلِي [: گیاه خرزهره] است که رنگ آن زیبا، و مزه آن تلخ است.

ای احمد! از دنیا و اهل آن نفرت داشته باش، و آخرت و اهل آن را دوست مدار.

عرض کرد: پروردگارا! اهل دنیا کیست و اهل آخرت کیست؟

فرمود: اهل دنیا کسی است که خوراک و خنده و خواب و خشمش زیاد است، [از مقدرات خداوند] بسیار کم خرسند است، از کسی که به او بدی کرده پوزش نمی خواهد، و پوزش عذرخواه خود را نمی پذیرد، هنگام طاعت تنبل است و هنگام معصیت بی باک، آروزش بلند است و اجلش نزدیک، حسابرس [اعمال] خود نیست، کم سود، زیاد گو [و پرحرف]، کم هراس [از خدا و قیامت]، و هنگام خوراک بسیار شاد است، و همانا اهل دنیا هنگام فراوانی [وناز و نعمت] شکرگزار نیستند، و هنگام بلا [و گرفتاری] صبر نمی کنند، [خیر] زیاد مردم، نزد ایشان اندک بنماید، خود را به آنچه انجام نمی دهند می ستایند، و آنچه را که از ایشان نیست ادعا می کنند، و درباره آنچه آرزو دارند سخن می گویند، و از بدی های مردم یاد می کنند و خوبی های ایشان را پنهان می دارند.

ص: ۱۰۵

قال: يا رَبِّ هَلْ يَكُونُ سِوَى هَذَا الْعَيْبِ فِي أَهْلِ الدُّنْيَا؟

قال: يا أَحْمَدُ! إِنَّ عَيْبَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَثِيرٌ، فِيهِمُ الْجَهْلُ وَالْحَقُّ، لَا يَتَوَاضَعُونَ لِمَنْ يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ، وَهُمْ عِنْدَ أَنْفُسِهِمْ عُقَلَاءُ، وَعِنْدَ الْعَارِفِينَ حُمَقَاءُ.

يا أَحْمَدُ! إِنَّ أَهْلَ الْخَيْرِ وَأَهْلَ الْآخِرَةِ رَقِيقَةٌ وَجُوهُهُمْ، كَثِيرٌ حَيَاؤُهُمْ، قَلِيلٌ حُمَقُهُمْ، كَثِيرٌ نَفْعُهُمْ، قَلِيلٌ مَكْرُهُمْ، النَّاسُ مِنْهُمْ فِي رَاحَةٍ وَأَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي تَعَبٍ، كَلَامُهُمْ مَوْزُونٌ، مُحَاسِبِينَ لِأَنْفُسِهِمْ، مُتَعَبِينَ لَهَا، تَنَامُ أَعْيُنُهُمْ وَلَا تَنَامُ قُلُوبُهُمْ، أَعْيُنُهُمْ بَاطِنَةٌ وَقُلُوبُهُمْ ذَاكِرَةٌ، إِذَا كُتِبَ النَّاسُ مِنَ الْغَافِلِينَ كُتِبُوا مِنَ الذَّاكِرِينَ، فِي أَوَّلِ النَّعْمَةِ يَحْمَدُونَ، وَفِي آخِرِهَا يَشْكُرُونَ، دُعَاؤُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ مَرْفُوعٌ، وَكَلَامُهُمْ مَسْمُوعٌ، تَفْرَحُ الْمَلَائِكَةُ بِهِمْ، يَدُورُ دُعَاؤُهُمْ تَحْتَ الْحُجُبِ، يُحِبُّ الرَّبُّ أَنْ يَسْمَعَ كَلَامَهُمْ كَمَا تُحِبُّ الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا، وَلَا يَشْغَلُهُمْ عَنِ اللَّهِ شَيْءٌ طَرَفَهُ عَيْنٍ، وَلَا يُرِيدُونَ كَثْرَةَ الطَّعَامِ، وَلَا كَثْرَةَ الْكَلَامِ، وَلَا كَثْرَةَ اللَّبَاسِ، النَّاسُ عِنْدَهُمْ مَوْتِيٌّ، وَاللَّهُ عِنْدَهُمْ حَيٌّ قَيُّومٌ كَرِيمٌ،

ص: ١٠٦

عرض کرد: پروردگارا! آیا اهل دنیا غیر از این عیب‌ها، عیب دیگری دارند؟

فرمود: ای احمد! عیوب اهل دنیا فراوان است، در ایشان است نادانی و کم‌عقلی، به آموزگاران خود تواضع نمی‌کنند، و ایشان نزد خود خردمند، و نزد عارفان نابخردند.

ای احمد! اهل خیر و آخرت، چهره‌هایشان با شرم، حیایشان فراوان، نابخردیشان اندک، سودشان بسیار، مکرشان [ناچیز و] اندک است، مردم از ایشان در آسایش، و خود از خود [در اثر مراقبه و تزکیه] در رنج‌اند، سخنشان [بی‌تناقض و] هماهنگ است، حسابرس [اعمال] خوداند، خود را [در راه خدا و خیر به مردم] خسته می‌کنند، دیدگانشان می‌خواهد، و دل‌هایشان نمی‌خواهد، چشمانشان گریان است و دل‌هایشان در یاد خداست، چون مردم را از غافلان بنویسند، ایشان را از ذاکران بشمرند، در آغاز نعمت، ستایش می‌کنند و در آخر آن سپاس می‌گویند، دعایشان نزد خدا بالا می‌رود، و سخنشان شنیده می‌شود، فرشتگان از ایشان شادمانند، نیایش ایشان زیر حجاب [های نوری] دور می‌زند، پروردگار دوست می‌دارد که سخنشان را بشنود چنان‌که مادر فرزند خود را، و هیچ چیز ایشان را یک چشم بهم زدن از یاد خدا باز نمی‌دارد، آنان خوراک بسیار، و سخن زیاد، و لباس فراوان را دوست نمی‌دارند، مردم، نزد ایشان مردگانند، و خدا، نزد ایشان زنده پایدار [و برپادارنده] بزرگوار است،

ص: ۱۰۷

يَدْعُونَ الْمُدَبِّرِينَ كَرَمًا، وَيُرِيدُونَ (١) الْمُقْبِلِينَ تَلَطَّفًا، قَدْ صَارَتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَهُمْ وَاحِدَةً، (يَمُوتُ النَّاسُ مَرَّةً وَيَمُوتُ أَحَدُهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً مِنْ مُجَاهِدِهِ أَنْفُسِهِمْ وَمُخَالَفِهِ هَوَاهُمْ وَالشَّيْطَانَ الَّذِي يَجْرِي فِي عُرُوقِهِمْ، وَلَوْ تَحَرَّكَتْ رِيحٌ لَزَعَزَعَتْهُمْ، وَإِنْ قَامُوا بَيْنَ يَدَيَّ كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرصُوصٌ، لَا أَرَى فِي قَلْبِهِمْ شُغْلًا لِمَخْلُوقٍ، فَوَعَزَّتِي وَجَلَالِي لِأَحْيَيْنَهُمْ حَيَاةً طَيِّبَةً إِذَا فَارَقْتُ أَرْوَاحَهُمْ مِنْ جَسَدِهِمْ، لَا اسْلَطْتُ عَلَيْهِمْ مَلَكَ الْمَوْتِ، وَلَا يَلِي قَبْضَ رُوحِهِمْ غَيْرِي، وَلَأَفْتَحَنَّ لِرُوحِهِمْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ كُلِّهَا، وَلَأَرْفَعَنَّ الْحُجُبَ كُلَّهَا دُونِي، وَلَأَمُرَنَّ الْجِنَانَ فَلْتَرَيْنَنَّ، وَالْحُورَ الْعِينِ فَلْتَرَفَنَّ،

ص: ١٠٨

١- (١) - «يزيدون» الإرشاد..

روی گردانان را از روی بزرگواری فرا می خوانند(۱)، و روی آورندگان را از روی مهربانی قصد می کنند، [آنچنان چشمشان به عوالم ملکوت گشوده است که] دنیا و آخرت نزد ایشان یکی شده است، مردم یک بار می میرند، و هر یک از ایشان - در اثر [سختی ها و مشکلات] جهاد با نفس، و مخالفت با هواهای خود و نیز با شیطانی که در رگ هایشان روان می شود - در هر روز هفتاد بار می میرد، و اگر بادی بوزد [جسم ناتوان] ایشان را تکان می دهد، و اگر در پیشگاه من بایستند [در اثر عشق به عبادت و غرق در انس] گویی بنایی آهنین اند، در دل ایشان هیچ سرگرمی به مخلوق را نمی بینم، پس به عزت و جلالم سوگند چون روح از تن ایشان جدا کنم ایشان را با زندگی پاکیزه ای، حیات [حقیقی] بخشم، فرشته مرگ را بر ایشان چیره نسازم، و کسی جز من مباشر قبض روح ایشان نباشد، و قطعاً همه درهای آسمان را به روی روح ایشان بگشایم، همه حجاب های میان خود و ایشان را بردارم، و به بهشت فرمان دهم تا آراسته گردد، و به حوریان [: سیمین تنان درشت چشم] فرمان دهم تا به زفاف درآیند،

ص: ۱۰۹

۱- ((۱)) - اگر متن «يَدْعُونَ» خوانده شود نه «يَدْعُونَ» ترجمه جمله این می شود: [کیفر] روی گردانان را از روی بزرگواری رها می کنند..

وَالْمَلَائِكَةَ فَتَضَعْنَ لِيْنَ، وَالْأَشْجَارَ فَتُشْمِرْنَ، وَثِمَارَ الْجَنَّةِ فَتُتَدَلِّينَ، وَلَمَّا مَرَّنْ رِيحاً مِّنَ الرِّيَّاحِ الَّتِي تَحْتَ الْعَرْشِ فَتُحْمِلُنَّ جِبَالاً مِّنَ الْكَافُورِ وَالْمِسْكِ الْأَذْفَرِ فَتُضَيِّرْنَ وَقُوداً مِّنْ غَيْرِ النَّارِ، فَتُتَدَخَّلْنَ بِهِ، وَلَا يَكُونُ بَيْنِي وَبَيْنَ رُوحِهِ سِتْرٌ، فَأَقُولُ لَهُ عِنْدَ قَبْضِ رُوحِهِ: مَرْحَباً وَأَهلاً بِقُدُومِكَ عَلَيَّ، اصْعَدْ بِالْكَرَامَةِ وَالْبُشْرَى وَالرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ، «وَجَنَّتِ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (١)، فَلَوْ رَأَيْتَ الْمَلَائِكَةَ كَيْفَ يَأْخُذُ بِهَا وَاحِدٌ وَيُعْطِيهَا الْآخَرَ.

يَا أَحْمَدُ! إِنَّ أَهْلَ الْآخِرَةِ لَا يَهْتَوُهُمُ الطَّعَامُ مُنْذُ عَرَفُوا رَبَّهُمْ، وَلَا يَشْغَلُهُمْ مُصِيبُهُ مُنْذُ عَرَفُوا سَيِّئَاتِهِمْ، يَبْكُونَ عَلَيَّ خَطَايَاهُمْ، يُتَعَبُونَ أَنْفُسَهُمْ وَلَا يُرِيحُونَهَا، وَإِنَّ رَاحَةَ أَهْلِ الْجَنَّةِ فِي الْمَوْتِ،

ص: ١١٠

١- (١) - التوبة: ٢١ و ٢٢..

و به فرشتگان فرمان دهم، تا درود و تحیت گویند، و به درختان [بهشت] فرمان دهم تا میوه آورند، و به میوه های بهشت فرمان دهم تا خود [را بر شاخه ها] بیاویزند، و به نسیمی از نسیم های [بهشتی] زیر عرش فرمان دهم تا کوههای کافور(۱) و مشک [خوشبو و] پُربو را بردارند، و سوخت بی آتش شوند و به او در آیند، و میان من و روح او حجابی نباشد، و هنگام قبض روحش به او گویم: خوش آمدی، و با ورود بر من به [دیار] آشنای خود شدی، با بزرگواری و بشارت و رحمت و رضوان بالا بیا، «و باغ های بهشت که در آن ها نعمت های پایدار دارند، جاودانه در آن ها خواهند بود، حقا که نزد خدا پاداشی بزرگ است(۲)»، ای کاش فرشتگان را می دیدی که چگونه هر [یک] روح او را می گیرد و به دیگری می سپارد.

ای احمد! اهل آخرت از آن روز که پروردگار خود را شناختند [هیچ] خوراکی گوارا [ی وجود] شان نیست، و از آن روز که بدی های خود را شناختند هیچ مصیبتی [از اندیشه آن بدیها]، بازشان نمی دارد، بر خطاهای خود می گریند، و خود را [در راه خدا] به زحمت می افکنند و آسوده نمی گذارند، همانا آسایش اهل بهشت در مرگ است،

ص: ۱۱۱

۱- (۱) - کافور: ماده معطر جامدی که از برخی گیاهان از قبیل ریحان و بابونه [به دست آید]. فرهنگ معین: ۲۸۴۸/۳..

۲- (۲) - توبه: ۲۲ و ۲۱..

وَالْآخِرَةُ مُسْتَرَاخُ الْعَابِدِينَ، مَوْنُسُهُمْ دُمُوعُهُمُ الَّتِي تَفِيضُ عَلَيَّ خُدُودِهِمْ، وَجُلُوسُهُمْ مَعَ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ، وَمُنَاجَاتُهُمْ مَعَ الْجَلِيلِ الَّذِي فَوْقَ عَرْشِهِ، وَإِنَّ أَهْلَ الْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ فِي أَجْوَابِهِمْ قَدْ قُرِحَتْ، يَقُولُونَ:

مَتَى نَسْتَرِيحُ مِنْ دَارِ الْفَنَاءِ إِلَى دَارِ الْبَقَاءِ. (١) يَا أَحْمَدُ! هَلْ تَعْرِفُ مَا لِلزَّاهِدِينَ عِنْدِي فِي الْآخِرَةِ؟

قَالَ: لَا يَا رَبِّ.

قَالَ: يُبْعَثُ الْخَلْقُ وَيُنَاقَشُونَ بِالْحِسَابِ وَهُمْ مِنْ ذَلِكَ آمِنُونَ، إِنَّ أَدْنَى مَا أُعْطِيَ لِلزَّاهِدِينَ فِي الْآخِرَةِ أَنْ أُعْطِيَهُمْ مَفَاتِيحَ الْجَنَانِ كُلِّهَا حَتَّى يَفْتَحُوا أَيَّ بَابٍ شَاءُوا، وَلَا أَحْجَبُ عَنْهُمْ وَجْهِي، وَلَا أَنْعَمَنَّهُمْ بِاللَّوَانِ التَّلْمِذُ مِنْ كَلَامِي، وَلَا أُجْلِسِيَنَّهُمْ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ، وَأَذْكَرَنَّهُمْ مَا صَنَعُوا وَتَعَبُوا فِي دَارِ الدُّنْيَا، وَأَفْتَحُ لَهُمْ أَرْبَعَةَ أَبْوَابٍ:

بَابٌ تَدْخُلُ عَلَيْهِمُ الْهَدَايَا مِنْهُ بُكَرَةٌ وَعَشِيَّةٌ مِنْ عِنْدِي.

وَبَابٌ يَنْظُرُونَ مِنْهُ إِلَيَّ كَيْفَ شَاءُوا بِلا صُعُوبَةٍ.

ص: ١١٢

١- (١) من «يموت الناس» إلى «البقاء» ليس في الإرشاد والجواهر السنية..

و آخرت آسایشگاه عابدان است، آنیس ایشان اشگهایی است که بر رخسارشان روان می شود، و نشست ایشان با فرشتگان راست و چپ خود است، و راز و نیازشان با خدای شکوهمند [فرمانروا] بر عرش است، و همانا دل های اهل آخرت [از غم فراق، آتشین و] مجروح است، و [با خود] می گویند: چه زمانی از این دارفنا به دار بقا [کوچ کرده] آسوده می شویم؟!

ای احمد! آیا می دانی که زاهدان، در آخرت نزد من چه دارند؟

عرض کرد: پروردگارا! نه.

فرمود: مردم مبعوث می شوند و با دقت مورد حسابرسی قرار می گیرند در حالی که ایشان در امانند، همانا کمترین چیزی که در آخرت به زاهدان می بخشم همه کلیدهای بهشت است تا هر دری را که می خواهند بکشایند، و روی خود را از ایشان نمی پوشانم، و بالذات های گوناگون سخن خود کامیابشان می کنم، و ایشان را در قرارگاه صدق می نشانم، و آنچه در دنیا انجام دادند و رنج دیدند به یادشان می آورم، و چهار در را برایشان می گشایم:

دری که از آن هر بامداد و شامگاه هدایای من به ایشان برسد.

و دری که از آن هرگونه که بخواهند به آسانی به من بنگرند.

ص: ۱۱۳

وَبَابٌ يُطَّلَعُونَ مِنْهُ إِلَى النَّارِ فَيَنْظُرُونَ مِنْهُ إِلَى الظَّالِمِينَ كَيْفَ يُعَذَّبُونَ.

وَبَابٌ تَدْخُلُ عَلَيْهِمْ مِنْهُ الْوَصَائِفُ وَالْحُورُ الْعَيْنُ.

قَالَ: يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ الزَّاهِدُونَ الَّذِينَ وَصَفْتَهُمْ؟

قال: الزَّاهِدُ هُوَ الَّذِي لَيْسَ لَهُ بَيْتٌ يَخْرَبُ فَيَعْتَمُّ بِخَرَابِهِ، وَلَا لَهُ وَلَدٌ يَمُوتُ فَيَحْزَنُ لِمَوْتِهِ، وَلَا لَهُ شَيْءٌ يَذْهَبُ فَيَحْزَنُ لِتَذَاهِبِهِ، وَلَا يَعْرِفُهُ إِنْسَانٌ يَشْغَلُهُ عَنِ اللَّهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَلَا لَهُ فَضْلٌ طَعَامٍ لِيَسْأَلَ عَنْهُ، وَلَا لَهُ ثَوْبٌ لِيُنَّ.

يا أَحْمَدُ! وَجوهُ الزَّاهِدِينَ مُصَفَّرَةٌ مِنْ تَعَبِ اللَّيْلِ وَصَوْمِ النَّهَارِ، وَالسِّنْتُهُمْ كِلَالٌ إِيَّامِنَ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى، قُلُوبُهُمْ فِي صُدُورِهِمْ مَطْعُونَةٌ مِنْ كَثْرَةِ (ما يُخَالِفُونَ أَهْوَاءَهُمْ، قَدْ ضَمَّرُوا أَنْفُسَهُمْ مِنْ كَثْرَةِ صِمْتِهِمْ) (١)، قَدْ أَعْطَاوا الْمَجْهُودَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، لَا مِنْ خَوْفِ نَارٍ وَلَا مِنْ شَوْقِ جَنَّةٍ، وَلَكِنْ يَنْظُرُونَ فِي مَلَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى أَهْلٌ لِلْعِبَادَةِ (كَأَنَّمَا يَنْظُرُونَ إِلَى مَنْ فَوْقَهَا).

ص: ١١٤

١- (١) - بدل ما بين القوسين في الإرشاد: «صمتهم»..

و دری که از آن بر دوزخ اِشراف یابند و بنگرند که ستمگران چگونه کیفر می شوند.

و دری که از آن کنیزان و حوریان به ایشان در آیند.

عرض کرد: پروردگارا! این زاهدان که فرمودی چه کسانی اند؟

فرمود: زاهد کسی است که خانه ای که ویران شود ندارد تا برای ویرانی آن غمگین شود، و فرزندی که بمیرد ندارد تا برای مرگ او اندوهگین شود، و چیزی که از دستش برود ندارد تا برای از دست رفتنش محزون شود(۱)، و کسی او را نمی شناسد تا چشم بهم زدنی او را از یاد خدا باز دارد، و خوراک اضافی و پوشاک نرم ندارد تا از آن بازخواست شود.

ای احمد! چهره زاهدان از رنج [عبادت] شب، و روزه روز زرد است، و زبانشان جز از یاد خدای متعال بسته است، دل های ایشان در سینه ها از بسیاری مخالفت با هوای نفس زخمی [ونالان] است، خود را از بسیاری سکوت لاغر کرده اند، همه تلاش خود را بکار گرفته اند نه از ترس آتش و نه از شوق بهشت، بلکه در ملکوت آسمان ها و زمین [آنچنان] می نگرند که گویی خدای محیط بر آن ها را می بینند، و می دانند که خدای سبحان شایسته پرستش است.

ص: ۱۱۵

۱- ((۱)) - گویا مراد این باشد که همه این امور را ملک خدا می بینند - نه خود - از این رو وابستگی اصلی قلبی ایشان به خدا است نه به این امور..

قال: يا رَبِّ هَلْ تُعْطَى لِأَحَدٍ مِنْ أُمَّتِي لِهَذَا؟(١) قال: يا أَحْمَدُ! لِهَذِهِ دَرَجَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ مِنْ أُمَّتِكَ، وَأُمَّهِ غَيْرِكَ، وَأَقْوَامٍ مِنَ الشُّهَدَاءِ.

قال: يا رَبِّ أَيُّ الزُّهَادِ أَكْثَرُ، زُهَادُ أُمَّتِي أَمْ زُهَادُ بَنِي إِسْرَائِيلَ؟

قال: إِنَّ زُهَادَ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي زُهَادِ أُمَّتِكَ كَشَعْرَةِ سَوْدَاءٍ فِي بَقْرَةٍ بَيْضَاءٍ.

فقال: يا رَبِّ كَيْفَ يَكُونُ ذَلِكَ وَعَدَدُ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرُ مِنْ أُمَّتِي؟

قال: لِأَنَّهُمْ شَكُّوا بَعْدَ الْيَقِينِ، وَجَحَدُوا بَعْدَ الْإِقْرَارِ.

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: فَحَمِدْتُ اللَّهَ لِلزَّاهِدِينَ كَثِيرًا، وَشَكَرْتُهُ، وَدَعَوْتُ لَهُمْ فَقُلْتُ:

اللَّهُمَّ احْفَظْهُمْ، وَارْحَمْهُمْ، وَاحْفَظْ عَلَيْهِمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَيْتَ لَهُمْ.

ص: ١١٦

عرض کرد: پروردگارا! آیا به کسی از امت من این مقام را می دهی؟

فرمود: ای احمد! این [مقام و] درجه پیامبران، و صدیقان از امت تو، و امت [پیامبران] دیگر، و گروههایی از شهیدان است.

عرض کرد: پروردگارا! کدام زاهدان بیشترند، زاهدان امت من یا زاهدان بنی اسرائیل؟

فرمود: زاهدان بنی اسرائیل در میان زاهدان امت تو همچون یک تارموی سیاه در [میان انبوه بی شمار موهای بدن] گاو سپید است.

عرض کرد: پروردگار چگونه؟ با این که شمار بنی اسرائیل از امت من بیشتر است؟

فرمود: زیرا ایشان پس از یقین، شک کردند، و پس از اقرار، انکار نمودند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پس برای زاهدان امتم خدا را بسیار ستایش و سپاس گفتم، و برای ایشان دعا کردم و عرض کردم: خدایا! ایشان را حفظ کن و رحم فرما، و دینشان را که برایشان پسندیده ای نگهدار.

ص: ۱۱۷

اللَّهُمَّ ارزُقْهُمْ إيمانَ المؤمنين، الذي ليس بعده شكٌ وزيفٌ، وورعاً ليس بعده رغبَةٌ، وخوفاً ليس بعده غفلةٌ، وعِلماً ليس بعده جهلٌ، وعقلاً ليس بعده حمقٌ، وقرباً ليس بعده بُعدٌ، وخشوعاً ليس بعده قساوةٌ، وذكرًا ليس بعده نسيانٌ، وكرمًا ليس بعده هوانٌ، وصبراً ليس بعده ضَجْرٌ، وحِلماً ليس بعده عَجَلَةٌ، واملأ قلوبَهُم حياءً منك حَتَّى يَسْتَحْيُوا مِنْكَ كُلَّ وَقْتٍ وَتُبْصِرْهُمْ بِآفَاتِ الدُّنْيَا، وَآفَاتِ أَنْفُسِهِمْ، وَوَسَاوِسِ الشَّيْطَانِ، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. (١) يَا أَحْمَدُ! عَلَيْكَ بِالْوَرَعِ فَإِنَّ الْوَرَعَ رَأْسُ الدِّينِ وَوَسَطُ الدِّينِ وَآخِرُ الدِّينِ، إِنَّ الْوَرَعَ يُقَرِّبُ الْعَبْدَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى.

ص: ١١٨

١- (١) بدل ما بين القوسين في الإرشاد والجواهر السنية: «قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم: فحمدت الله تعالى وشكرته ودعوت لهم بالحفظ والرحمة وسائر الخيرات»..

خدایا! به ایشان روزی فرما ایمان مؤمنانی را که پس از آن هیچ شک و انحرافی نباشد و پارسایی را که پس از آن هیچ میل [به دنیا] نباشد، و بیمی را که پس از آن هیچ غفلتی نباشد، و علمی را که پس از آن، هیچ نادانی نباشد، و عقلی را که پس از آن هیچ نابخردی نباشد، و نزدیکی [به خود] را که پس از آن هیچ دوری نباشد، و خشوعی را که پس از آن هیچ سنگدلی نباشد، و یادی را که پس از آن هیچ فراموشی نباشد، و بزرگواری را که پس از آن هیچ خواری نباشد، و صبری را که پس از آن هیچ بی‌تابی نباشد، و حلمی را که پس از آن هیچ شتابی نباشد، و دل‌های ایشان را از حیای خود پر کن تا همه وقت از تو شرم کنند، و ایشان را از آفات دنیا، و آفات نفس، و وسوسه‌های شیطان بی‌نا فرما، [خدایا!] تو بر احوال نفس من آگاهی، و به همه غیب‌ها دانایی.

ای احمد! بر تو باد به [پاکدامنی و] پارسایی، زیرا پارسایی اول دین، و وسط دین، و آخر دین است، حقا که پارسایی [هر] بنده [ای] را به خدای متعال نزدیک می‌کند.

يا أَحْمَدُ! إِنَّ الْوَرَعَ كَالشُّنُوفِ بَيْنَ الْحِلْيِ، وَالْخُبْزِ بَيْنَ الطَّعَامِ، (إِنَّ الْوَرَعَ رَأْسُ الْإِيمَانِ)، (١) وَعِمَادُ الدِّينِ، إِنَّ الْوَرَعَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّفِينَةِ، كَمَا أَنَّ فِي الْبَحْرِ لَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ كَانَ فِيهَا كَذَلِكَ لَا يَنْجُو الزَّاهِدُونَ إِلَّا بِالْوَرَعِ.

يا أَحْمَدُ! مَا عَرَّفَنِي عَبْدٌ وَخَشَعَ لِي إِلَّا وَخَشَعْتُ لَهُ. (٢) يا أَحْمَدُ! الْوَرَعُ يَفْتِيحُ عَلَى الْعَبْدِ أَبْوَابَ الْعِبَادَةِ، فَتَكْرُمُ بِهِ (٣) عِنْدَ الْخَلْقِ، وَيَصِلُ بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

يا أَحْمَدُ! عَلَيْكَ بِالصِّمْتِ فَإِنَّ أَعْمَرَ الْقُلُوبِ (٤) قُلُوبُ الصَّيِّحِينَ وَالصَّيِّامَتِينَ، وَإِنَّ أَخْرَبَ الْقُلُوبِ (٥) قُلُوبُ الْمُتَكَلِّمِينَ بِمَا لَا يَغْنِيهِمْ.

يا أَحْمَدُ! إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ، تِسْعَةٌ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ، فَإِذَا طَيَّبْتَ مَطْعَمَكَ وَمَشْرَبَكَ فَأَنْتَ فِي حِفْظِي وَكَنْفِي.

ص: ١٢٠

١- (١) - بدل ما بين القوسين في الإرشاد والجواهر السنية: «إن الورع زين المؤمن»..

٢- (٢) بدل «الآ وخشعت، له» في الإرشاد: «الآ خشع له كل شيء»..

٣- (٣) بدل «ابواب العباده فتكرم به» في الجواهر السنية: «أبواب السماء كما يفتح للملائكة باب العباده فيكرم بها العبد»..

٤- (٤) - بدل «أعمر القلوب» في الجواهر السنية: «أعمر مجلس قلوب»..

٥- (٥) - بدل «أخرب القلوب» في الجواهر السنية: «أخرب مجلس قلوب»..

ای احمد! پارسایی همچون گوشواره، در میان زینت آلات، و همچون نان، در میان خوردنی ها است. همانا پارسایی، سرِ [پیکره] ایمان، و ستونِ [خیمه] دین است، مَثَلِ پارسایی چون مَثَلِ کشتی است، همانگونه که در دریا جز سواران کشتی نجات نمی یابند زاهدان نیز جز با پارسایی رستگار نمی شوند.

ای احمد! هیچ بنده ای مرا نشناخت و برای من خشوع نکرد مگر آن که من برای او خاشع شدم.

ای احمد! پارسایی درهای عبادت را به روی بنده می گشاید، پس با آن نزد مردم بزرگوار می شود، و با آن به خدای عزیز و با جلال می رسد.

ای احمد! بر تو باد به سکوت، زیرا آبادترین دل ها دل های صالحان و خاموشان است، و ویران ترین دل ها دل های هرزه گویان است.

ای احمد! عبادت ده جزء است، نُه جزء آن طلب حلال است، پس چون خوردنی و نوشیدنی خود را پاکیزه کردی در حمایت و پناه من قرار داری.

قال: يا رَبِّ ما أَوْلُ العِبادِهِ؟

قال: أَوْلُ العِبادِهِ؟ الصَّمتُ وَالصَّومُ.

قال: يا رَبِّ وما مِراثُ الصَّومِ؟

قال: الصَّومُ يُورِثُ الحِكمَةَ، وَالحِكمَةُ تُورِثُ المَعْرِفَةَ، وَالْمَعْرِفَةُ تُورِثُ اليَقينَ، فإِذا اسْتَيَقَنَ العَبْدُ لا يُبالي كَيْفَ أَصْبَحَ، بِعُسْرٍ أَمْ بِيُسْرٍ، وَإِذا كانَ العَبْدُ في حالِهِ المَوْتِ يَقومُ عَلَيَّ رَأْسُهُ مَلائِكَةٌ، بِيَدِ كُلِّ مَلِكٍ كَأْسٌ مِنْ ماءِ الكَوْثَرِ، وَكَأْسٌ مِنْ الخَمْرِ، يَسْقُونَ رُوحَهُ حَتَّى تَذهَبَ سَكَرَتُهُ وَمَرارَتُهُ، وَيُبَشِّرُونَهُ بِالبِشارَةِ العُظْمَى، وَيَقولونَ لَهُ:

طِيبَتْ وَطابَ مَثواكَ إِنَّكَ تَقَدَّمْ عَلَيَّ العَزيزِ الحَكِيمِ الحَبيبِ القَرِيبِ، فَطَيطِرُ الرُّوحَ مِنْ أَيْدِي المَلائِكَةِ، فَتَصَعُدُ إِلى اللَّهِ تَعَالَى في أَسرَعِ مَنْ طَرَفِهِ عَيْنٍ، وَلا يَبقى حِجابٌ وَلا سِتْرٌ بَينَها وَبَينَ اللَّهِ تَعَالَى، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِليها مُشْتاقٌ، وَتَجلسُ عَلَيَّ عَينِ عِنْدَ العَرشِ، ثُمَّ يُقالُ لَها:

كَيْفَ تَرَكتِ الدُّنيا؟

فَتَقولُ إِلهي وَعِزَّتِكَ وَجَلالِكَ لا عِلْمَ لي بِالدُّنيا، أَنا مُنذُ خَلَقْتَنِي خائِفَةٌ مِنْكَ.

ص: ١٢٢

عرض کرد: پروردگارا! اوّل عبادت چیست؟

فرمود: اوّل عبادت سکوت و روزه است.

عرض کرد: پروردگارا! میراث [و نتیجه] روزه چیست؟

فرمود: روزه، موجب حکمت، و موجب معرفت، و معرفت، موجب یقین است، پس چون بنده ای دارای یقین شد باکش نیست چگونه بگذراند به سختی یا به آسانی.

و چون در حال [جان دادن و] مرگ قرار گیرد فرشتگانی بر بالین او حضور یابند که در دست هر یک جامی از آب کوثر و جامی از شراب [طهور بهشتی] باشد. آن ها را به روح او می نوشانند تا سختی و تلخی جان دادن [از میان] برود، و او را به آن بزرگترین بشارت مژده می دهند و به او می گویند:

خوش آمدی و جایگاهت گوارا باد همانا تو بر خدای عزیز حکیم [و] محبوب نزدیک [خود] وارد می شوی، پس روح از دستان ملائکه پرواز می کند و تندتر از چشم بهم زدنی به سوی خدا بالا می رود، و هیچ حجاب و پرده ای میان او و خدای سبحان باقی نمی ماند، و خدا - که عزّتمند و باشکوه است - به او مشتاق است، و کنار چشمه ای که نزد عرش است می نشیند سپس به او گفته می شود:

دنیا را چگونه ترک کردی؟

می گوید: معبودا! به عزّت و جلالت سوگند هیچ خبری از دنیا ندارم، از آن روز که مرا آفریدی [تنها] نگران تو بودم.

فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: صَدَقْتَ عَبْدِي، كُنْتَ بِجَسَدِكَ فِي الدُّنْيَا وَرُوحِكَ مَعِي، فَأَنْتَ بَعِينِي، سِرُّكَ وَعَلَانِيَتُكَ، سَلْ اعْطِكَ، وَتَمَنَّ عَلَيَّ فَأُكْرِمَكَ، هَذِهِ جَنَّتِي فَتَجَنَّحْ فِيهَا(١)، وَهَذَا جِوَارِي فَاسْكُنْهُ.

فَتَقُولُ الرُّوحُ: إِلَهِي عَرَّفْتَنِي نَفْسِكَ فَاسْتَتَعْنَيْتُ بِهَا عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَعَزَّرْتَكَ وَجَلَالِكَ لَوْ كَانَ رِضَاكَ فِي أَنْ أَقْطَعَ إِرْبًا إِرْبًا، وَأَقْتُلَ سَبْعِينَ قَتْلَهُ بِأَشَدِّ مَا يُقْتَلُ بِهِ النَّاسُ، لَكَانَ رِضَاكَ أَحَبَّ إِلَيَّ.

إِلَهِي كَيْفَ أَعْجَبَ بِنَفْسِي وَأَنَا ذَلِيلٌ إِنْ لَمْ تُكْرِمْنِي، وَأَنَا مَغْلُوبٌ إِنْ لَمْ تَنْصُرْنِي، وَأَنَا ضَعِيفٌ إِنْ لَمْ تُقَوِّنِي، وَأَنَا مَيِّتٌ إِنْ لَمْ تُحْيِنِي بِعَذْرِكَ، وَلَوْلَا سِرُّكَ لَأَفْتَضَّ حَتَّى أَوَّلَ مَرَّةٍ عَصَيْتُكَ، إِلَهِي كَيْفَ لَا أَطْلُبُ رِضَاكَ وَقَدْ أَكْمَلْتَ عَقْلِي حَتَّى عَرَفْتُكَ، وَعَرَفْتُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ، وَالْأَمْرَ مِنَ النَّهْيِ، وَالْعِلْمَ مِنَ الْجَهْلِ، وَالنُّورَ مِنَ الظُّلْمَةِ.

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَعَزَّتِي وَجَلَالِي لَا أَحْبُبُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ فِي وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ، كَذَلِكَ أَفْعَلُ بِأَحِبَائِي.

ص: ١٢٤

١- (١) - بدل «فتجنح فيها» في الإرشاد: «مباح فتبيح فتبجح فيها»..

پس خدای سبحان می فرماید، بنده من! راست گفתי، تن تو در دنیا و روح تو با من بود، اینک باطن و ظاهر تو در دید من است، بخواه تا عطایت کنم، و از من درخواست کن تا اکرامت کنم، این بهشت من است در آن پرواز کن، و این پناه من است در آن جای گزین.

روح او می گوید: خدایا! خود را به من شناساندی و بدینوسیله از همه مخلوقات بی نیاز شدم، به عزت و جلالت سوگند چنانچه خشنودی تو در این باشد که [در راه تو] قطعه قطعه شوم، و هفتاد بار به بدتر از آنچه دیگران کشته می شوند، کشته شوم نزد من [از هر چیز دیگری] محبوبتر است.

معبودا! چگونه خود بین شوم با این که من [خود به خود] خوادم اگر اکرامم نکنی، و شکست خورده ام اگر یاریم نفرمایی، و ناتوانم اگر توانم نبخشی، و مرده ام اگر با یاد خود زنده ام نکنی، و اگر پرده پوشی تو نبود همان اول بار که گناهت کردم رسوا می شدم.

خدایا! چگونه خشنودی تو را نخواهم با این که عظم را کامل فرمودی تا تو را شناختم، و حق را از باطل، و امر را از نهی، و علم را از جهل، و نور را از ظلمت تمیز دادم.

پس خدای عزیز و با شکوه می فرماید: به عزت و جلالم سوگند در هیچ زمانی میان خود و تو حجاب نمی افکنم، اینچنین با دوستانم رفتار می کنم.

يا أحمد! هل تدري أئ عيشِ أهنأ وأئ حياهِ أبقئ؟

قال: اللهم لا.

قال: أما العيشُ الهنيئُ فهو الذي لا يفتُرُ صاحِبُهُ عن ذكْرِى، ولا ينسى نِعْمَتى، ولا يجهلُ حقّى، يطلبُ رِضاى فى ليلِهِ ونهارِهِ. وأمّا الحياهُ الباقيهُ فهي التي يعمِلُ لِنَفْسِهِ حتّى تهونَ عليه الدنيا، وتَصغرُ فى عينِهِ، وتَعْظُمُ الآخِرَةُ عنْدَهُ، ويؤثرُ هواى على هواهُ، ويبتغى مرضاتى، ويُعظّمُ حقَّ عَظْمَتى، ويذكرُ علمى بِهِ، ويراقبُنى بالليلِ والنهارِ عندَ كُلِّ سَيئَةٍ أو مَعْصِيَةٍ وَيُنَقِّى قلبَهُ عن كُلِّ ما أكرَهُ، وَيُبغِضُ الشَّيْطَانَ وَساوسَهُ، ولا يجعلُ لِإِبليسَ على قلبِهِ سلطاناً وسبيلاً.

ص: ١٢٤

ای احمد! آیا می دانی کدام زیست گواراتر، و کدام زندگی پایدارتر است؟ عرض کرد: پروردگارا! نه.

فرمود: امّا زیست گوارا آنست که صاحبش از یاد من سستی نمی کند، و نعمت مرا از یاد نمی برد، و حقّ مرا ناشناسی نمی کند، در شب و روزش خشنودی مرا می خواهد.

وامّا زندگی پایدار آنست که صاحبش برای [تزکیه و إصلاح] خود عمل می کند تا دنیا در دلش خوار، و در چشمش کوچک، و آخرت نزد او بزرگ می شود، و خواسته مرا بر خواسته خود مقدم می دارد، و خشنودی های مرا می جوید، و حقّ کبریایی مرا بزرگ می دارد، و آگاهی مرا به [احوال] خود یاد می نماید، و شبانه روز نزد هر بدی و گناهی از من دیدبانی می کند، و دل خود را از هر چه ناپسند من است پاک می سازد، و شیطان و وسوسه هایش را دشمن می دارد، و برای ابلیس هیچ فرمانروایی و راه [نفوذ]ی را بر قلب خود نمی گذارد.

ص: ۱۲۷

فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ أَسَكَّنَتْ قَلْبَهُ حُبًّا حَتَّى أَجْعَلَ قَلْبَهُ لِي، وَفَرَاغَهُ وَاشْتِغَالَهُ وَهَمَّهُ وَحَدِيثَهُ مِنَ النِّعْمَةِ الَّتِي أَنْعَمْتُ بِهَا عَلَيَّ أَهْلِ مَحَبَّتِي
مِنْ خَلْقِي، وَأَفْتَحُ عَيْنَ قَلْبِهِ وَسَمِعَهُ حَتَّى يَسْمَعَ بِقَلْبِهِ وَيَنْظُرَ بِقَلْبِهِ إِلَى جَلَالِي وَعَظَمَتِي، وَأَضِيقُ عَلَيْهِ الدُّنْيَا، وَأُبْغِضُ إِلَيْهِ مَا فِيهَا مِنَ
اللَّذَاتِ، وَأَحْذَرُهُ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، كَمَا يُحْذِرُ الرَّاعِي غَنَمَهُ مِنْ مَرَاتِعِ الْهَلَكَةِ.

فَإِذَا كَانَ هَكَذَا يَفِرُّ مِنَ النَّاسِ فِرَارًا، وَيُنْقَلُ مِنْ دَارِ الْفَنَاءِ إِلَى دَارِ الْبَقَاءِ، وَمِنْ دَارِ الشَّيْطَانِ إِلَى دَارِ الرَّحْمَنِ.

يَا أَحْمَدُ! وَلَازِمَتَنَّهُ بِالْهَيْبَةِ وَالْعَظَمَةِ، فَهَذَا هُوَ الْعَيْشُ الْهَنِيءُ وَالْحَيَاةُ الْبَاقِيَةُ، وَهَذَا مَقَامُ الرَّاظِينَ.

فَمَنْ عَمِلَ بِرِضَايَ الزِّمَّةُ ثَلَاثَ خِصَالٍ:

اعْرِفُهُ شُكْرًا لَا يُخَالِطُهُ الْجَهْلُ، وَذِكْرًا لَا يُخَالِطُهُ النُّسْيَانُ، وَمَحَبَّةً لَا يُؤَثِّرُ عَلَيَّ مَحَبَّتِي مَحَبَّةَ الْمَخْلُوقِينَ.

پس چون چنین کند محبتی را در دل او جای می‌دهم تا دل او را، و فراغ بال و دل مشغولی و همت او را برای خود کنم، و سخن او را دربارهٔ نعمت‌هایی که به دوستدارانم داده‌ام قرار دهم، و چشم و گوش دل او را می‌گشایم تا با آن [تسبیح ملکوتیان را] بشنود، و به شکوه و کبریایی من بنگرد، و دنیا را بر او تنگ می‌کنم، و لذات آن را منفور می‌سازم، و او را از دنیا و آنچه در آن است بر حذر می‌دارم، آنچنان که چوپان گوسفند خود را از چراگاه‌های مرگ آفرین بر حذر می‌دارد، پس چون چنین شد از مردم به شدت گریزان می‌شود، و از سرای فنا به سرای بقاء، و از سرای شیطان به سرای رحمان منتقل می‌گردد.

ای احمد! او را با هیبت و عظمت [خود] می‌آرایم، پس این است آن زیستِ گوارا و زندگیِ پایدار، و این مقامِ راضیان [به قضا و قدر من] است.

پس هر کس طبق رضای من عمل کند سه ویژگی همراهش کنم:

به او سپاسی را می‌شناسانم که آمیخته به نادانی نباشد، و یادی را که آمیخته به فراموشی نباشد، و محبتی را که محبت هیچ مخلوقی را بر محبت من مقدم ندارد.

فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ، وَأَفْتَحَ عَيْنَ قَلْبِهِ إِلَيَّ جَلَالِي، وَلَا اخْفَى عَلَيَّ خَاصَّةَ خَلْقِي، وَأُنَاجِيهِ فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ وَنُورِ النَّهَارِ حَتَّى يَنْقَطِعَ حَدِيثُهُ
مَعَ الْمَخْلُوقِينَ، وَمُجَالَسَاتِهِ مَعَهُمْ، وَأَسْمَعُهُ كَلَامِي وَكَلَامَ مَلَائِكَتِي، وَأَعْرِفُهُ السِّرَّ الَّذِي سَتَرْتُهُ عَن خَلْقِي، وَالْبَيْسَةَ الْحَيَاءِ حَيْثِي
يَسْتَحْيِي مِنْهُ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ، وَيَمْشِي عَلَى الْأَرْضِ مَغْفُورًا لَّهُ، وَأَجْعَلُ قَلْبَهُ وَاِعْيًا وَبَصِيرًا، وَلَا اخْفَى عَلَيَّ شَيْئًا مِنْ جَنَّةٍ وَلَا نَارٍ، وَأَعْرِفُهُ
مَا يَمُرُّ عَلَى النَّاسِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنَ الْهَوْلِ وَالشَّدَّةِ، وَمَا أَحَاسِبُ الْأَغْنِيَاءَ وَالْفُقَرَاءَ وَالْجُهَالَ وَالْعُلَمَاءَ، وَأُنَوِّمُهُ (١) فِي قَبْرِهِ،

ص: ١٣٠

١- (١) - «أُنَوِّرُ لَهُ» الْإِرْشَادُ..

پس چون مرا دوست داشت او را دوست می دارم، و چشم دل او را به جلال [و شکوه] خود می گشایم، و نخبه آفریدگانم را از او پنهان نمی کنم، و در تاریکی های شب و روشنایی روز با او همراز می شوم تا سخن و همنشینی او از آفریده ها قطع شود، و سخن خود و فرشتگان را به او می شنویم، و از آن رازی که از خلق پوشیده ام آگاهش می کنم، و لباس حیا بر [اندام] او می پوشانم تا همه خلایق از او حیا کنند، و بر زمین در حالی که آمرزیده است راه می رود، و دل او را هوشمند و بینا می کنم، و هیچ چیز از بهشت و دوزخ را بر او پنهان نمی دارم، و از هراس و فشاری که روز قیامت بر مردم می گذرد و حسابی که از اغنیا و فقرا و جاهلان و عالمان می کشم آگاهش می کنم، و او را در قبرش می خوابانم (۱).

ص: ۱۳۱

۱- (۱) - و طبق نسخه إرشاد: قبر او را نورانی می کنم..

وَأُنزِلَ عَلَيْهِ مُنْكَرًا وَنَكِيرًا حَتَّى يَسْأَلَاهُ، وَلَا يَرَى غَمْرَةَ الْمَوْتِ وَظُلْمَةَ الْقَبْرِ وَاللَّحْدِ وَهَوْلَ الْمُطَّلَعِ، ثُمَّ أَنْصَبَ لَهُ مِيزَانَهُ، وَأَنْشُرَ دِيْوَانَهُ،
ثُمَّ أَضْعَ كِتَابَهُ فِي يَمِينِهِ فَيَقْرُؤُهُ مَنْشُورًا، ثُمَّ لَا أَجْعَلُ بَيْنِي وَبَيْنَهُ تَرْجُمَانًا، فَهَذِهِ صِفَاتُ الْمُحِبِّينَ.

يَا أَحْمَدُ! اجْعَلْ هَمَّكَ هَمًّا وَاحِدًا، فَاجْعَلْ (١) لِسَانَكَ لِسَانًا وَاحِدًا، وَاجْعَلْ بَدَنَكَ حَيًّا لَا تَغْفُلُ عَنِّي، مَنْ يَغْفُلُ عَنِّي لَا أَبَالِي بِأَيِّ
وَادٍ هَلَكَ.

يَا أَحْمَدُ! اسْتَعْمِلْ عَقْلَكَ قَبْلَ أَنْ يَذْهَبَ، فَمَنْ اسْتَعْمَلَ عَقْلَهُ لَا يُخْطِئُ وَلَا يَطْغَى (٢).

يَا أَحْمَدُ! أَلَمْ تَدْرِ لِأَيِّ شَيْءٍ فَضَّلْتَكَ عَلَيَّ سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ؟

□
قَالَ: اللَّهُمَّ لَا.

قَالَ: بِالْيَقِينِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ وَسَخَاوَةِ النَّفْسِ وَرَحْمَةِ الْخَلْقِ،

ص: ١٣٢

١- (١) - «واجعل» الجواهر السنيه..

٢- (٢) «يا أحمد أنت لا تغفل أبداً. مَنْ غفل عني لا أبالي بأيِّ وادٍ هلك» الإرشاد..

ومنکر و نکیر را بر او فرود می آورم تا از او پرسند، و سختی [و کشمکش پر رنج] جان کندن، و تاریکی قبر و لحد، و هول لحظه اشراف [بر عوالم دیگر] را نمی بیند، سپس میزان او را بر پا می کنم، و دیوان [اعمال] او را می گسترانم، و نامه عمل او را در سمت راستش می نهم پس آن را گشوده می خواند، و میان خود و او [هیچ واسطه و] ترجمانی قرار نمی دهم، پس این است صفات [واحوال] دوستداران [من].

ای احمد! هم [و آهنگ و مقصد] خود را یک هم [و آهنگ]، و زبان خود را یک زبان کن، و بدن خود را زنده بدار، از من غفلت نکن، هر کس از من غفلت کند مرا باکی نیست که در چه سرزمینی به هلاکت رسد.

ای احمد! عقل خود را پیش از آن که [از دست] برود بکار گیر که هر کس عقل خود را بکار گیرد، خطا و طغیان نمی کند.

ای احمد! آیا ندانستی چرا تو را بر همه پیامبران برتری دادم؟

عرض کرد: پروردگارا! نه.

فرمود: به سبب یقین، و خوی نیک، و بخشنده گی ذاتی، و رحمتی که بر خلق داشتی،

١- (١) جاء في بحار الأنوار ج ٥٣ ص ٣٠١، عن هامش المصباح للكفعمي ص ٥٣٤-٥٣٥: «وقيل أن الأرض لا تخلو من القطب وأربعة أوتاد وأربعين بدلاً وسبعين نجيباً وثلاثمائة وستين صالحاً. فالقطب هو المهدي عليه السلام، ولا تكون الأوتاد أقل من أربعة؛ لأنّ الدنيا كالخيمة، والمهدي عليه السلام كالعمود، وتلك الأربعة أطنابها. وقد تكون الأوتاد أكثر من أربعة، والأبدال أكثر من أربعين، والنجباء أكثر من سبعين، والصالحون أكثر من ثلاثمائة وستين. والظاهر أن الخضر والياس عليهما السلام من الأوتاد؛ فهما ملاصقان لدائرته القطب. وأمّا صفه الأوتاد: فهم قوم لا يغفلون عن ربهم طرفه عين، ولا يجمعون من الدنيا إلّا البلاغ، ولا تصدر منهم هفوات البشر، ولا يشترط بهم العصمة لزوماً، وشرط ذلك في القطب. وأمّا الأبدال: فدون هؤلاء في المراقبة، وقد تصدر منهم الغفلة فيتداركونها بالتذكّر، ولا يتعمّدون ذنباً. وأمّا النجباء: فهم دون الأبدال. وأمّا الصالحون: فهم المتّقون الموصوفون بالعدالة، وقد يصدر منهم الذنب فيتداركونه بالاستغفار والندم. قال تعالى: ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهِمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾. أعراف: ٢٠ جعلنا الله من القسم الأخير لأننا لسنا من الأقسام الأول؛ لكن ندين الله بحبهم وولايتهم، ومن أحبّ قوماً حُشِر معهم. وقيل إذا نقص أحد من الأوتاد الأربعة وضع بدله من الأربعين، وإذا نقص أحد من الأربيعين وضع بدله من السبعين، وإذا نقص أحد من الثلاثمائة وستين وضع بدله من سائر الناس؛ والله أعلم بالصواب..

۱- (۱) - شیخ کفعمی؛ در کتاب شریف مصباح، در حاشیه دعای امّ داود چنین آورده است: گویند زمین از یک قطب، و چهار تن از اوتاد، و چهل تن از ابدال، و هفتاد نجیب، و سیصد و شصت صالح خالی نمی ماند، قطب، حضرت مهدی [حجّه بن الحسن علیه آلائف التحیه و الثناء] است، و اوتاد، کمتر از چهار نفر نمی شود زیرا دنیا همچون خیمه، و مهدی علیه السلام همچون ستون آن، و چهار اوتاد همچون طناب های [چهار سوی] آن است و گاهی اوتاد بیش از چهار نفر، و ابدال بیش از چهل نفر، و نجباء بیش از هفتاد نفر، و صلحاء بیش از سیصد و شصت نفرند. ظاهراً خضر و الیاس از اوتاد و ملازم دایره قطب اند. و اما صفت اوتاد این است که: به اندازه یک چشم بهم زدن از پروردگار خود غفلت نمی ورزند، و برای دنیای خود جز به اندازه کفاف جمع نمی کنند، و لغزش هاش بشری از آنان سر نمی زند، در ایشان عصمت شرط نیست ولی در قطب شرط است. و ابدال در مراقبه پائین تر از اوتادند، و گاهی دچار غفلت می شوند که آن را با یاد و ذکر خدا جبران می کنند، و گناهی را عمداً مرتکب نمی شوند، و نجباء در این اوصاف پائین تر از ابدالند، و اما صلحاء، پارسایان عادلند که گاهی گناه از ایشان سر می زند و آن را با استغفار و پشیمانی جبران می کنند، خدای متعال می فرماید: «همانا کسانی که [از خدا] پروا دارند چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند». خداوند ما را از این گروه اخیر قرار دهد که ما از آن سه قسم اول نیستیم لکن با محبت و ولایت ایشان خدا را اطاعت می کنیم، و هر کس گروهی را دوست بدارد با ایشان محشور می شود. و گفته شده که: هرگاه یکی از مرتبه مافوق از دنیا برود از مرتبه پائین تر خود جایگزین می شود و چون از صلحا کم شود جایگزینش از عموم مردم است. حاشیه مصباح کفعمی ص ۵۳۴؛ بحار الأنوار: ۳۰۱/۵۳.

يَا أَحْمَدُ! إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَجَاعَ بَطْنَهُ، وَحَفِظَ لِسَانَهُ، عَلَّمْتُهُ الْحِكْمَةَ، وَإِنْ كَانَ كَافِرًا تَكُونُ حِكْمَتُهُ حُجَّةً عَلَيْهِ وَوَبَالًا، وَإِنْ كَانَ مُؤْمِنًا تَكُونُ حِكْمَتُهُ لَهُ نُورًا وَبُرْهَانًا وَشِفَاءً وَرَحْمَةً، فَيَعْلَمُ مَا لَمْ يَكُنْ يَعْلَمُ، وَيُبْصِرُ مَا لَمْ يَكُنْ يُبْصِرُ، فَأَوَّلُ مَا أَبْصَرَهُ عُيُوبَ نَفْسِهِ حَتَّى يَشْتَغَلَ عَنِ عُيُوبِ غَيْرِهِ، وَأَبْصَرَهُ دَقَائِقَ الْعِلْمِ حَتَّى لَا يَدْخُلَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ.

يَا أَحْمَدُ! لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْعِبَادَةِ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الصَّمْتِ وَالصَّوْمِ، فَمَنْ صَامَ وَلَمْ يَحْفَظْ لِسَانَهُ كَانَ كَمَنْ قَامَ وَلَمْ يَقْرَأْ فِي صِيَلَاتِهِ فَأَعْطِيهِ أَجْرَ الْقِيَامِ وَلَمْ اعْطِهِ أَجْرَ الْعَابِدِينَ.

يَا أَحْمَدُ! هَلْ تَدْرِي مَتَى يَكُونُ الْعَبْدُ عَابِدًا؟

قَالَ: لَا يَا رَبِّ.

ص: ١٣٦

ای احمد! هر بنده ای چون شکم خود را گرسنه دارد، و زبان خود را مراقبت کند حکمت را به او می آموزم، اگر کافر است حکمت او حجت [و برهان خدا] بر او، و سرانجام بدش خواهد بود، و اگر مؤمن است حکمت او نور و برهان و شفا و رحمت [خدا] برای او خواهد بود، پس آنچه را نمی دانست می داند، و آنچه را نمی دید می بیند، و اول چیزی که به او می نمایم عیوب خود اوست، تا از عیوب دیگران باز ماند [و به اصلاح خود پردازد]، و به دقائق علم [الهی و توحیدی] بینایش می کنم تا شیطان به او در نیاید.

ای احمد! برای من هیچکدام از عبادات محبوبتر از سکوت و روزه نیست، پس هر کس روزه باشد و زبان خود را مراقبت نکند همچون کسی است که به نماز برخیزد و قرائت [:

حمد و سوره] آن را نخواند که پاداش برخاستن را به او می دهم ولی پاداش عابدان را نه.

ای احمد! آیا می دانی چه زمانی بنده ای عابد می شود؟

عرض کرد: پروردگارا! نه.

ص: ۱۳۷

قال: إذا اجتمع فيه سبع خصال: ورع يحجزه عن المحارم، وصمت يكفه عما لا يعنيه، وخوف يزداد كل يوم من بُكائه، وحياء يستحي منى في الخلاء، وأكل ما لا بد منه، ويغض الدنيا ليغضى لها، ويحب الأختار لحيى إياهم.

يا أحميد! ليس كل من قال: أحب الله، أحبني، حتى يأخذ قوتاً، ويلبس دوناً، وينام سجداً، ويطلب قياماً، ويلزم صمتاً، ويتوكل على، ويكي كثيراً، ويقل ضحكاً، ويخالف هواه، ويتخذ المسجد بيتاً، والعلم صاحباً، والزهد جليساً، والعلماء أحياناً، والفقراء رفقاء، ويطلب رضاً، ويفر من العاصية فراراً، ويشغل بذكرى اشتغالاً، ويكثر التسيح دائماً، ويكون بالوعد صادقاً، وبالعهد وافياً، ويكون قلبه طاهراً، وفي الصلاة زاكياً، وفي الفرائض مجتهداً، وفيما عندي من الثواب راغباً، ومن عذابى راهباً، ولأجباتي قريناً، وجليساً.

فرمود: هر زمان که در او هفت ویژگی فراهم آید: پارسایی ای که او را از حرام‌ها مانع شود، و سکوتی که او را از هرزه‌گویی بازدارد، و خوفی که هر روز به گریه اش بیفزاید، و حیایی که در تنهایی از من شرم کند، و خوردنی که از آن چاره نیست، و دنیا را دشمن بدارد چون من آن را دشمن دارم، و نیکوکاران را دوست بدارد چون من ایشان را دوست دارم.

ای احمد! هر که گوید من خدا را دوست دارم چنان نیست که مرا دوست بدارد، تا این که [از خوردنی‌ها به اندازه] قوت بگیرد، و [از پوشیدنی‌ها] کمترین را بپوشد، و در سجده به خواب رود، و ایستادن به نماز [یا: شب زنده داری] را طولانی کند، و همراه با سکوت باشد، و بر من توکل کند، و فراوان بگیرد، و کم بخندد، و با هوای [نفس] خود بستیزد، و مسجد را خانه خود کند، و علم را همدم خود نماید، و زهد را همنشین خود سازد، و علما را دوستان خود بگیرد، و فقرا را همدمان خود قرار دهد، و خشنودی مرا بطلبد و از گنهکاران، سخت‌گريزان باشد، و سخت به یاد من پردازد، و پیوسته تسبیح خود را فزونی بخشد، و در وعده [های] خود راستگو، و به پیمان [های] خود وفادار، و دلش [از کینه‌ها و ردائیل] پاک، و در نماز [از توجه به غیر خدا] پاکیزه، و در [انجام] واجبات کوشا، و به پاداش‌های نزد من مشتاق، و از کیفر من بیمناک، و با دوستان من همدم و همنشین باشد.

يَا أَحْمَدُ! لَوْ صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَيَصُومُ صِيَامَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَيَطْوِي مِنَ الطَّعَامِ مِثْلَ الْمَلَائِكَةِ، وَلَبَسَ لِبَاسَ الْعَارِي، ثُمَّ أَرَى فِي قَلْبِهِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا ذَرَّةً، أَوْ سَعْتَهَا (١)، أَوْ رِثَاسَتَهَا، أَوْ حِلْيَتَهَا، أَوْ زِينَتَهَا، لَا يُجَاوِزُنِي فِي دَارِي، وَلَا نَزَعَنَّ مِنْ قَلْبِي مَحَبَّتِي، وَعَلَيْكَ سَلَامِي وَرَحْمَتِي (٢). وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ص: ١٤٠

١- (١) - «أَوْ سَمِعْتَهَا» الإرشاد والجواهر السنية..

٢- (٢) البحار ج ٧٧ ص ٢١ ح ٦ عن إرشاد القلوب للديلمى ص ١٩٩ مرسلاً، عنه الجواهر السنية في الأحاديث القدسية ص ١٩١، والبحار ج ٧٧ ص ٢١ ح ٦، وفي مستدرك الوسائل ج ١١ ص ٣٠٣ ح ٣، وج ١٢ ص ٢٣٧ ح ٢ قطعه..

ای احمد! اگر بنده ای نماز اهل آسمان و زمین را بجا آورد، و روزه اهل آسمان و زمین را بگیرد، و از خوردنی ها همچون فرشتگان روبرتابد، و لباس برهنگان پوشد، سپس در دل او ذره ای از محبت دنیا، یا توانگری (۱) دنیا، یا ریاست دنیا، یا زیورآلات دنیا، و یا زرق و برق دنیا بینم، او را در پناه خود نمی گیرم، و محبتم را از دل او بر می کنم. و سلام و رحمت من بر تود باد. والحمد لله رب العالمین.

ص: ۱۴۱

۱- (۱) - «آوازه و شهرت» بنا بر نسخه ارشاد و جواهر..

فهرست منابع

- ١ - اربعين علامه مجلسى
- ٢ - إرشادالقلوب ديلمى
- ٣ - امالى شيخ صدوق
- ٤ - بحار الانوار
- ٥ - تحف العقول
- ٦ - تفسير الصافى
- ٧ - تفسير نور الثقلين
- ٨ - الجواهر السنيه فى الاحاديث القدسيه
- ٩ - روضه كافى
- ١٠ - مرآه العقول
- ١١ - مستدرک الوسائل

ص: ١٤٢

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

